

# بانوی ملکوت

کریمی جهرمی، علی

## بانوی ملکوت

### پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد و آله الطاهرين

سالیان سال است که وارد بر بانوی بانوان بهشتی و پاره تن امامان معصوم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شده و از سفره انعام و لطف بی دریغ آن ولیة الله بهر مندم

دهها سال است که در مرکز امن و امان و در زیر سایه رحمت و احسان دختر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام جاگرفته و به آن ملجأ مطمئن و ملاذ نواز شگر، ملتجی و پناهنده شدهام

و با وجود آنکه پناهمخواهنده ای درست کار و شایسته نبوده، شرایط و تعددات پناهندگان را رعایت نکرده، درست بدان پای بند نبوده و انجام نداده ام ولی آن مظهر لطف و رحمت خدا مرا طرد نکرده، از در خانه خود نرانده و به دست دیگران نداده و قرین غم دوری و اندوده جدایی و محرومیت نساخته، خلافاکاریها و نادرستیها را نادیده گرفته و از کجیها و کاستیها، که حقیقتاً کم نیز بوده، چشمپوشی کرده، مرا از باب رحمت خود پرت ننموده و دورم نساخته است، بلکه هر روزی که فرا رسیده لطف تازهتری کرده و به جای قهر و خشم بر انعام و احسان خود افزوده است

در این تفکر و اندیشه، وجدان شرمسارم الهام می کرد که این همه بزرگواری و کرامت نفس را از ولی نعمت خود و کریمه اهل بیت، از یاد نبرم و گامی - هر چند ناچیز - در مسیر سپاسگزاری از آن مظهر لطف و رحمت بی کران خدا، یعنی فاطمه بنت موسی، علیهما السلام بردارم

از این رو بر آن شدم که بادداشت هایی را که از سالیان سال راجع به آن مکرمه بی بدیل داشتم، تنظیم نموده تقدیم آستان مبارکش سازم، باشد که در جهان ابدی نیز همچون این جهان جزء پناه یافتگان حضرتش باشم

نتیجه آن کار کتاب حاضر است که به نظر شریف دلدادگان و موالیان آل محمد صلوات الله علیهم و علاقمندان حضرت فاطمه معصومه ارواحفاده می رسد

ضمناً یادآور می شویم که بحث های محوری کتاب، چهار موضوع است

1- اخبار و روایات مربوطه -

2- قم، حرم اهل بیت صلوات الله عليهم اجمعین -

3- چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه، سلام الله عليها -

4- بحثی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم -

و در این مقام اعتراف می‌کنم که این نوشته در برابر کتابهای مفصل و سودمندی که راجع به قم و حضرت معصومه سلام الله عليها نوشته شده، اثر ناچیزی است، ولی ممکن است این نوشته مختصر نیز مقبول دربار بانوی باجلالت، حضرت معصومه واقع شود و در آن صورت، ارزشمند خواهد بود. علاوه بر این که ممکن است در جایی این مختصر نیز مطالب تازه‌ای داشته باشد که مورد توجه و عنایت اهل مطالعه قرار گیرد و در نتیجه بها و ارزش پیدا کند و اگر هر دو جهت تحقق بیابد، که آن هم لطفی فوق همه الطاف حضر معصومه در باره این جانب است، زاد و توشه راه خطیری که در پیش دارم خواهد بود.

الا فصلوات الله عليها و علی ابیها و اخیهما و ابن اخیهما و من ولده ابن اخیهما الی القائم الحجّة عجل الله تعالی فرجه

قم / حوزه علمیه / علی کریمی جهرمی

ذی الحجة 1421 / فروردین 1379

## اخبار و روایات

در آغاز چند روایت پیرامون قم و اهل قم و خزینة الهیة مدفون در قم را ذکر می‌کنیم که محور اصلی در استفاده بسیاری از مطالب کتاب به شمار می‌رود:

1- کشتی رجالی بزرگ نقل کرده که حماد ناب گفته است: ما با گروهی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم - حضرت از او احوالپرسی کرده و به او محبت نمودند و اظهار سرور و که ناگهان عمران بن عبدالله قمی وارد شد شادمانی فرمودند. وقتی برخاست، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این که بود که اینگونه به او محبت فرمودید؟

امام در پاسخ گفتند: مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّجَبَاءِ - یعنی اهل قم - ما ارادهم جبار من الجبابرة الا قصمه الله؛ (1) او از اهل بیت و خاندان نجبا می‌باشد، یعنی از اهل قم، که هیچ ستمگری از ستمگران، آهنگ هلاک آنان نکرد مگر اینکه خداوند او را در هم شکست و خرد گردانید.

2- روایت دیگری را نیز کشتی به همین مضمون با اندک اختلاف لفظی راجع به عمران بن عبدالله نقل کرده است -

3- علی بن میمون الصابغ نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ اخْتَجَّ بِلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الدِّينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمْ دَلِيلٌ وَ الْمَعْرَبُ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ مَسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ آيَدَهُمْ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرِبَ قُمْ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ

الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنظَرُوا طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قَوْمٍ وَ أَهْلِهِ وَ سَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلَدَّهُ قَوْمٌ وَ أَهْلُهَا حُجَّةٌ عَلَى الْخَلْقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَنٍ غَيْبِيَّةٍ قَائِمِنَا، عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قَوْمٍ وَ أَهْلِهِ وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ شَغَلَهُ عَنْهُمْ بَدَاهِيَةٌ أَوْ مُصِيبَةٌ أَوْ عَدُوٌّ وَ يُنْسَى (اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذَكَرَ قَوْمٌ وَ أَهْلِهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ). (2)

راستی خداوند به کوفه بر سایر بلاد و به مؤمنین از اهل آن بر دیگر مردمان بلاد احتجاج می‌کند و به شهر قم بر سایر بلاد و به اهل آن بر تمام مردم مشرق و مغرب از جن و انس، احتجاج خواهد فرمود و قم و اهل آن را بی بهره و دور از معارف رها نکرده، بلکه آنان را موفق داشته و تأیید فرموده است.

سپس فرمود: راستی که دین و اهل دین در قم بی مقدارند و اگر این جهت نبود مردم از هر سو به سوی آن شتابان می‌آمدند و در نتیجه قم ویران و اهل آن نابود می‌شدند و دیگر حتی بر سایر بلاد نبود و هنگامی که چنین می‌شد، آسمان و زمین استقرار نمی‌یافت و یک چشم به هم زدن مهلت داده نمی‌شدند و به راستی که بلا از قم و اهل آن دفع می‌گردد و به زودی زمانی فرا برسد که قم و اهل آن حجت بر سایر خلایق باشند و این زمان غیبت قائم تا هنگام ظهور اوست و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرومی‌برد و به راستی که ملائکه بلاها را از قم و اهل آن دفع می‌کنند و هیچ جباری قصد سوء درباره آن نمی‌کند جز اینکه شکننده پشت جبارین او را در هم خواهد شکست و او را از آسیب رساندن به آن مردم به وسیله رویداد مشکلی یا مصیبت، یا دشمنی، مشغول خواهد گردانید و خداوند، یاد قم و اهل آن را از خاطر جباران و در دولت آنان خواهد برد، چنانکه آنان یاد خدا را فراموش کردند.

با سندهایی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، که آن حضرت ذکر کوفه کرده و فرمودند:

سَتَخْلُوا كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْرَازُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرَازُ الْحَيَّةُ فِي جَحْرِهَا ثُمَّ يَطْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلَدَةِ يُقَالُ لَهَا قَوْمٌ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَذَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَوْمٌ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُبَيِّضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَبْقَى حُجَّةٌ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الذِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَطْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَصِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ (حُجَّة). (3)

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌گردد و علم از آن قبض و گرفته خواهد شد، بدانگونه که مار در لانه‌اش گرفته می‌شود. سپس علم در شهری ظاهر می‌گردد که قم نامیده می‌شود و آنجا معدن علم و فضل می‌گردد؛ به گونه‌ای که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان پرده‌نشین. و این نزدیکی ظهور قائم ما خواهد بود، پس خداوند قم و اهل آن را در مقام حجت قرار می‌دهد و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرومی‌برد و حجتی در زمین باقی نمی‌ماند، پس علم از قم به سایر بلاد در مشرق و مغرب سرازیر خواهد شد و حجت خدا بر مردم تمام می‌گردد، آنچنان که احدی بر صفحه زمین باقی نخواهد ماند که دین به او نرسیده باشد. آنگاه قائم ظهور می‌کند و موجب منحرف - خواهد شد زیرا خداوند از بندگان خود انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از آنکه - نقت و خشم خدا بر بندگان آنان حجت را انکار کنند.

ابومقاتل دیلمی می‌گوید: از حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: إِنَّمَا سُمِّيَ قَوْمٌ بِهِ - (لَأَنَّ لَمَاءَكَ وَصَلَتْ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَامَتْ وَ هُوَ قَطْعَةٌ مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ)؛ (4)

همانا قم به این اسم نامیده شد زیرا چون کشتی نوح علیه السلام در جریان طوفان بدانجا رسید، ایستاد - و حرکت نکرد - و آن قطعه‌ای از بیت المقدس است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَوْمٍ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ - (مَدْفُوعٌ عَنْهَا) (5)

هنگامی که فتنه‌ها و آشوب‌ها شهرها را فراگرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.

جماعتی نقل کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمود -7-

(6) إِذَا عَمَّتِ الْبَلَايَا فَالْأَمْنُ فِي كُوفَةِ وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قُمْ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعْمَ الْمَوْضِعُ قُمْ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ

هنگامی که بلاها فراگیر شد، پس امن در کوفه و نواحی آن از روستاها و در قم از بلاد کوهستانی است و برای ترسناک فرار کننده به هرسو، قم چه جای خوبی است.

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمودند -8-

قُمْ عَشْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْأَسْتِخْفَافِ وَ السَّخْرِيَّةِ بِكِبَرَانِهِمْ وَ (مَشَايخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ. 7)

قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آنهاست و لکن به زودی جماعتی از جوانانشان، آنان بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و پیش‌کسوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند شر دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند -9-

إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَوْمِ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَا حِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا رَادَ أَحَدٌ بِكُمْ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا آذَنَّهُ اللَّهُ (وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ. 8)

هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم، زیرا آنجا مأوای فاطمیین و استراحتگاه مؤمنین است و هیچ‌کس تصمیم سویی درباره قم و اهل آن نگرفت مگر اینکه خداوند او را خوار کرده، از رحمت خود دور ساخت.

و از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام روایت است که فرمود -10-

(إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ لِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ)

برای بهشت، هشت در است و برای اهل قم یکی از آن در هاست؛ پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.

11- سلیمان بن صالح می‌گوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ذکر فتنه‌های بنی‌عباس و آنچه که از ناحیه آنان به مردم می‌رسد به میان آمد. ما عرض کردیم: جان ما فدای شما باد، مفرح و مفرح در آن زمان کجا خواهد بود؟ فرمود: به سوی کوفه و حوالی آن و قم و نواحی آن. سپس فرمود: فی قُمْ شِيعَتِنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكْتَرُ فِيهَا (الْعِمَارَةُ وَ يَقْضُدُهُ النَّاسُ وَ يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرُ بَيْنَ بِلَدَتِهِمْ. 10)

شیعیان و دوستان ما در قم‌اند و عمارت و آبادی در قم زیاد خواهد شد و مردم آهنگ قم می‌کنند و در آن گرد می‌آیند به طوری که نهر مخصوص در میان شهرستان قرار خواهد گرفت.

علامه مجلسی در این‌جا می‌فرماید: و در بعضی از روایات شیعه وارد شده که قم از عمارت و آبادی به جایی برسد که جایگاه يك اسب به هزار در هم به فروش خواهد رسید. و در بیان روایت فوق می‌فرماید: جمر، نام نهری از انهار است که قبل از بنای شهر قم جاری بوده است.

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَنْ بَدَعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ - مَعَهُ قَوْمٌ كَرِيبٌ الْحَدِيدِ لَا تَرْتَلُهُمُ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمِيلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجِبُونُ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. (11)

مردی از اهل قم مردم را به سوی حق فرامی خواند. گروهی همانند قطعات آهن به همراه او گرد می آیند که تندبادها آنان را نمی لغزاند، از جنگ خسته نمی گردند، نمی ترسند و بر خدا توکل می کنند و عاقبت از برای اهل تقوا است.

عقان بصری می گوید: حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: آیا می دانی برای چه قم بدین نام نامیده شد؟ - عرض کردم: خدا و رسول او و شما دانائید. فرمود: إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ. (12)

قم بدین اسم نامیده شد، زیرا که اهل آن با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع نموده و با او قیام می کنند و بر این کار استوار بوده، او را نصرت و یاری می نمایند.

صفوان بن یحیی می گوید: روزی در خدمت حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام بودیم که نام قم و - اهل آن و میل و توجهی که آنان به مهدی علیه السلام دارند به میان آمد. حضرت بر آنها رحمت فرستاد و فرمود: خدا از آنان راضی و خشنود باشد. سپس اضافه کردند: إِنَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَوْبَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ حَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ (13).

از برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم می باشد و آنان از بهترین شیعیان ما از میان همه بلادند. خداوند ولایت ما را در طینت آنان عجين کرده است.

از گروهی از اهل ری روایت شده که بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند و عرض کردند: ما از اهل - ری می باشیم، حضرت فرمودند: مَرَحِبًا بِأَخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ؛ أَفْرِينِ بَرِّ بَرَادِرِنَا مَا مِنْ أَهْلِ قُمْ! عرض کردند ما از اهل ری هستیم. حضرت همان سخن را تکرار کردند. آنان بار دیگر حرف خود را تکرار کردند و امام صادق علیه السلام همان پاسخ را دادند و بعد فرمودند: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ مَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدَةُ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (14)

راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

در ذیل این روایت آمده که راوی این روایت می گوید: این سخن را امام صادق علیه السلام در زمانی فرمودند که هنوز حضرت کاظم علیه السلام - پدر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها - تولد نیافته بود.

از انمه اطهار عليهم السلام روایت شده که: لَوْلَا الْفُؤَيْيُونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ (15) اگر قمی ها نبودند، دین ضایع و تباه می شد.

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنَةُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ - نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَذْفُوعٌ عَنْهَا؛ (16)

هنگامی که فتنه ها شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن و نواحی آن، زیرا بلا از آن برداشته شده است. از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلَكًا رَفْرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحَيْهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ - يَسُوءُ إِلَّا إِذَابَهُ اللَّهُ كَدُوبِ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ فَمَنْ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمْ

الْعَيْثُ وَ يُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ وَ هُمْ الْفُقَهَاءُ  
(الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَائِيَةِ وَ الرَّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ. 17)

راستی که فرشته‌های بالهای خود را بر شهر قم افکنده و حرکت می‌دهد، هیچ ستمگری درباره آن قصد سوء نمی‌کند مگر اینکه خداوند او را ذوب می‌کند همچون نمکی که در آب ذوب می‌شود. آنگاه اشاره به عیسی بن عبدالله کرد و سلام خدا بر اهل قم، خداوند با باران رحمتش بلاد آنان را سیراب گرداند و برکات خود را بر آنان نازل فرمود آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند، آنان فقها، علما و فهیمانند، فرماید و سیناتشان را به حسنات تبدیل گرداند. آنان اهل درایت و روایت و عبادت نیکو می‌باشند.

روایت کرده‌اند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ثُرْبَةُ قُمٍ مُّقَدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مَيِّمٌ وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ - 19  
بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلْتُ عُقُوبَتَهُ مَا لَمْ يَحُوتُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارٌ قَائِمِينَ وَ دُعَاءُ  
(رَعَاءُ) حَقْنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: أَلَلَّهُمْ أَعْصِمُهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ. (18)

تربت قم مقدس است و اهل قم از مایند و ما از آنانیم. هیچ ستمگری به آنان قصد سوء نمی‌کند مگر اینکه به سرعت به عقوبت و کیفر خود خواهد رسید و این تا هنگامی است که آنان به برادران خود خیانت نکرده‌اند. پس اگر خیانت اهل قم - یاران قائم ما و دعوت - کردند خداوند جباران بدعمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان کنندگان یا رعایت کنندگان حق مایند. آنگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه‌ای نگاهداشته و از هرگونه هلاکتی رهایی بخش

ابولصلت هروی می‌گوید: من در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از اهل قم وارد شدند و بر آن - 20  
بزرگوار سلام کردند. حضرت جواب سلامشان را داده و آنها را نزدیک خود جا داد. آنگاه به آنان فرمود: مَرْحَبًا  
بِكُمْ وَ أَهْلًا فَإِنَّكُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا فَسَيَأْتِي عَلَيْكُمْ يَوْمَ تَرُورُونَ فِيهِ ثُرْبَتِي بِطُوسِ الْأَمْسِ زَارَنِي وَ هُوَ عَلَى غَسَلٍ خَرَجَ مِنْ  
(دُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. 19)

خوش آمدید، آفرین بر شما، شما حقا شیعیان مایید و به زودی روزی فرا رسد که تربت مرا در توس زیارت کنید. آگاه‌باشید که هرکس با غسل مرا زیارت کند از گناهان خود خارج می‌شود مانند روزی که مادر او را متولد ساخته است.

حضرت عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: شنیدم که حضرت علی بن محمد - امام هادی علیه السلام - می‌فرمود: - 21  
(أَهْلُ قُمٍ وَ أَهْلُ آبَةِ مَعْفُورٍ لَهُمْ لِزِيَارَتِهِمْ لِجَدِّي عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامِ بِطُوسٍ ... (20)

اهل قم و اهل آبه - قریه‌ای از قرای ساوه - مورد غفران الهی‌اند، به خاطر اینکه جد من علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را در توس زیارت می‌کنند.

از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده است که: قم بلدنا و بلد شیعتنا مطهرة مقدسة قبلت و لایتنا اهل البیت - 22  
لا یریدهم احد بسوءٍ إِلَّا عَجَلْتُ عُقُوبَتَهُ مَا لَمْ يَحُوتُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارٌ  
(أَلَلَّهُمْ أَعْصِمُهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ. 21) قَائِمِينَ وَ رَعَاءُ حَقْنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ

قم شهر ما و شهر شیعیان ماست. پاکیزه و مقدس است. (اهل آن) ولایت ما اهلبیت را پذیرفتند. هیچ کس تصمیم بدی درباره آنان نمی‌گیرد مگر اینکه در عقوبت او سرعت خواهد شد و این مادامی است که به برادران خود خیانت نکنند. پس اگر خیانت کردند خداوند جباران بدعمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و مراعات‌کنندگان حق مایند. آنگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه‌ای نگاهداشته و از هرگونه هلاکتی نجات داده و برهان

شایان ذکر است که هرچند در بسیاری از این روایات قم را مصون از بلا و محفوظ از شرّ جباران دانسته‌اند ولیکن در روایت نوزده و بیست و دوم قید کرده‌اند که تا هنگامی که به برادران خود خیانت نکنند؛ و گرنه شرایط دیگری است و در روایت هشتم تصریح فرموده‌اند که گروهی از جوانان قم به سبب نافرمانی بزرگان هلاک می‌شوند.

## قم حرم اهل بیت

شاید هرکس کلمه حرم را در مورد قم بشنود و یا در نوشته‌ای بنگرد فوراً متوجه حرم و بقعه مبارکه فاطمیه؛ یعنی مقدار معینی از زمین که زیر قبه سامیه و گنبد مطهر قرار گرفته است بیفتد و همانگونه که معمول و متعارف است، همان موضع مبارکی که محصور است و علاقمندان با احترام مخصوص وارد شده و در آنجا زیارت می‌خوانند به ذهن بیاید.

ولی مقصود ما از حرم در این بحث يك معنای وسیع و مفهوم گسترده‌ای است و خلاصه منظور سراسر شهر قم و کلّ این سرزمین مقدّس و شریف است و این بر اساس روایت یا روایاتی است که از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده و بر اساس آن روایات امام معصوم این سرزمین را متعلق به خود و خاندان خود دانسته و حرم خویش خوانده‌اند و از این رو قم، سراسر، حرم اهل بیت است.

در لغت آمده حرم آن چیزی است که انسان از آن حمایت و دفاع می‌کند، چیزی که انتهاك و حرمت‌شکنی آن روا نیست. لذا بیت‌المقدّس را حرم اقصی گویند و چون لفظ حَرَمَان گفته شود، مقصود، مکه و مدینه باشد.

بالحاظ این معنا می‌توان حرم را در اینجا بیت و خانه معنا کرد و گفت: قم، این سرزمین مبارک، خانه اهل بیت و جایگاه آنان و مورد حمایت و دفاع آل محمّد علیهم‌السلام است.

و ما در این مقام به ذکر عناوین توقیرآمیز و مزایای محترمانه این سرزمین پاك می‌پردازیم و پیش از آن، چون همه سخنها در این فصل راجع به قم است، مختصر سخنی راجع به قم و نام آن می‌گوییم.

## شهر قم و نام افتخارآفرین آن

قاضی نورالله شوشتری نقل می‌کند که: حموی و دیگران گفته‌اند: قم از مداین مستحذّه اسلامی است و اهالی آن همیشه امامیه بوده‌اند و ابتدای بنای آن در سال 83 هجری قمری و در زمان عبدالملک مروان بوده است.

قاضی خود می‌گوید: بلده قم شهری عظیم و بلده‌ای کریم است و از جمله بلادی است که همیشه دارالمومنین بوده و بسیاری از اکابر و افاضل و مجتهدان شیعه امامیه از آنجا برخاسته‌اند و انتساب به چنین بلدی اقوی ادله صحت (عقیده منسوب‌الیه است. 22)

ظاهراً اسم "قم" نامی است که عرب بر آن شهر اطلاق کرده‌اند و از روایات استفاده می‌شود که این نام منشأ دینی دارد و با مناسبات ایمانی و عقیدتی بدین نام موسوم شده است. اینک به این چند روایت توجه فرمایید:

علامه مجلسی می‌فرماید: در روایات شیعه آمده که چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معراج برده شد، ابلیس را دید که در این بقعه و سرزمین جایگزین شده است. رسول خدا به او فرمود: **قُمْ يَا مَلْعُونُ؛ اَي مَلْعُون!** برخیز. پس (آن سرزمین به قم موسوم گردید. 23)

و در روایت پنجم از روایاتی که قبلاً ذکر کردیم، از حضرت هادی علیه‌السلام نقل شد که فرمودند: قم را قم -2 نامیدند چون کشتی نوح در داستان طوفان تا به آنجا رسید، ایستاد و متوقف شد.

در روایت سیزدهم از روایات سابقه خواندیم که حضرت صادق علیه‌السلام به عقان بصری فرمودند: می‌دانی -3 خدا و رسول او و شما داناترید. حضرت فرموده‌اند: زیرا اهل قم، بدین نام موسوم شده است؟ او عرض کرد قم با قائم آل محمد صلوات‌الله‌علیه اجتماع کرده و با او قیام می‌نمایند و بر این امر استقامت ورزیده او را یاری می‌کنند.

قم"، گرفته شده و بنابراین روایت دوم " اکنون بنابر روایت اول، اسم قم از خطاب رسول خدا به شیطان، که فرمودند از قیام گرفته شده و چون کشتی نوح در این سرزمین قائم شد و ایستاد، لذا آن را قم گفتند و طبق روایت سوم به تناسب حضور مردم قم با قائم آل محمد و قیام اهل قم با آن حضرت و استقامت آنان، این سرزمین را قم نامیده‌اند.

البته این وجوه و مناسبات، قابل جمع نیز می‌باشد؛ یعنی می‌تواند تمام این وجوه، وجه مناسب نام‌گذاری این شهر به قم باشد کما اینکه روایت سوم خود متضمن سه وجه مناسبت است که هر یک برای نام‌گذاری کافی بود. یکی حضور مردم قم با حضرت قائم علیه‌السلام، دیگری قیام آنان با آن حضرت و سوم استقامت آنان در این راه.

## مزایا و خصوصیات و عناوین شهر قم

و اکنون به ذکر مزایا و خصوصیات شهر قم در چاقوب آنچه که از روایات استفاده می‌شود می‌پردازیم.

1- قم از سوی خداوند متعال حجت بر بلاد دیگر، شهرها و شهرستانهای مختلف عالم قرار داده شده است.

2- خداوند قم را در حال استضعاف و بیچارگی و انمی‌گذارد.

3- ملائکه بلا را از شهر قم دفع می‌کنند -4. قم در زمان غیبت قائم علیه‌السلام حجت است.

5- هرکس قصد سوء درباره قم کند، خداوند او را به داهیه و امر عظیمی یا مصیبتی مبتلا می‌کند و یا دشمنی را -5 در برابر او قرار می‌دهد که در نتیجه مشغول به اینها شود و از اعمال اراده خود باز بماند.



همه این مطالب پنج‌گانه را از روایت سوم استفاده می‌کنیم.

6- علم در قم ظهور و بروز پیدا می‌کند.

7- قم معدن علم و فضل خواهد شد.

8- علم و دانش از قم به مشرق و مغرب و تمام نقاط عالم سرازیر خواهد گردید و همه جا از قم بهره‌مند می‌شوند.

این چند مزیت را از روایت چهارم استفاده می‌کنیم.

9- قم، قطعه‌ای از بیت المقدس می‌باشد و این مطلب در روایت پنجم آمده است.

10- بلا از قم مدفوع است؛ یعنی از آن دفع خواهد شد و این نکته در روایت ششم آمده است.

11- قم مأمن است؛ یعنی مرکز ایمنی و امن و امان خواهد بود.

12- قم، جایگاه خوبی برای انسان خائف و ترسانی است که به هرسو در طوف و حرکت است. و این دو - خصوصیت در روایت هفتم ذکر شده است.

13- قم، عَشَّ و آشپانه آل محمد صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین است.

14- قم مأوا و پناهگاه شیعیان و پیروان آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و این دو امتیاز از روایت هشتم گرفته شده است.

15- قم مأوای فاطمیین؛ یعنی اولاد و ذراری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها می‌باشد.

امکان دارد قبور فراوانی که از سادات و بنی‌فاطمه در این شهر است، به خاطر همین جهت باشد که آنان از هرسو رو به قم آورده و آنجا را مأوای خود قرار داده‌اند.

و نیز احتمال می‌رود که مقصود از فاطمیین، دلدادگان و پیروان حضرت فاطمه زهرا باشند و گویا فرموده‌اند: قم مأوا و مرکز پیروان و دوستان فاطمه سلام‌الله‌علیها است.

16- قم محل استراحت و آسایش مؤمنان است.

17- هرکس درباره قم تصمیم سوء بگیرد، خداوند او را ذلیل و خوار گردانیده و از رحمت خود دور می‌سازد.

18- قم مرکز شیعیان و موالیان اهل‌بیت عصمت و طهارت و خاندان پیغمبر است.

این دو خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می‌باشد.

19- قم مرکز توجّه نفوس و علاقه و اجتماع مردم است. و این دو خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می‌باشد.

20- قم حرم خاندان پیغمبر و منزل و بیت آل محمد علیهم‌السلام بوده و مرکز و جایگاه و محل توجّه خاص امامان - معصوم علیهم‌السلام خصوصاً از امام صادق علیه‌السلام به بعد است. چنانکه حرم خدا، مکه و حرم رسول‌الله، مدینه و حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام، کوفه است.

قم مدفن پیکر پاک و مطهر فرزندان امام صادق علیه‌السلام حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها می‌باشد - 21

و این دو وجه شرافت بزرگ در روایت پانزدهم با کمال صراحت و روشنی ذکر شده است

به هنگامی که بلا و گرفتاری عمومیت پیدا کرده و همه جا را فراگیرد به امر حضرت رضا علیه‌السلام باید - 22  
رو به قم و حوالی و نواحی آن آورد

و این دو جهت مورد تصریح در روایت هفدهم است. بلا از قم - نوعاً مرفوع و برداشته شده است - 23

قم زیر بال ملیکه است و فرشته آسمانی بال خود را چترمانند بر سر اهل قم افکنده و باز و بسته می‌کند - 24

کسی که تصمیم بدی درباره قم داشته باشد، خداوند او را نوب می‌کند چونانکه نمک در آب نوب می‌گردد. و - 25  
این دو امتیاز در روایت هیجدهم آمده است

تربت قم دارای قداست است - 26

و این نکته افتخارآمیز در روایت نوزدهم مورد تصریح قرار گرفته است

قم، بلد آل محمد و امامان علیهم‌السلام است - 27

قم، بلد و شهر شیعیان علی و آل علی علیه‌السلام است - 28

قم، مطهر است - 29

قم، مقدس است - 30

قم، سرزمینی است که خود ولایت آل علی را پذیرفته است. البته احتمال می‌رود که مقصود اهل قم باشند. و - 31  
این چهار یا پنج خصوصیت را از روایت 22 استفاده می‌کنیم

اینها يك سلسله افتخارات و امتیازاتی است که برای شهر قم از لسان خاندان وحی صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین صادر  
گردیده و مارا متوجه موقعیت عظیم و بزرگ معنوی این سرزمین شریف می‌گرداند

و چه بگویم راجع به شهری که معصومین پاک اینگونه آن را ستوده‌اند و چه افتخارآفرین است شهری که حجّت خدا  
بر همه بلاد عالم می‌باشد

شهری که مورد عنایت خداوند بوده و حق‌تعالی آن را مستضعف رها نخواهد کرد

شهری که در عصر پر از مشکلات غیبت حضرت ولی‌عصر، حجّت می‌باشد

شهری که فرشتگان الهی بلا را از آن دفع می‌کنند

شهری که تصمیم سوءگیرنده آن را خداوند به داهیه و مشکل بزرگ و مصیبت و دشمن خطرناک دچار می‌سازد تا  
از تصمیمش باز بماند

شهری که مهد علم و دانش و محل بروز حرکت‌های علمی است

شهری که معدن علم و کانون فضیلت و فرهنگ اسلامی خواهد گردید.

شهری که علم و دانش، سیل مانند از آنجا به اطراف و اکناف دنیا سرازیر خواهد گردید و بالاخره اقطار جهان را تغذیه علمی می‌کند.

شهری که قطعه‌ای از بیت المقدس - شهر پیامبران و مدفن انبیا است.

شهری که بلا از آن دفع شده و خواهد شد.

شهری که مأمن و بهترین موضع برای انسان ترسان و بهر هرسو در حرکت و فرار خواهد بود.

شهری که آشیانه آل محمد صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین و مأوای شیعیان و هواخواهان آنان است.

شهری که مأوای فاطمیین و جایگاه آسایش مؤمنان می‌باشد.

شهری که مرکز موالیان و دلدادگان خاندان پیغمبر و نقطه توجه نفوس و اجتماع مردم است.

شهری که حرم اهلبیت و مدفن بانوی گرانقدر آل محمد، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است.

شهری که به هنگام فراگیر شدن بلاها باید به آنجا روی آورد و بلا از آنجا برداشته شده است.

شهری که زیر چتر بال ملک است و کسی که تصمیم ناروایی درباره آن داشته باشد به کلی نابود خواهد گردید.

شهری که تربت و خاک پاک آن از قداست خاصی برخوردار است.

راستی شهری عجیب و سرزمینی شگفت‌انگیز است! کسانی که روی زمین آن راه می‌روند، در سرزمین مقدس راه می‌روند و آنانکه در این شهر ساکن و مقیمند، در عرش آل محمد و در حرم اهلبیت پیغمبر اقامت گزیده‌اند.

و در آخر قم، شهری است که متجاوز از چهارصد امامزاده واجب‌التعظیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدس، پیکر پاک این عده کثیر از آل علی‌علیهم‌السلام را در خود جای داده است و علما و فقها و محدثین بزرگ شیعه و اصحاب ائمه‌علیهم‌السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در حول و حوش حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه مدفونند که به شمار نمی‌آیند.

و روی این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل‌القدر مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی - کرباسی - اعلی‌الله‌مقامه مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی بنا بر آنچه که منقول و معروف است هنگامی که از اصفهان به قم می‌آمد، از پل علیخانی - دروازه معصومه سابق - یا از مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام کفش‌های خود را بیرون آورده و به دست می‌گرفت و تا حرم مطهر پیاده می‌رفت و می‌فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده‌اند و سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است.

## مزایای مردم قم

به مقتضای روایات سابقه مردم قم دارای مزایا و افتخارات فراوانند:

- 1- آنان جزء اهل بیت هستند.
- 2- آنان مردمی نجیب و بزرگوارند، نجبای مردم به شمار می‌روند.
- 3- کسی که تصمیم بد درباره آنان بگیرد خداوند او را در هم می‌شکند.  
و این سه مطلب از روایت اول استفاده می‌شود.
- 4- خداوند با مردم قم بر سایر مردم احتجاج خواهد کرد.
- 5- خداوند آنان را مستضعف نخواهد گذاشت.
- 6- خداوند متعال آنان را موقق و مؤید می‌دارد.
- 7- بلا از مردم قم دفع خواهد گردید.
- 8- اهل قم حجت بر خلائق در زمان غیبتند.
- 9- هرکس اراده بدی نسبت به آنان کرد، خداوند او را ذلیل و خوار و از رحمت خود دور ساخت.  
و این مطلب در روایت نهم مورد تصریح واقع شده است.
- 10- برای مردم قم دری مخصوص از درهای بهشت است.
- 11- فرموده است. و این دو مطلب در "امام علیه‌السلام سه بار درباره آنان "طوبی لهم؛ یعنی خوشا به حالشان - روایت دهم آمده است، چنانکه مطلب اول در روایت چهاردهم نیز آمده است.
- 12- مردی از اهل قم دعوت به حق می‌کند.
- 13- اهل قم با قائم آل محمد صلوات‌الله‌علیه اجتماع کرده و او را یاری می‌نمایند.  
و این سخن در روایت سیزدهم آمده است.
- 14- طلب رحمت و رضا و خشنودی خداوند برای مردم قم از ناحیه حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام شده است.
- 15- آنان بهترین شیعیانند.
- 16- خداوند ولایت اهل بیت را با ذات آنان عجین کرده است.  
و این سه نکته در روایت چهاردهم ذکر شده است.

- 17- اهل قم برادرخواندگان اهل بیت‌اند.
- و این مطلب در روایت پانزدهم آمده است.
- 18- اگر قمی‌ها نبودند دین ضایع می‌شد.
- این نکته افتخار آمیز در روایت شانزدهم آمده است.
- 19- مورد سلام و درود امام علیه‌السلام هستند.
- 20- مشمول دعای امام علیه‌السلام هستند که خداوند بلادشان را با نزول باران سیراب گرداند.
- 21- مشمول دعای امامند که خدا برکاتش را بر آنان نازل گرداند.
- 22- و دعای امام علیه‌السلام که خدا سیناتشان را به حسنات مبدل گرداند.
- 23- آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند.
- 24- آنان فقهایند.
- 25- و نیز علمای فهیم و دانا می‌باشند.
- 26- اهل درایت، فهم و دانایی و روایتند.
- 27- اهل عبادت نیکو و شایسته می‌باشند.
- این نه مطلب پرافتخار در روایت هیجدهم ذکر شده است.
- 28- امام علیه‌السلام مردم قم را از خاندان خود و خاندان خود را از آنان برشمرده است.
- 29- آنان انصار قائم آل محمد علیه و علیهم‌السلام هستند.
- 30- آنان دعوت‌کننده یا رعایت‌کننده حقوق اهل‌بیتند.
- 31- مورد دعای امام صادقند که خداوند آنان را از هر فتنه‌ای نگداشته و از هرگونه هلاکتی نجات بخشد.
- و این مطالب چهارگانه در روایت نوزدهم آمده است. چنانکه سه مطلب اخیر در روایت 22 نیز آمده است.
- 32- تصدیق و امضای تشیع اهل قم با ذکر کلمه "حقاً" و برای تأکید صورت گرفته است.
- 33- آنان از دیر زمان زائران حضرت رضا علیه‌السلام بوده‌اند.
- و این دو نکته در روایت 20 ذکر شده است.
- 34- اهل قم و نیز اهل آبه - از قرای ساوه - به برکت زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مورد غفران الهی‌اند.

هرکس تصمیم سویی درباره آنان گرفت، تعجیل در کفر او خواهد شد. و این مطلب در روایت بیست و یکم و 35- بیست و دوم ذکر گردیده است.

راستی این همه شرف و افتخار و نقطه‌های روشن برای چه مردمی جز اهل قم وارد شده است؟

مردمی که خداوند با آنان بر دیگران احتجاج می‌کند، مردمی که خداوند آنان را مستضعف و عقب‌افتاده رها نخواهد کرد، مردمی که مورد توفیق و تأیید الهی بوده و بلا از آنان دفع می‌شود و در زمان غیبت، حجت بر مردمان دیگرند.

مردمی که هرکس سونیت درباره آنان داشته باشد، خداوند او را خوار و زبون می‌دارد و از رحمت خود دور می‌سازد.

مردمی که يك در بهشت ویژه آنان بوده و امام علیه‌السلام در مقام تقدیر و تکریم آنان سه بار جمله "خوشابه‌حالشان" را ذکر کرده‌اند.

مردمی که يك شخصیت ممتاز از میان آنان برمی‌خیزد و ملت را به سوی خدا دعوت می‌کند.

مردمی که با حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه همراه بوده و او را یاری می‌کنند. مردمی که شیعیان برتر بوده و ولایت آل محمد علیهم‌السلام در سرشت ذات آنان عجین شده است.

مردمی که امام آنان را برادران خود خوانده و اگر آنها نبودند دین الهی ضایع می‌گردید.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ، سلام الهی نثار: مردمی که مورد سلام امام علیه‌السلام قرار گرفته و با جمله افتخار آفرین آنان شده است.

مردمی که امام معصوم از خدا خواسته که بلادشان را سیراب کرده، برکاتش را بر آنان نازل گردانیده و گناهانشان را به خوبی و ثواب مبدل فرماید.

مردمی که اهل رکوع، سجود، قیام و قعود بوده، فقها و علمای فهیم و دانا قلمداد شده‌اند و اهل درایت، روایت و عبادت نیکو می‌باشند.

مردمی که امام علیه‌السلام آنان را از خود و خود را از آنان قلمداد کرده و انصار مهدی موعود و دعوت‌کنندگان یا مراعات‌کنندگان حقوق خاندان پیامبرند.

مردمی که مشمول دعای خیر امام علیه‌السلام می‌باشند که از هر فتنه‌ای مصون و از انواع هلاکتها محفوظ بمانند.

مردمی که امام علیه‌السلام مؤکدانه آنان را شیعه خوانده و تشیعیان مورد گواهی حجت خدا واقع شده و بالاخره مردمی که همواره اهل زیارت حضرت رضا علیه‌السلام بوده و به برکت زیارت آن بزرگوار، مورد مغفرت الهی‌اند.

بدون تردید هیچ سرزمین و جایگاهی نیست که اینقدر فضیلت و منقبت داشته باشد.

و اکنون که اهل قم اینقدر مناقب دارند بجاست که موضع سراسر توقیر و تکریم خود را حفظ نموده، شایستگی خود را برای این همه افتخارات با خوبی، ایثار، تقوا و کرامت نفس به اثبات برسانند.

در اینجا ناگزیر این نکته را تذکر می‌دهیم که بعید است این همه تعظیم و احترام برای هرکسی باشد که در این شهر اقامت کرده و در آن فروآمده یا از آنجا نشأت گرفته باشد، بلکه در کلمه اهل بیت، اهل بیت افتاده و اگر لغت در این موضوع همراهی نکند لسان دین آن را تأیید و امضا کرده است.

چنانکه خداوند در داستان حضرت نوح علیه‌السلام و فرزندش می‌فرماید: نوح گفت: إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ؛ (24))

خطاب شد: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ. خداوند پسر من از اهل من است و وعده تو - راجع به نجات اهل من - حق است (نه، این پسر از اهل تو نیست، او عملی ناصالح است (فردی منحرف و گناهکار است) (عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ (25))

راستی این آیه وحشت‌زاست! نکند ما در قم باشیم ولی اهل قم نباشیم و بالاخره باید مرد و زن و دختر و پسر و اهل قم ممتاز باشند؛ به طوری که الگوی پاکی و پرهیزگاری و اخلاق حسنه و ساده‌زیستی و حیا و عفت و راستی و درستی، برای مردمان بلاد دیگر به شمار آیند و نیاید روزی که آنان دنباله‌رو شهرهای دیگر و یا دنباله‌رو غربیهای منحرف و دور از حیا باشند که: **الْأَذَى الَّذِي هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ**

و چنین به یاد می‌آید که مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ شهیر قمی رضوان‌الله‌علیه در یکی از مناظر خود خطاب به مأمورین دولتی زمان طاغوت یا خطاب به خصوص رئیس شهربانی می‌کرد و می‌گفت: شما هر روز اول صبح يك دور تسبیح بگو: اینجا قم است. اینجا قم است.

راستی این خود نکته جالبی است و بجاست که مردم قم و پسران و دختران قمی فراموش نکنند که اهل قم می‌باشند و هر کاری و هرگونه لباسی شایسته شأن آنان نیست و نیز بجاست که هرکس که در قم زندگی می‌کند و در آن اقامت دارد، هر روز به یاد خود بیاورد که اینجا قم است و شهر اهل بیت و حرم آنان و مأوای او آشیانه آل محمد است و در نتیجه حفظ حرمت حرم و حریم اهل بیت و ملاحظه و مراعات احترامات صاحب‌ال بیت و صاحب‌ال بلد: یعنی حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها را بنماید.

## چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها

### فواطم آل هاشم و فاطمه معصومه علیهم‌السلام

در خاندان اهل بیت، علیهم‌السلام بانوانی به نام فاطمه بوده‌اند که دارای شخصیت ممتاز و مقامات عالی می‌باشند و ممتازترین این بانوان گرانقدر، پنج نفرند که به صورت گذرا از آنان سخن می‌گوئیم.

## فاطمه بنت اسد، مادر پرافتخار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام 1.

او بانویی سرافراز است که از مزایای گوناگون برخوردار بوده و در میان همه زنان جهان، از اولین و آخرین، تنها زنی است که از جهان غیب برای مراسم وضع حمل به داخل کعبه فراخوانده شد و هدایت گردید و در آن مکان فوق العاده مقدس، فرزند بی نظیر خود علی علیه السلام را متولد ساخت. این جریان را علاوه بر علما و مورخان شیعه، عده‌ای از علما و مورخان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند.

او از جمله مهاجرین از مکه به سوی مدینه طیبه به شمار می‌رود و قبل از مهاجرت، از روی علاقه و صفا اسلام را پذیرفته بود. وی اول هاشمیه‌ای است که فرزند سرافراز او به خلافت اسلامی رسید.

این بانوی بالیمان و مهاجر، در مدینه طیبه دار فانی را وداع گفت و از دنیا رفت.

ابن اثیر می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم او را در جامه و پیراهن خود کفن کرد و در قبر او خوابید و برای او از خداوند درخواست جزای خیر فرمود. به آن بزرگوار عرض شد: در مورد جنازه فاطمه کاری کردید که نسبت به هیچ‌کس دیگر چنین نمودید؟

رسول خدا فرمود: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ أَبَرَّ بِي مِنْهَا إِنَّمَا الْبَسْتَهَا فَمِصِي لُتْكُسى مِنْ حُلِّ الْجَنَّةِ وَ اضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِيُهَوَّنَ عَلَيْهَا عَذَابُ الْقَبْرِ؛ (26) بعد از ابوطالب هیچ‌کس درباره من نیکوکارتر از او نبود و من پیراهن خود را به وی پوشاندم تا از حله‌های بهشتی بر او پوشانده شود و در قبر او خوابیدم تا عذاب قبر بر او آسان گردد.

## حضرت فاطمه زهرا دخت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم 2.

او سیده نسای جهانیان و سرور بانوان بهشتی و بزرگترین مظهر قداست در طبقه بانوان است. فاطمه مادر گرامی دو سبط رسول الله، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین است. یازده امام معصوم از بطن پاک او ولادت یافته‌اند؛ چنانکه همسر گرامی امام امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی در نظر پیامبر گرامی اسلام و حضرت علی علیه السلام احترام ویژه‌ای داشت و مورد تکریم و اجلال همه امامان معصوم علیهم السلام بود؛ بلکه بعضی از آنها مانند حضرت امام محمدباقر علیه السلام در حالت تب و کسالت، توسل به حضرت فاطمه پیدا کرده و به یاد او بودند و نام مقدس وی را بر زبان می‌راندند.

## فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام 3.

او از یکی از همسرانی که حضرت علی علیه السلام بعد از حضرت زهرا سلام الله علیها اختیار کردند، تولد یافت. چنانکه عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید به این موضوع تصریح کرده است. (27) این بانوی معظمه مورد احترام خاندان پیامبر و صحابه آن بزرگوار بود و همچون حضرت زینب کبری مواظبت بر حال بقایای دودمان آل علی علیه السلام را بر عهده داشت.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کنند که: چون فاطمه بنت علی بن ابیطالب، نظر به کارهای عبادی و شدت کوشش فرزند برادرش علی بن الحسین (زین العابدین) در عبادت انداخت و دید که او خود را به رنج انداخته است به نزد جابر آمد و فرمود: ای همنشین رسول الله برای ما بر شما حقوقی است و از حق ما بر شما این است که چون دیدید یکی از ما خویشتن را برای تلاش در عبادت به هلاکت انداخته است، مصرّاً او را سوگند دهید و از او بخواهید که خود را از بین نبرد و برنامه عبادت و ریاضت خود را کم کند و این علی بن الحسین باقی مانده و یادگار



پدرش حسین است که بینی او زخم شده و جبهه و زانو‌ها و کف دستهایش پینه آورده و برای عبادت، خویشان را بدین حال انداخته است.

جابر به خانه علی بن الحسین آمد. حضرت باقر علیه‌السلام با چند نفر از کودکان بنی‌هاشم جلوی در خانه ایستاده بودند. جابر از او پرسید تو کیستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. او گریه کرد و گفت: والله تو باقری که علم را می‌شکافی. و سلام پیامبر را به او رسانید و بعد از او خواست که از پدر بزرگوارش برای وی اذن ملاقات بگیرد. امام باقر علیه‌السلام رفت و برگشت و اذن داد. او وارد شد و از حضرت علی بن الحسین که عبادت در همه بدنش اثر گذاشته بود درخواست کرد که برنامه عبادی خود را کم کند ولی حضرت فرمود: لا ازال علی منهای آبوی مؤتسیماً بهما صلوات الله علیهما حتی القاهما...؛ من پیوسته راه دو پدر بزرگوارم، پیامبر و علی صلوات الله علیهما را (ادامه می‌دهم تا به ملاقات آنان برسم و از دنیا بروم. 28)

#### 4. فاطمه بنت الحسین.

او دختر سیدالشهدا علیه‌السلام و مورد محبت شدید آن حضرت بود و مجمع کمالات به شمار می‌رفت. حضرت امام حسین علیه‌السلام برای شدت علاقه به مادرش حضرت فاطمه، دختر خود را به نام آن حضرت نام‌گذاری کرده بود.

خطبه‌ای بس غرّا و جالب و کوبنده از آن بزرگ بانوی آل عصمت نقل شده که در کوفه خوانده‌اند و در آن خطابه آتشین مظلومیت جدّ بزرگوارش حضرت علی علیه‌السلام و پدر مظلومش امام حسین علیه‌السلام را به صورتی بسیار جالب و با عباراتی دلگداز بیان کرده و این خطبه به تنهایی بیانگر شخصیت والا و درخشان بیان جذّاب، شجاعت و قهرمانی آن بانوی بزرگ اسلام است.

#### 5. فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه‌السلام.

شیخ مفید اعلی الله مقامه می‌نویسد: برای حضرت ابوالحسن موسی علیه‌السلام سی و هفت فرزند پسر و دختر بود (و ضمن برشمردن آنان می‌فرماید: و فاطمة الکبری و فاطمة الصغری... 29)

و ظاهر این است که حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها همان فاطمه کبری باشد. هر چند شیخ مفید قدّس سرّه راجع به این موضوع سخنی نفرموده است.

بالاخره این بانوی گرانقدر دارای مقامی بس شامخ و رفیع می‌باشد و ائمه طاهربین صلوات الله علیهم اجمعین از این بانوی باجلالت و با تمام جلیل و تکریم یاد کرده‌اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از ولادت پدر بزرگوارش نام او بر لسان بعضی از ائمه طاهربین صلوات الله علیهم اجمعین آمده و از مقام شامخش سخن گفته‌اند.

و بر اثر همین تجلیات خاصه‌ای که امامان معصوم از او کرده و به اقتضای فضایل ذاتی و منقبت‌های فراوانی که در وجود پاک او متبلور است، شهر قم از عظمت و جلال خاصی برخوردار گردیده، مرکزیت برای جهان تشیع پیدا کرده و امروز قم شهرت جهانی دارد و اولین چیزی که از لفظ و واژه "قم" به اذهان مردمان جهان تداعی می‌شود، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها و قبر منور آن حضرت است که به عنوان يك زیارتگاه بسیار مهم در همه جا تلقی می‌شود و شهرستان قم از دیرزمان به عنوان يك شهر زیارتی قلمداد می‌شده است که صرفاً برای زیارت قبر منور حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها از راه‌های دور و نزدیک به آنجا آمده، این ضریح مطهر و بقعه و بارگاه باشکوه را زیارت می‌کرده‌اند.

چنانچه قبلاً ذکر شد نام نامی آن بانوی معظمه، فاطمه است که گاهی هم به عنوان فاطمه کبری از او نام برده شده است، زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام دختر دیگری نیز به نام فاطمه داشته‌اند که برای تمایز آن دو از یکدیگر فاطمه مدفون در قم را فاطمه کبری نامیده‌اند و در فقره‌ای از فقرات زیارت آن معظمه به همین نام از آن "حضرت یاد شده است؛ آنجا که می‌خوانیم "یا فاطمه اشقی لی فی الجنّة".

و در عین حال شهرت کامل و گسترده‌ای به "معصومه" پیدا کرده‌اند به گونه‌ای که گاهی اسم مبارکشان برای بسیاری ناآشناست، ولیکن واژه معصومه برای همگان آشنا بوده و یادآور همین بانوی باعظمت و وقار و یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌باشد و معرف و امتیاز روشن قم به شمار می‌رود. بلکه در قسمتی از بلاد جنوبی و احياناً مناطق دیگر، قم را همراه با نام مقدس معصومه یاد می‌کنند و به عنوان معصومه‌قم نام می‌برند.

و این خود مسأله‌ای قابل توجه و تعمق است که این لقب از کجا نشأت یافته است. آیا لقبی است که از ناحیه قدس پدر بزرگوار یا برادر عالیقدرش حضرت رضا علیه‌السلام، یا از امامان بعد صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین سرچشمه گرفته؟ یا اینکه این لقب، لقبی مردمی و خودجوش است که بر اثر شدت پاکی و طهارت نفسی که از آن حضرت سراغ داشتند به وجود آمده و تحقق یافته است و مردم مسلمان و دلدادگان اهلبیت عصمت و خاندان پیغمبر اکرم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین، او را بدین لقب مقدس و افتخارآمیز خوانده و یاد کرده‌اند؟

احتمال اول: ضعیف است، زیرا اگر این لقب امری قرار دادی از ناحیه معصومی از امامان بود به طور طبیعی نقل می‌شد و در کلمات مورخین و محدثین می‌آمد؛ در حالی که تاکنون بدین موضوع برخورد نکردیم. چنانکه شیخ مفید که همه فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام از پسر و دختر را نام می‌برد و حتی اینکه هر کدام از کدام مادر بوده‌اند را نیز یادآوری می‌نماید، از ذکر معصومه در کلامشان اثری نیست، با آنکه نام مقدسش را که فاطمه است، ذکر کرده‌اند.

بنابراین احتمال مردمی بودن این لقب پرافتخار برای آن بانوی مکرّمه بسیار قریب به نظر می‌رسد. چنانکه می‌دانیم بعضی از شخصیت‌های بزرگ، بر اثر عظمت و جلالت، قدر و پایگاه رفیع و موقعیت عظیمی که در جامعه دارند به لقب افتخارآمیزی در میان مردم اشتهار پیدا می‌کنند.

در مورد حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام به لحاظ اینکه به روایت صحیح مستندی در جوامع شیعی برخورد نکردیم، بلکه حتی روایت مرسلی را هم در این باب نیافتیم که امام علیه‌السلام آن حضرت را به این عنوان خوانده و یا این لقب را برای او قرار داده باشند؛ بنابراین بعید نیست که مردم و علاقمندان خاندان پیغمبر آنقدر عظمت و جلالت و رفعت شأن آن بانوی مکرّمه را دریافت کرده و احساس نموده و یا از لسان انمطاهرین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین شنیده بودند که آن معظمه را تالی و ثانی امامان و معصومین پاک دانسته و این لقب برای وی به زیانشان جاری شده است و به مرور زمان بدان، اشتهار پیدا کرده باشند.

باری، این لقب مبارک از از همان دست القاب خودجوش و الهام مانند است که بدون تشریفات و تبنائی اشخاص به ذهن خود مردم آمده و به فکرشان القا شده است و این نوع پیدایش لقب برای انسان از ارزش و اعتبار فوق العاده برخوردار می‌باشد که نشأت گرفته از الهام درون و ضمیر بیدار جامعه است و بالاخره مستند به ملکات فاضله و مقامات عالی و جایگاه رفیع آن شخص می‌شود که موجب شده مردم، آن لقب را برای او قرار داده‌اند.

## درخشش حضرت معصومه سلام الله علیها

در میان امامزادگان بزرگوار و واجب التعظیم، چند امامزاده بسیار ممتازند، آنان امامزادگان عالیقدر و الامقامی‌اند که گوی سبقت را در فضایل و مناقب و کرامت نفس و بزرگواری از سایر امامزادگان ربوده‌اند و مقامات عالی‌ه آنان به شرح و بیان نمی‌آید و قلم از نگارش رتبه و الایشان عاجز و ناتوان است.

از جمله این چند نفر امامزاده ممتاز و الامقام، حضرت سیده علیا، فاطمه مدفون در قم معروف به حضرت معصومه سلام الله علیها است.

در جلالت قدر و رفعت مقام و مرتبه والای آن بانوی آسمانی همین بس که مورد احترام و تقدیس حضرات امامان معصوم و پیشوایان آسمانی سلام الله علیهم اجمعین بوده و چنانکه قبلاً اشاره کردیم، پیش از آنکه پا به دنیا نهد، از فضایل و مکرمت‌های سخنها گفته‌اند و سفارش زیارت قبر شریفش را به دوستان و محبان کرده‌اند.

مدح و ثنایی که از لسان عصمت، تراوش کند و صادر شود، بزرگترین شرف و افتخار است.

از جمله مناقب و شرافتهای افتخارآمیز آن بزرگوار، ورود يك صورت زیارت یا به تعبیر معروف، يك زیارتنامه مخصوص برای حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه امامان صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشد.

آری، ورود دستور خاص در کیفیت زیارت آن بانوی بهشتی، حکایت از شأن عظیم و مقام رفیع و رتبه والای او می‌کند.

از جمله فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها علاوه بر انتساب بسیار نزدیک به خانه وحی و تنزیل و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و نیز ابوالائمة الطاهرین، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، انتساب بی‌واسطه به سه نفر از امامان معصوم و حجج بالغه الهیه است که نشانگر عالیترین شرف خانوادگی آن مجلله گرانقدر، به شمار می‌رود.

آری آن سیده والا مقام، دخت بلنداختر حجة الله الاعظم، حضرت ابابراهیم موسی بن جعفر ارواحنا له الفداء، امام هفتم شیعیان جهان است و نیز خواهر عزیز و گرامی ولی اعظم پروردگار، حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء،

امام هشتم شیعیان عالم است و همینطور عمه محترمه و گرانقدر حجة الله علی العباد، حضرت امام محمدتقی، جواد، علیه السلام نهمین امام مقرر الطاعة شیعیان در اقطار جهان است.

و این فضیلت بزرگ، راهگشا به سوی فضیلت و جلالت دیگری است و آن مشابهت به حضرت علیامعظمه، زینب کبری سلام الله علیها است، زیرا او بانویی است که این سه جهت و این سه امتیاز در وی جمع شده است.

آری، حضرت زینب کبری دختر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است چنانکه خواهر حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام است و نیز عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌باشد.

باری، مطلب فوق یعنی انتساب بسیار نزدیک و بلاواسطه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها نکته‌ای جالب و روحبخش را در پی دارد و آن این است که این انتساب به مثلث شریف و مقدس و ارتباط به سه امام معصوم علیهماالسلام، مقتضی آنست که بزرگداشت و تکریم مقام والای آن خانم با جلالت صبغه دیگری پیدا کند و روشن‌تر آنکه بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام بزرگداشت مقام این سه امام بزرگوار است و طبیعی است که تکریم و احترام از شخصی، تکریم افراد بسیار نزدیک آن خانواده مانند پدر و برادر و دیگر نزدیکان اوست و به تعبیر دیگر، بزرگداشت آن مکرمه، بزرگداشت آن حضرت در مرحله نخستین و بزرگداشت مقام رفیع آن سه بزرگوار در مرحله دوم و بزرگداشت کلّ خاندان پیامبر و بیت جلیل و رفیع رسالت و امامت است؛ چه آنکه حضرت معصومه دسته گل زیبای بی‌مثالی از باغ رسالت و بوستان ولایت صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین است.

مطلبی که در نشان دادن مقام والا و با عظمت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها نقش مهمی دارد، فقره‌ای از زیارت آن حضرت است که می‌فرماید: **إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ؛ (30) حَقّاً** که برای تو در نزد خداوند شأنی از شأن معهود و مخصوص است.

این جمله درخور دقت و توجه فراوان است و می‌سزد که اهل معرفت پیرامون آن بیندیشند و ما در این مقام به ذکر مختصری که فراخور بحث کوتاه ماست اکتفا می‌کنیم.

چنانکه مشهود است در این جمله دو مرتبه کلمه شأن به کار رفته است که نخستین رابه صورت نکره آورده و اکنون نکره آوردن شأن اول برای تفضیم و تعظیم است و گویا: "دومی را به صورت معرفه یعنی بالفظ "الف و لام فرموده است: برای تو در نزد خدا شأنی بس بزرگ و بلندپایه می‌باشد و از حدّ وصف و بیان خارج است و به شرح نمی‌آید.

به نظر می‌آید که مقصود از شأن دوم که با الف و لام تعریف آمده است، شأن ولایت و امامت و عصمت باشد؛ یعنی از برای تو شأنی عظیم و موقعیتی رفیع از نوع شیون امامت و ولایت و عصمت و یا سهمی مهم از آن مقام (والاست) (هرچند بالقوه باشد و بر اثر حکمتهایی به مرحله بروز و ظهور نرسیده باشد).

فاطمه معصومه مولود بیت وحی و تنزیل و نشأت گرفته از سلسله امامت و عصمت است. بنابراین ریشه‌های عمیق ولایت و امامت در جان آن حضرت هست و از این رو نفوذ و تأثیر معنوی و روحانی حضرت معصومه در اعماق جان پیروان خاندان عصمت از نوع تأثیر و نفوذ امامان پاک و معصوم می‌باشد و آن بزرگوار به اذن الله تصرف در جهان و در جان مردم دارند و می‌توانند در قضای حوایج و رفع گرفتاریها و اصلاح امور با عنایت حضرت حق سبحانه و تعالی اثر مستقیم داشته باشند.

با این بیان می‌توان گفت: خداوند بر حسب حکمت بالغه خود کلاً امامت و رسالت را در طبقه زنان قرار نداده است و اگر حکمت الهی ایجاب و اقتضا می‌کرد و این منصب مقدس را برای زنان نیز مقرر می‌فرمود، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها، زمینه‌ای بسیار مساعد داشت و نور ولایت و عصمت در درون پاک آن سیده جلیله به ودیعت نهاده شده و گوهر ذات مقدس و وجود مطهر بانوی عظیم الشان دودمان وحی و رسالت فوق‌العاده نورانی و باصفا بوده و تالو و ویژه‌ای داشته است.

عالم بزرگوار جناب آقای میانجی نقل کردند: که مرحوم آیه‌الله آقای میرزا رضی تبریزی رضوان‌الله‌علیه از مجتهدین بزرگ، برای فاتحه جناب زکریا بن آدم که در قبرستان شیخان قم مدفون است به آنجا رفته بودند. در حال قرأت فاتحه به این فکر می‌روند که آیا زکریا بن آدم با آن جلالت‌قدر و رفعت مقام و روایاتی که در شأن او از ائمه‌طاهرین علیهم‌السلام وارد شده، بالاتر است یا حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها؟

ناگهان يك نفر که کلاه نمدی بر سر داشته پیش می‌آید و به ایشان می‌گوید: آن بالا را بخوان. ایشان اعتنا نمی‌کند. بعد که آن مرد می‌رود ایشان نگاه می‌کند می‌بیند در آنجا نوشته شده است:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَرْوَاحِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ السَّلَامُ عَلَىٰ أَجْسَادِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ؛ یعنی سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح و سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد. در این هنگام متوجه شدم که آن شخص به ظاهر معمولی درون مرا خوانده و از فکر من راجع به افضلیت زکریا بن آدم یا حضرت معصومه آگاهی داشته و با امر کردن به قرانت از موضع مخصوص خواسته است تا مشکل مرا رفع کند و مسأله مرا پاسخ دهد که حضرت معصومه از آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین است و حساب او جد است و هیچ کس را (نمی‌توان با آل محمد علیهما السلام مقایسه کرد. (31)

بر اساس این بیانی که راجع به جمله فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ تقدیم شد می‌توان به این نتیجه رسید که دلدادگی به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شرط در پذیرش و قبولی ولایت معصومین پاک و امامان معصوم شیعه است و بدون علاقه به آن بزرگوار، ولایت آن بزرگواران به ثمر نمی‌رسد و مقبول دربار الهی واقع نخواهد گردید.

احتمال دیگری در جمله مورد بحث است، بدین بیان که مقصود از شأن دوم، مقام والای شفاعت باشد که حضرت معصومه علیها السلام را از آن سهمی مهم و شایسته و وافر است. و ما به خواست خداوند در بحثهای آتی راجع به این موضوع سخن خواهیم گفت.

### شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیهما السلام

در میان خواتین باجلالت و بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی‌اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شباهت و قدر مشترك بین آن دو فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقيله بنی هاشم علیها السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها.

و اما وجه تشابه و جهت مشابهت و مشارکت آن دو بانوی گرانقدر الهی و آسمانی:

1- هر دو سرافرازند که دختر امام معصوم و آسمانی‌اند. زینب کبری دخت بلندختر حضرت امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام و حضرت معصومه دخت والا گهر حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیها و علیهم اجمعین.

2- هر دو بزرگوار مفتخرند که خواهر امام معصوم‌اند. یکی خواهر دو حجّت خدا، حسن و حسین صلوات الله علیهما - و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام است.

3- هر دو بانوی خاندان وحی، افتخار دارند که عمه امام معصوم می‌باشند؛ یکی عمه امام زین العابدین علیه السلام و - دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیه السلام.

4- هر دو مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجّت بالغه الهی زبان به مدح و ثنا و ستایش آن دو - گوهر گرانبها گشوده است.

5- هر يك از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض الطاعة قرار گرفته‌اند؛ حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و از سوی برادرشان حضرت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام و از ناحیه برادرزاده‌شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند.

حضرت معصومه سلام‌الله‌علیهانیز از ناحیه جدّ بزرگوارشان حضرت امام صادق علیه‌السلام و از جانب برادر گرانقدرشان حضرت رضا علیه‌السلام، و از سوی فرزند برادرشان حضرت جواد الائمه علیه‌السلام مورد مدح و ثنا واقع شده‌اند.

6- هر کدام از این دو بانوی باجلالت، شدت علاقه نسبت به برادر عزیز و والامقام خود داشتند؛ حضرت زینب -علیها‌السلام نسبت به امام حسین علیه‌السلام و حضرت معصومه علیها‌السلام نسبت به امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام.

7- هر دو معظمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خویشان را رها کرده، وطن را ترك گفتند و رنج -سفر را بر خود هموار نمودند؛ حضرت زینب سلام‌الله‌علیها از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفتند و حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها از مدینه به ایران و بالاخره در سرزمین قم رحل اقامت افکندند.

8- هر دو بانوی بزرگوار، زادگاهشان مدینه، ولی مدفنشان نقطه‌ای دور از زادگاهشان است؛ حضرت زینب -سلام‌الله‌علیها در شام یا مصر، علی‌المشهور، و حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در ایران و شهر مقدّس قم.

9- مدفن و مضجع هر يك از این دو بانوی بهشتی، زیارتگاه عاشقان و علاقمندان خاندان پیغمبر است و مرقد -مطهر و منور هر يك از آنان، دلدادگان بی‌شمار دارد و مردم مسلمان حتی از شهرهای دور برای زیارت آنها با تمام اشتیاق سفر نموده، به تشرّف به اعتاب مقدّسه آنان فخر و مباهات می‌کنند.

10- هر کدام از این دو مکرمه، دو محلّ زیارت دارند. حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در مصر و در شام و حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در بیت‌التور، محلّ اقامت و عبادتشان - مدرسه سئیه - و دیگر مدفن مقدّس و حرم مطهر آن بانوی باجلالت.

## وفات کریمه اهل بیت علیهم‌السلام

در تواریخ آمده است که مأمون عباسی در سال دویست هجری قمری، حضرت رضا علیه‌السلام را از مدینه به مرو طلبید و آن حضرت را اجباراً و به دنبال این جریان از مدینه به سوی مرو آوردند. خواهر آن حضرت، فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها در سال دویست و يك به خاطر اشتیاق ملاقات برادرش از مدینه به جانب مرو حرکت کرد و چون به ساوه رسید بیمار شد. در این هنگام پرسش کرد که از اینجا تا قم چه مقدار مسافت است؟ گفتند: ده فرسخ. حضرت خادم خود را فرمودند که مرا به جانب قم ببر و بدین ترتیب خادم، حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها را به قم آورد و در منزل موسی‌بن‌خزرج‌بن‌سعد فرود آورد.

مطلبی که از این نقل استفاده می‌شود این است که قم از آن زمان شهری بوده که به علاقه و ولایت اهل بیت رسول الله صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین شناخته شده بود و این اسم، برای حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها که تمام گذشته خود را در مدینه سپری کرده بود، يك مرکز آشنا به شمار می‌آمده است، ولی در اینکه چطور موسی بن خزرج را شناخته و بر او وارد شده‌اند اجمالی است و ممکن است که در ساوه راجع به افراد سرشناس و بسیار محترم قم تحقیق شده باشد و او را معرفی کرده باشند یا آنکه بعد از ورود به قم پرسش کرده باشند و با معرفی مردم قم و ساکنان آن و شناختی که از موسی بن خزرج برای بانوی اسلام، حاصل گردیده، بر او وارد شده باشند.

البته نقل دیگری در این مورد است که زمینه این سؤال را به کلی منتفی می‌سازد و بعضی از بزرگان آن را صحیح‌تر از نقل اول می‌دانند و آن این است که چون خبر نزول اجلال حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها به

ساوه، به گوش آل سعید رسید، همگی متفق شدند که به قصد تشرّف به حضور آن بانوی یگانه، بیرون روند و از وی درخواست نمایند که به قم تشریف بیاورد.

موسی بن خزرج بر این امر، تقدم جست. همینکه به خدمت حضرت معصومه سلام الله علیها رسید، مهار ناچه آن حضرت را گرفت و کشید تا وارد قم ساخت و آن سیده جلیله را در خانه خود فرود آورد و جاداد و مدت شانزده یا هفده روز همچنان باقی بودند و آنگاه از دنیا رفتند. پس او را غسل داده، کفن نمودند و نماز بر بردن مقدّسش خواندند و در زمین بابلان که ملک خود موسی بن خزرج بود و اکنون روضه منوره آن حضرت است، به خاک سپرده و دفن کردند و سقفی از بوریای بر قبر شریفش بنا نمودند و همچنان بود تا حضرت زینب، دختر امام جواد (علیه السلام، قبه‌ای بر آن قبر شریف بنا کرد. (32)

و نقل شده است که محمد بن حسن بن ولید گفته: چون فاطمه سلام الله علیها وفات یافت، او را غسل داده و کفن کردند و جنازه او را به سوی بابلان حرکت دادند، آنگاه آن حضرت را کنار سردابی که برای وی حفر کرده بودند گذاشتند و آل سعد با هم به گفتگو پرداختند که چه کسی داخل سرداب شود و جنازه آن حضرت را دفن نماید؟ بعد از قادر نام، که خادم خود آنان بود و مرد صالحی به شمار "گفتگوها رأی آنان بر این قرار گرفت که پیرمرد کهنسال می‌رفت، متصدی دفن شود.

از این رو از پی او فرستادند که ناگهان دیدند دو نفر سوار، که دهان خود را با لگام بسته بودند، با شتاب بسیار از جانب ریگزار پیداشدند و چون نزدیک جنازه رسیدند پیاده شده، بر آن مختّره نماز خواندند، داخل سرداب شده و آن (بدن مطهر را دفن کردند و آنگاه بیرون آمده، سوار شدند و رفتند و هیچ‌کس نفهمید که آنان چه کسانی بودند. (33)

شایان ذکر است که این جریان اصلاً قابل استبعاد نیست، زیرا شواهد بسیاری در کتب اخبار و تاریخ و سیره و معجزات دارد که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- سلمان فارسی در مداین از دنیا رفت و در آن هنگام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مدینه بودند ولی برای 1- دفن سلمان از مدینه با تصرف الهی خود و به اذن اللّٰه سبحانه به مداین آمدند و پس از انجام مراسم دفن او به مدینه (بازگشتند. (34)

2- شطیبه، زن با ایمان نیشابوری در نیشابور از دنیا رفت و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه طیبه بر 2- حسب وعده‌ای که از پیش داده بودند، برای نماز بر جنازه او به نیشابور آمدند در حالی که بر شتر سوار بودند و چون از امر او فارغ شدند، سوار بر شتر خود شده به طرف بیابان برگشتند و به ابوعلی بن راشد فرمودند: سلام مرا به یاران خود برسان و به آنان بگو: من و سایر امامان ناچاریم که بر جنازه شما حاضر شویم در هر شهری که (باشید. پس در کار خودتان از خدا بترسید. (35)

3- در جریان دفن حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مسلمات است که حضرت امام زین العابدین از زندان کوفه به 3- صحنه کربلا آمد و تجهیزات بدن مبارک پدر بزرگوار خود را انجام داد.

باری، بر حسب ظاهر و به مقتضای این اخبار و روایات خصوصاً جمله اخیر از جریان شطیبه، می‌توان حدس زد که آن دو بزرگوار دو امام معصوم از خاندان حضرت معصومه سلام الله علیها مثلاً حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام بوده‌اند که برای دفن بدن مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها، آمده اقدام به دفن آن پیکره تقوا فرموده‌اند. و چه کسی به تجهیزات فاطمه معصومه سلام الله علیها سزاوارتر از آن دو بزرگوار می‌باشد؟!

قابل ذکر است که گاهی شنیده می‌شد که حضرت معصومه سلام الله علیها به عزم دیدار برادرشان از مدینه به سمت توس حرکت کرد و در قم خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنید و در آنجا بیمار شد و بالاخره از دنیا رفت.

ولی این مطلب خلاف تحقیق است؛ چنانکه روایت سعد بن سعد از حضرت رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت ظاهر دارد که حضرت معصومه سلام الله علیها پیش از حضرت رضا علیه السلام از دنیا رفته اند، زیرا در آن روایت، سعد می گوید: من از امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه سلام الله علیها دختر موسی بن جعفر (پرسش کردم. 36)

این سؤال حاکی از آن است که در زمان پرسش، حضرت معصومه سلام الله علیها از دنیا رفته بودند و مرقد و مضجع وی معلوم بوده است.

مرحوم محقق بزرگ، میرزای قمی اعلی الله مقامه در جواب سؤالی که از وی راجع به این موضوع شده، به همین روایت تمسک کرده اند و صورت سؤال و جواب این است:

سؤال: از عیون اخبار الرضا حدیثی نقل شده است که راوی گفت:

سَأَلْتُ أَبَاحَسَنَ الرِّضَا عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بِئُمِّ، وَ أُنْجَبَ فِي زَبَانِ رَوْضَةِ خَوَانِهَا مَشْهُورٌ اسْت، أَنَسَتْ أَنَّ حَضْرَتَ مَعْصُومَةٍ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا مِنْ مَدِينَةِ بَهْ أَرَادَ دَيْدَانَ بَرَادِرِ بَزْرُكَوَارِ خُودِ بَيْرُونِ أَمَدَنْدِ. وَ قَتَى كَهْ بَهْ قَمِّ رَسِيدَنْدِ، خَبَرَ شَهِيدِشْدَنِ أَنَّ حَضْرَتَ دَرِ تَوْسِ بَهْ أَيْشَانِ رَسِيدِ، چَندِ رُوزَى دَرِ قَمِّ مَكْتِ نَمُودَنْدِ وَ وَفَاتِ كَرْدَنْدِ. وَجَهْ جَمْعِ چَگونَهْ اسْت؟

جواب: آخوند ملامحمدباقر رحمه الله عليه در بحار دو حدیث بلکه سه حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت می کنند بر اینکه در حیات آن حضرت، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام در قم مدفون شده بود، و خلاف آن را نقل نکرده است. (37) علاوه بر این تاریخ شهادت حضرت رضا علیه السلام مضبوط و در هجری قمری است و سال مسافرت آن بزرگوار 203 دست است و آن بر حسب نقل مورخان، آخر ماه صفر سال 200 از هجرت بوده است و حضرت معصومه سلام الله علیها بر حسب نقل در پی مسافرت برادرشان و به تصریح بعضی از اهل تاریخ در سال 201 هجری به عزم دیدار وی حرکت کرده اند. بنابراین وفات آن مخدّمه حدود دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده است.

و نمی دانیم که چگونه این جریان بعکس اشتهار پیدا کرده است. اینجا این نکته را یادآور می شویم که خوبست خطبا و وعظ محترم در نقل مطالب، مذاقه نموده و مطالب را هر چه بیشتر مستند ذکر کنند و نکند که يك مطلب خلاف، در طی قرون و اعصاری به وسیله منبر و اهل آن ترویج شود.

## زیارت حضرت معصومه علیها السلام

از جمله زیارات مسلم و مأثور از خاندان وحی، زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. روایات متعددی از امامان معصوم در ترغیب و تشویق مردم به زیارت آن حضرت و راجع به اجر و ثواب عظیمی که بر زیارت وی مترتب است وارد شده است.

:علامه مجلسی اعلی الله مقامه از کتاب تاریخ قم نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:



إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ مَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَحْمَلْ. بَلَدَةٌ فَمَنْ سَنَدَقُنْ فِيهَا إِمْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ بِمُوسَى أُمُّهُ؛ (38) راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می‌شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

امام صادق علیه‌السلام این را فرمود در حالی که هنوز مادر موسی بن جعفر علیه‌السلام به آن حضرت حمل بر نداشتند بود.

اهمیت مقام این بانوی مکرمه و عنایت خاصی که روی زیارت آن حضرت است از این روایت به خوبی ظاهر می‌شود، زیرا:

اولاً زمانی امام صادق علیه‌السلام از این مکرمه و زیارت او سخن می‌گوید که هنوز انعقاد نطفه پدر بزرگوار او نشده، چه رسد به خود او.

و ثانیاً از دفن فاطمه معصومه علیها‌السلام در قم اطلاع می‌دهند و ظاهراً به همین لحاظ قم را حرم امامان قلمداد می‌کند در حالی که شهرهای متعدد داریم که مدفن امامزادگان و الامقام و بلکه مدفن امامان است، ولی این وجهه و عنوان را پیدانکرده‌اند که حرم امامان باشند.

و ثالثاً وعده صریح و قطعی بهشت به زائران قبر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها داده است.

و این روایت به سند دیگری نیز آمده و در آنجا عبارت چنین است که: حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ زِيَارَتَهَا تُعْدِلُ الْجَنَّةَ؛ (39) زیارت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها معادل و هم‌تراز بهشت است.

این قولویه متوقای سال 367 هـ ق که خود استاد شیخ مفید اعلی‌الله‌مقامه بوده نقل کرده است که سعد بن سعد گفته: من از حضرت ابوالحسن، امام رضا علیه‌السلام راجع به زیارت فاطمه سلام‌الله‌علیها، دختر حضرت موسی بن جعفر هرکس او را زیارت کند، بهشت از برای (40) علیه‌السلام پرسش کردم. حضرت فرمودند: مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ اوست.

و نیز از ابن الرضا، حضرت جواد علیه‌السلام نقل کرده که فرمودند: مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِمَقَرِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ (41) کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت از برای اوست.

از تعبیر عَمَّتِي که در روایت حضرت جواد الائمه علیه‌السلام آمده به ذهن تداعی می‌شود که امام جواد علیه‌السلام به داشتن چنین عمه‌ای افتخار می‌کند و از این رو به جای ذکر نام آن مکرمه، عنوان عاطفی و زیبایی عمه‌من را به‌کار می‌برد.

علامه مجلسی رضوان‌الله‌علیه می‌گویند: در بعضی از کتب و روایات دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد نقل کرده که حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمودند: يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ؛ برای ما در نزد شما قبری است. عرض کردم: جانم فدایت، منظورتان قبر فاطمه بنت موسی علیهما‌السلام است؟ فرمودند: نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا (بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ). (42)

آری، منظور همان است، کسی که او را با شناخت حق و مقامش زیارت کند، بهشت از برای اوست.

در عبارت این روایت لطیفی است:

طبق این روایت، حضرت امام رضا علیه‌السلام ابتداءً به سعد که قمی بوده فرموده‌اند: برای ما در نزد شما - 1- قبری است. عبارت چنانست که گویی این قبر مال همه امامان و برای خاندان عصمت و طهارت است و همگی بدان توجه و عنایت دارند.

2- در این روایت نیز وعده بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها داده شده است.

3- عارفاً بحقها؛ اگر با معرفت مقام: در خصوص این روایت برای فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها قید شده است که -3- والا و شناخت عالی نسبت به آن بانوی مکرمه وی را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

و طبق این تعبیر، هنگامی بهشت جز اوپاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است که زائر، عارف و به مقام شامخ و مرتبه رفیع و منبع آن بزرگوار باشد.

بنابراین باید کوشش کرد که قبل از زیارت آن حضرت، شناختی نسبت به او پیدانمود و باید زائر، آشنای به جلالت‌قدر و منزلت رفیع وی در نزد خدای متعال شود تا به چنین فوز عظیم و مرتبه والایی نایل گردد.

مطلب بسیار مهم و چشمگیری که در این روایات آمده است و قدر مشترك و جامع بین همه آنهاست، وعده بهشت به زائران قبر شریف حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است. وعده صریح و آشکار به بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در لسان مبارک سه امام معصوم و مقترض الطاعة علیهم‌السلام آمده است:

حضرت امام صادق علیه‌السلام این وعده را دادند، حضرت امام رضا علیه‌السلام نیز تصریح به این وعده فرمودند و بالاخره حضرت جواد علیه‌السلام نیز زائران قبر عمه‌شان را نوید به بهشت دادند.

بر اساس این روایات شریفه و اخبار عدیده، استحباب زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام جای اندک تردیدی ندارد و خود مطلبی روشن و واضح است.

زعیم شیعه مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی اعلی‌الله‌مقامه نیز در جواب یکی از استفتائاتی که از ایشان شده، بدین موضوع تصریح کرده‌اند و متن سؤال و جواب این است:

سؤال: آیا می‌توان گفت زیارت حضرت معصومه علیها‌السلام در قم با ادله اجتهادی ثابت است، بدین ترتیب آیه

...وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ

حدیث: مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقَمٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ

اجماع: اتفاق همگی علمای شیعه از گذشته تا کنون

سیرمتمای مردم شیعه از قدیم تا حال؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. استحباب زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، از نظر روایات مسلم است و (حاجتی به استدلال به ادله مذکور نیست. والله‌العالم. 24/2/1408). (43)

مطلبی را در اینجا برای اكمال بحث اضافه می‌کنیم و آن این است که مرحوم شیخ صدوق علیه‌الرحمة در کتاب ثواب‌الاعمال و نیز این قولویه در کتاب کامل‌الزیارات و علامه مجلسی در بحار‌الانوار اولاً زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها را ذکر کرده‌اند و سپس به نقل روایت زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام پرداخته‌اند.

و این مراعات تقدیم و تأخیر آن هم در کتاب‌های علمای کم‌نظیر در عالم تشیع اسراری را کشف می‌کند و خلاصه این ترتیب در ذکر حاکی از آنست که حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها بر حضرت عبدالعظیم - با تمام جلالت قدرش - تقدّم و ترجیح دارد، با آنکه حضرت عبدالعظیم علاوه بر شرافت امامزاده بودن، محدث نیز بوده است و از جمله راویان معروف اخبار امامان معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین به شمار می‌رود.

آری، حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها علاوه بر مقامات معنوی، فرزند بلاواسطه حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه‌السلام است ولیکن حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام با چهار واسطه به امام مجتبی علیه‌السلام می‌پیوندد. ضمناً حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها نیز از محدثین و راویان اخبار به شمار می‌رود، چنانکه در فصل (44) مربوط به این موضوع خواهید دید که روایاتی از روایات مهمه را این بانوی با عظمت نقل کرده‌اند.

## حضرت ولی‌عصر و زیارت حضرت معصومه علیهما‌السلام

به مقتضای روایات عدیده‌ای که از امامان بزرگوار راجع به فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها و ثواب زیارت آن مخدّره معظمه رسیده است، طبعاً ولی‌عصر، امام زمان ارواحنا‌فداه نیز برای آن بانوی بهشتی احترام و تعظیم فراوان قائلند و از روی همین قراین و شواهد می‌توان گفت که آن ولی‌اعظم خدا نیز به زیارت عمّه بزرگوار خود، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها اهتمام دارند و مرقد مطهر وی مورد توجه، عنایت و الطاف امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.

و به همین مناسبت زائران بقعه منوره از زن و مرد نیز مورد لطف خاصّ امام زمان علیه‌السلام می‌باشند، زیرا آن حضرت می‌بینند که دلدادگان آل محمد و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام سر بر آستان عمّه گرانقدرشان ساییده و عتبه مبارکه و ضریح مقدّس او را می‌بوسند.

اینها مطالبی بود که با ملاحظه اخبار و روایات مربوط به زیارت بی‌بی دو عالم ذکر کردیم. علاوه که بعضی از مکاشفات و روایات صادقانه نیز که برای اهل‌دل و صاحبان نفوس زکیّه واقع شده، حکایت از همین معنا می‌کند.

مرحوم آیت‌الله حاج آقا مرتضی حایری رضوان‌الله‌علیه، فرزند برومند مؤسس حوزه علمیه‌قم مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس‌سره‌الشریف در یادداشتهای خود نوشته‌اند: من این جریان را که اهل علم و تحقیق و دقت در امور، زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها را در قسمت بالاسر حرم حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها انجام می‌دادند، نمی‌پسندیدم برای اینکه:

اولاً سلام به حسب اعتبار عرفی باید به طرف آن موجود محترم باشد نه بالای سر او و رو به قبله، که جسم مطهر در طرف چپ واقع می‌شود. و تا آنجا که می‌دانم در هیچ‌یک از سلام‌ها به این شکل نرسیده است.

و ثانیاً در خصوص ضریح آن حضرت که قبر مطهر انحراف دارد، صورت مطهر نوعاً در پشت سر واقع می‌شود.

شبی خواب دیدم که سه نفر مردمان بیابانی و بیابان‌گشته که یکی از آن سه بزرگوار - در عالم خواب معلوم بود که امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بود، در پشت سر حضرت، رو به قبله در طرف سر مبارک ایستاده‌اند و به حسب ظاهر زیارت می‌کنند، یعنی معلوم بود که برای زیارت ایستاده‌اند، ولی من کلمات آنها را نمی‌شنیدم.

دیدم "عندالرأس مستقبل القبلة" بعداً من به روایت سعد، که دلیل بر زیارت آن وجود مبارك است مراجعه کردم فوق الرأس" ندارد که معنی آن "بالای سر" باشد. و نزد سر، روبه "دارد؛ یعنی نزد سر و جانب سر، روبه قبله و قبله، باتوجه به عرفیت سلام که باید رو به جانب جسد مطهر باشد منطبق بر همان موضع می باشد که در عالم (خواب امام علیه السلام و دو نفر از یاران آن بزرگوار ایستاده بودند. (45)

### بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه سلام الله علیها

یکی از مدارس علمیه شهرستان قم، مدرسه مبارکه سئیه است که در محله میدان میر و جنب آن میدان واقع شده و مشهور است که حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در دوران اقامتشان در قم - یعنی در فاصله ورود تا وفات در این مکان به سر می برده و دوران هفده روز نقاهت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده اند و برای آن مجلله معظمه در آن مکان محرابی بوده است که در آن عبادت می کرده اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق آن بقعه مبارکه را بیت النور خوانده اند و آن بقعه جزء خانه موسی بن خزرج بوده و او از آن حضرت در آنجا پذیرائی می کرده است

در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در شرح حال حضرت معصومه سلام الله علیها نقل کرده آمده است (که: محراب نماز فاطمه سلام الله علیها تا هم اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است. (46)

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه بعد از نقل این مطلب می گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب موجود (است و آن واقع است در محله میدان میر و معروفست به سئیه و سئی، به معنی خانم و بی بی است. (47)

و ما نیز مکرر به زیارت آن مکان مقدس رفته ایم. حجره مزبور که محراب مبارک حضرت معصومه سلام الله علیها در آن قرار دارد، در قسمت جنوبی مدرسه واقع شده است

. این مدرسه شریف به امر و همت مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بازسازی شده است

: در پیشانی درگاه شمالی بقعه عبارت: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة و در ذیل آن این بیت ثبت شده است

- این جایگاه کیست که آنقدر منور است این سجدهگاه دختر موسی بن جعفر است
- این سجدهگاه دختر موسی بن جعفر است. این سجدهگاه دختر موسی بن جعفر است

: البته مصراع اول این شعر موزون نیست و احتیاج به تصحیح و تغییر دارد و می توان گفت (48)

این جایگاه کیست که این سان منور است این سجدهگاه دختر موسی بن جعفر است

: در پایان این بحث دو نکته را یادآوری می کنیم که هر کدام به نوبه خود، مهم، سازنده و قابل توجه است

دخت بلند مقام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مدت هفده روز که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت - 1 داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم پیروان مکتب

آنل محمد عليهم السلام به ویژه زنان و دختران مسلمان است که به نماز و نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند و آن را امری سهل و آسان قلمداد نمایند.

الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید که این بانوی عظمی از دو نقطه شهرستان قم، فیض بخشی می‌کند: یکی - 2- اقامتگاه چند روزه او و دیگری خوابگاه همیشگی و مدفن پیکر پاکش. و هر دو مکان از قداست خاصی برخوردار است و متوسلان به ذیل عنایت خاندان عصمت و طهارت، گاهی از آن بقعه مبارکه و دیگر گاه از این قبه سامیه و مطهره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز به دربار الهی بلند می‌نمایند و مشمول افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می‌شوند.

- از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
- هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

## موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه سلام الله علیها

معظمه اهلبیت، حضرت معصومه سلام الله علیها از محبوبیت ویژه‌ای در میان طبقات مختلف مردم مسلمان بهره‌مند و برخوردار بوده و هست. نوع محبوبیت آن مکرمه، نوع محبوبیت امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین است.

علاقه و دلدادگی دینداران به آن بزرگوار، علاقه‌ای است که هم ریشه اعتقادی و مذهبی دارد و هم جنبه عاطفی که آن بزرگ بانوی باجلالت، جزء طبقه زنانی است که غالباً مورد احترامند و هم او بانویی جوان بود که در فصل جوانی از این جهان درگذشت. علاوه که در راه سفر و دور از وطن مؤلف و اقربا و نزدیکان خود از دنیا رفت.

حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ملجأ خاص و عام و پناهگاه حاجتمندان است و مردم برای گرفتن جوابی خود از خدا و نیل به خواسته‌هایشان رو به آستانه آن مکرمه دوران می‌آورند.

هنگام تحویل سال، شور فوق العاده‌ای برای تشرّف به آستانه مبارکه است و آنقدر جمعیت از محلات مختلف قم، اطراف و شهرهای مجاور و احیاناً بلاد دور دست به این مکان مقدّس روی می‌آورند که علاوه بر حرم مطهر، رواق‌ها و صحن‌های متعدّد نیز مملوّ از جمعیت است و همچون دریایی بی‌کران موج می‌زند.

آری، آنان همه می‌خواهند لحظه آغازین سال نو خود را در پناه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها باشند و آن لحظه که به نظرشان سرنوشت‌ساز و مؤثر در تمام ایام یکسال جدیدشان است در زیر سایه کرامت وی بگذرانند و خود و بستگانشان را در پرتو آن بزرگ بانوی اسلام، بیمه کنند.

البته آن اجتماع و مراسم هم مثل سایر اجتماعات و بقیه مراسم دینی و مذهبی، خالی از نقایص و کژیها نبوده و آنچنان که باید و شاید مطلوب و ایده‌آل نیست. اما روی هم رفته منظره‌ای باشکوه و تماشایی است که از عمق عقیده، ایمان پاک و اخلاص مردم مسلمان نسبت به دختر بلندآختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حکایت می‌کند.

و از مظاهر عمق نفوذ حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در جان علاقمندان به بیت وحی این است که جوانان آنان زندگی نوین عابلی و همسرداری خود را از کنار روضه مطهر و مرقد منور آن حضرت قرار می‌دهند، عقد و ازدواج عروس و داماد را گاهی با حضور خود آنان و گاهی بدون حضور آنان در داخل حرم شریف یا در رواق‌های مجاور و یا در مسجد بالاسر آن حضرت، اجرا می‌کنند که خود این جانب مکرّر در جریان مراسم عقد ازدواج اشخاص بوده و عقد همسری آنان را انشاء نمودم. و اگر این مراسم در آنجا انجام نشود، بعد از انجام عقد، عروس و داماد برای تیرک و میمنت آغاز زندگی جدید خود به عنوان زیارت به حرم شریف مشرف می‌گردند.

آری، آغاز زندگی عابلی از کنار حرم دختر جوان حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام و از کنار قبر مطهر کریمه اهل بیت، موجب یمن و برکت و بقا و استمرار رشته صمیمیت و کامیابی هر يك از زن و شوهر از دیگری خواهد بود و خود ضامن سعادت‌مندی آنان است. زوجین به برکت آن اختر فروزان آسمان ولایت، به خیرات بی‌شمار دنیا و آخرت دست خواهند یافت و بالاخره ازدواج آنان ان‌شاءالله تعالی موفقیّت‌آمیز خواهد بود.

و از اموری که در میان مردم قم و کلاً علاقمندان به خاندان رسالت، مرسوم و رایج است، بردن جنایز و اموات به سوی حرم مطهر برای تجدید عهد آنان با حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها است.

آنان سخت به این موضوع پای‌بندند که جنازه مردگان خود را پس از انجام غسل و مراسم تکفین، به سوی حرم مطهر ببرند و دور قبر مطهر آن معظمه طوف داده و بگردانند و خلاصه آخرین زیارت و دیدار او را از حرم شریف، بدین صورت انجام دهند.

آری، وداع و خداحافظی با حضرت معصومه سلام‌الله علیها از یکسو و انجام آخرین زیارت از سوی دیگر نیز استشفاع از آن بانوی بزرگ و رفتن به پناه آن مکرّمه و زاد و توشه معنوی برداشتن از کنار قبر شریف آن بانوی یگانه همه عواملی است که مردم را به پای‌بندی به آن برنامه مقدّس و ادار می‌کند.

البته جنازه‌ای که از کنار قبر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها، مطاف دایمی فرشتگان، راهی سفر آخرت شود، مورد لطف و رحمت الهی و تجلیل و تکریم فرشتگان مقرب آسمانی است و بُعدی ندارد که ملائکه رحمت الهی به استقبال او بیایند و روح وی را به سوی بهشت، که و عده‌گاه زائران فاطمه معصومه سلام‌الله علیها و علاقمندان اوست، ببرند.

مرحوم آیت الله سیخ غلامرضا خراسانی یزدی، در سال 1322 با فرزند خود و عده‌ای به مکه مشرف شدند. در بازگشت از کویت به آبادان و از آنجا به کربلا مشرف گردیدند و در بازگشت از کربلا به قم مشرف شدند. مدتی را در قم توقف داشتند. در همین ایام فرزند او حاج شیخ محمد دچار سرماخوردگی و تب شدید شد، او را به بیمارستان منتقل کردند ولی مفید واقع نشد و از دنیا رفت. در موقع خاکسپاری او، مرحوم حاج شیخ غلامرضا به نزدیکیان گفته بود: حاج شیخ محمد سعادت داشت که در جوار دختر موسی بن جعفر علیه‌السلام فوت نمود.

و بعد به دستور پدر بزرگوار متوقی، این عبارت را روی سنگ قبر او حک کردند:

پسر غلامرضا یزدی خراسانی، پس از مراجعت از بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات، میهمان حضرت فاطمه (معصومه سلام‌الله علیها شد. (49)

بالاخره چشم علاقمندان یکسره متوجه به عنایات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها است و در حیات، ممانت و همه اطوار زندگی امیدشان به اوست که عندالله تعالی مقامی بس بلند و والا دارد.

علی‌رضا خان کاشانی، معروف به دکتر شفاء‌الدوله مطبی را در خیابان ارم روبروی در صحن مطهر، در طبقه دوم عمارت شخصی خود باز کرده و بر نماز دیوار بیرونی اشعاری را با کاشیکاری عالی نوشته است. (طبقه دوم که مطب او بوده، درست روبروی حرم مطهر است و کسی که آنجا باشد، مشرف بر رواق آئینه و قسمتی از صحن شریف می‌باشد.) و آن اشعار که حاکی از عمق دلدادگی به بانوی اسلام می‌باشد و بعد از گذشت ده‌ها سال هنوز رواق حکمت اینجا، کاخ سبط مصطفی آنجا بشارت دردمندان را، دوا اینجا، شفا آنجا: باقی‌مانده است، این است

در اینجا طبّ یونانی و تشریح اروپایی فرامین و الهیات و آیات خدا آنجا

سبب اینجاست یعنی حکمت و تدبیر و دانایی توانایی است یعنی حکم و تقدیر قضا آنجا

## تواضع بزرگان در آستانه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

به موجب اینکه جلالت قدر و عظمت مقام بانوی اسلام، سیده جلیله طاهره حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها از مسلمات است و مورد هیچ گونه ابهام و اجمال و یا سخن و اشکالی نیست، رؤسای مذهب و زعمای دین در همه اعصار برای آن بانوی آسمانی احترام فوق العاده قائل بوده و هستند و همگی در برابر آستان باعظمت و جلالش سر تسلیم فرود می آورند. تشرّف به حرم مطهر و ولیّه الله را افتخار دانسته و به بوسیدن اکتاب آن حضرت سرافرازند و زیارت وی را مایه سعادت و خوشبختی دو جهان و نجات و رهایی خویش از عذاب الیم الهی می دانند.

از جمله این اعظم و بزرگان، سید الطائفه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه است که شخصیت بزرگ جهانی بود و زعمی بلامنازع و تقریباً متفق علیه به شمار می رفت.

او نسبت به مقام والای بانوی عصمت و امامت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تعظیم و تفخیم خاصی می کرد. یکی از اعلام از حواریین آن زعم بزرگ نقل می کردند که: صحبت این بود که ابن سعود در سفر به چون اگر به قم بیاید به زیارت: تهران برای ملاقات با ایشان به قم بیاید. آقا نپذیرفتند و موافقت نکرد، فرمودند حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نمی رود و این توهین به آن حضرت است که با من ملاقات کند ولی به زیارت حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها نرود!

شدت تعظیم و احترام فوق العاده آن پیشوای بزرگ اسلامی، نسبت به مقام رفیع حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را بنگرید که از چنین موقعیت عظیم ظاهری و اجتماعی چشمپوشی می کند و از اینکه پادشاه کشور سعودی به زیارتش بیاید، می گذرد که نکند اندک غباری بر شخصیت والای کریمه آل محمد سلام الله علیها و علیهم اجمعین بنشیند، در حالی که در آن روز و آن شرایط آمدن پادشاه سعودی به قم برای دیدارشان بستر بسیار مساعدی برای ارایه شخصیت جهانی آن مرد خدا بود.

و این درس بزرگی برای همگان است که درست متوجه باشند که نقطه مرکزی و محور همه عظمتها در قم، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و حرم مطهر اوست و هر شخصی در پرتو آن بزرگوار مورد تعظیم و اجلال است و هرگونه احترام و تکریم از يك شخصیت دینی و روحانی بدون مراعات مقام والای آن حضرت بی ارزش است و قابل قبول و تحمل برای انسان های بزرگ و وارسته نیست.

## اهتمام شیعه به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در نزد شیعیان بسیار با اهمیت است و آنان از دیرزمان به آن اهمیت داده، حتی اگر ساکن قم نباشند، رنج سفر را بر خود هموار کرده و برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبه دربار خدا به قم مشرف می‌شوند.

بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران می‌آیند، تقیّد و اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را هم زیارت کنند و همانگونه که ایرانیانی که به مکه مشرف می‌شوند، اگر قبل از اعمال حجّ به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه می‌شتابند و یا اگر به عراق برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهدا بروند، مقیّدند علاوه بر زیارت آن دو بزرگوار و زیارت کاظمین علیهما السلام اگر چه یک روز هم که شده به سامرا بروند و قبر مبارک حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام را زیارت کنند، زائران خارجی حضرت رضا علیه السلام نیز سفر زیارتی خود را با زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تکمیل می‌کنند و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و موالیان اهل بیت علیهم السلام از اطراف و اکناف ایران از اقصی نقاط جهان و از بلاد بعیده و دور دست، برای درک فیوضات بی‌شمار در پرتو زیارت آن معظمه آل عصمت به قم آمده، در کنار قبر شریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می‌کنند.

عشق و علاقه قلبی و عمیق دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت به زیارت کریمه‌خاندان وحی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقمندان آن حضرت وارد شهر قم می‌شوند و چون در این شهر آشنایی نداشته و وضع مالی و مادی آنان ایجاب نمی‌کند که در هتلها و حتی مسافرخانه‌های معمولی سکونت کنند، در کنار رواقها و صحن‌های شریف و گاهی در میادین و خیابان‌های مجاور حرم شریف بار می‌اندازند و گاهی کنار خیابان و پیاده‌روها، مختصر چیزی را انداخته، فرش می‌کنند و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم همانجا مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می‌نمایند و مصرف می‌کنند و همانجا در گرما و سرما استراحت می‌نمایند.

آری، همه این شداید و سختیها را تحمل کرده و بر خود هموار می‌سازند و رلخوشی آنان به این است که توانسته‌اند قبر مطهر دختر موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کنند. اینها مظاهر عشق و علاقمندی مردم مسلمان و دیندار به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت است.

خانم محترمه و بادیانتی (50) با گروهی به زیارت قبر حضرت رضا علیه السلام مشرف شده بودند. در بازگشت هنگام شب وارد قم می‌شوند و درب حرم و صحن منور حضرت معصومه سلام الله علیها بسته بوده است. زائران می‌خواستند که راننده اتوبوس تا اذان صبح توقف کند تا بتوانند حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها را زیارت کنند، ولی او نمی‌پذیرد و به درخواست آنان اعتنا نکرده، به سوی شیراز ادامه حرکت می‌دهد.

آن خانم محترمه برای همیشه دلسوخته و افسرده‌خاطر بود که موقّق به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نشده است.

علمای بزرگ و طراز اول شیعه همواره اهتمامی شدید به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها داشتند، از جمله آنان استاد بزرگ ما مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی اعلی الله مقامه مقیّد به این موضوع بودند. ایشان سالیان سال نماز صبح را در مسجد بالاسر می‌خواندند و در همین فرصت مدّتی را در نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها می‌نشستند و به زیارت و راز دل‌گویی با آن حضرت می‌پرداختند. در سالهای اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس مشرف می‌شدند و مدّتی بالای سر حضرت معصومه سلام الله علیها درست متصل به قبر مبارک به زیارت و عبادت می‌پرداختند. خدام محترم حرم در ساعت زیارت ایشان قسمت بالای سر مبارک را خلوت می‌کردند و تا پایان برنامه، مراقبشان بودند تا هجوم جمعیت به سوی ایشان مانع زیارت و دیگر برنامه‌هایشان نشود، البته به طور متفرق و به مناسبات هم به حرم مشرف می‌شدند و این برنامه همواره انجام می‌شد.



می‌رفتند و شاید آخرین مسافرت تابستانی - یکی از سالها که برای تغییر آب و هوا به جاسب - محلی در اطراف قم ایشان به آنجا بود، کسالت و ضعف و خستگی‌شان شدت داشت، با این حال فرمودند: اول به حرم مشرف می‌شوم و از آنجا به جاسب می‌رویم. بعضی از نزدیکان ایشان عرض کردند: حالتان مساعد نیست، بنابراین همچنان که اتومبیل از کنار حرم عبور می‌کند شما از داخل سلام کنید و زیارت نمایید، ولی ایشان نپذیرفتند و بالاخره با همان حالت به حرم رفتند، در حالی که بعد از پایان زیارت نتوانستند مسافت کوتاه ما بین داخل حرم تا درب کنار خیابان موزه را راه بیابند. لذا برای ایشان در نزدیکی درب خروجی مسجد طباطبائی - مسجد موزه - صندلی گذاشتند و بعد از مختصر استراحتی ایشان را به نزدیک ماشین آورده و سوار کردند.

مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی رحمه‌الله‌علیه راجع به استادش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقاملکی تبریزی می‌نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها بسیار جدیت داشتند و با داشتن مرض قلب (همه روزه به حرم مشرف می‌شدند. 51)

بلکه از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می‌شود که زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها اختصاصی به شیعه نداشته، بلکه اهل سنت و علما و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می‌رفته‌اند و عبارت او در این مورد چنین است: و اهل قم به زیارت حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها، بنت مطهره موسی بن جعفر علیه‌السلام روند که ملوک و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرّب نمایند. (52)

بلکه این عبارت حاکی از آنست که علمای مذاهب مختلف اهل سنت به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها بنت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌آمده‌اند و چون در مقدمه مصنف آن کتاب، از تاریخ ماه ربیع الاول سال پانصد و پنجاه و شش از هجرت صاحب شریعت، ذکری کرده، باید گفت: علمای اهل سنت از شهرهای سنی‌نشین ایران در قرن ششم برای زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها به قم می‌آمده‌اند و وقتی علمای سنی مذهب چنین باشند، به طور طبیعی عوام و پیروان آنان نیز اینگونه بوده و به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها اهمیت می‌داده‌اند.

## کرامات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها

حضرت فاطمه بنت الکاظم علیه‌السلام نیز مانند دیگر اولیای پاک خداوند، دارای کرامت‌های باهره بوده و می‌باشند و در اعصار و قرون مختلف، عموم طبقات از عالم و عامی، شاهد و ناظر بعضی از آن کرامات بوده و گواهی داده‌اند. البته روشن است که در پرتو مقامات عالیه معنوی و تقرّب خاصی که آن مکرّمه در نزد خدای تعالی دارند، از موهبت عظیم عنایات الهی و الطاف ویژه پروردگار برخوردار گردیده، دارای چنین کراماتی شده‌اند.

مرحوم قائم‌مقام فراهانی می‌گوید: جناب امیرزاد آقای سرکشیک حضرت معصومه قم می‌فرمود: در سنه 1300 ضعیفه مفلوج‌های را از کاشان به قصد استشفای به قم آوردند دخیل حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها شد، شب کشیک من بود. ضعیفه دور حرم مانده و درب حرم را بستند، چون نصف شب شد آن ضعیفه آواز داد: حضرت مرا شفا داد. در را گشودم. دیدم همانطور است که می‌گوید. واقعه را پرسیدم. گفت:

عطش بر من غلبه کرد، خجالت کشیدم آب بخواهم، با آن حالت خوابم ربود، در واقع جام آبی به من دادند و گفتند: این آب را بخور، شفا می‌یابی. آب را خوردم و از خواب بیدار شدم. دیدم نه از عطش خیری است و نه از فلج اثری.

- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
- و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(و می‌فرمود: سالی نیست که دو سه نفر کور و شل از برکت تو سل به آن معصومه سلام‌الله‌علیها شفا نیابند. 53)

و هم او در جای دیگر می‌نویسد: کراماتی که در عصر خود این حقیر، از حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها ملاحظه نموده زیاد است، خود کتابی لازم دارد. چند فقره آن را در این رساله درج نموده که از جمله آنها

خاقان مغفور، فتح‌علی‌شاه قاجار البسه‌الله‌لحل‌التور در مطلبی یکصد هزار تومان نذر نمودند. بعد از رسیدن به مطلب، به علاوه آن وجه را خرج طلای گنبد مبارک و ساختن صحن و مدرسه‌دار الشفا و غیرها نمودند

حسین‌خان نظام‌الدوله شاهسون که نذری نمودند آن گلدسته‌ها را ساختند

من بعد از زیارت، از قم بیرون: نواب و الامستطاب اشرف ارفع و الانائب السلطنه کامران میرزا خود می‌فرمودند آدم و بر دو فرسنگی برای صرف نهار پیاده شدم. دیدم چند تیهو برخاستند. تفنگ را از تفنگدار خواستم و به جانب آنها انداختم و تفنگ دولوله از میان لولها ترکید. ریزه‌ریزه شد و آسیبی به من و حاضرین - محض آنکه زوار آن حضرت بودیم - وارد نیامد. از همانجا شخصی را فرستادم که گلدسته‌های حضرت را صلا نماید

(صحن نو را مرحوم مغفور ابراهیم خان امین السلطان ساختند. 54)

مرحوم حاجی نوری رضوان‌الله‌علیه داستانی را نقل می‌کنند که چون در زمان خودشان و در نزدیکی محل اقامت ایشان واقع شده و گویا صاحب جریان را می‌شناخته‌اند، داستانی ارزشمند است. ایشان می‌گویند:

در ایامی که ما در کاظمین اقامت داشتیم و مجاور بودیم، در بغداد یک مرد نصرانی بود به نام یعقوب که دچار بیماری استسقا شد و هرچه مراجعه به اطبا کرد نفعی نداد و بیماری او شدت یافت، چنان رنجور و لاغر گردید که از راه رفتن عاجز شد. او خود می‌گوید: پیوسته می‌گفتم خدایا، یا شفایم ده یا مرگم را برسان

تا اینکه شبی همچنان که روی تخت‌خواب، خوابیده بودم، خواب دیدم سیدجلیل، نورانی و بلندقامتی نزد من آمده و تخت مرا حرکت داد و گفت: اگر شفا می‌خواهی باید به شهر کاظمین بروی و زیارت کنی که از این بیماری رهاسوی. از خواب بیدار شدم و جریان خواب را برای مادرم نقل کردم. او که نصرانی بود گفت: این خواب شیطانی است و رفت صلیب و زنار آورد و به گردنم آویخت

من دوباره خواب رفتم و در عالم رؤیا بانویی با جلالت و پوشیده را دیدم که آمد و تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز، چه آنکه صبح طالع شد. مگر پدرم به تو نفرمود به زیارتش بروی تا تو را شفا دهد؟

عرض کردم: پدر شما کیست؟

فرمود: امام موسی بن جعفر علیه‌السلام

گفتم: تو کیستی؟

فرمود: أَنَا الْمَعْصُومَةُ أَخْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ منم معصومه، خواهر رضا علیه‌السلام

من بیدار شدم و متحیر بودم که چه کار کنم و کجا بروم. پس در قلبم افتاد که به خانه سیّد محترم، سیدراضی‌بغدادی که ساکن در محله رواق بغداد است، بروم. به راه افتادم تا به خانه او رسیدم. در را کوبیدم. او گفت: کیستی؟ گفتم: در را بازکن، چون صدای مرا شنید، دخترش را صدا زد که در را بازکن که یک نصرانی است و می‌خواهد مسلمان شود.

من وارد شدم و گفتم از کجا دانستید که نصرانی می‌خواهد مسلمان شود؟ گفت: جدّم حضرت کاظم علیه‌السلام در خواب به من خبر دادند.

بعد مرا به کاظمین و به خانه عالم جلیل شیخ عبدالحسین تهرانی برد و داستان را به ایشان عرض کردم. به دستور او مرا به حرم مطهر بردند و دور ضریح طواف دادند، ولی اثری از برای من ظاهر نشد. چون بیرون آمدم و مختصر زمانی گذشت دچار تشنگی شدم. آب آشامیدم. در آن وقت حالم دگرگون شد و به زمین افتادم و آن وقت بود که احساس کردم که بارگرانی چون کوه بر پشتم بود و برداشته شد و ورم بدنم از بین رفت و به کلی کسالت و دردم مرتفع گردید.

به بغداد برگشتم. بستگانم که از جریان اطلاع پیدا کردند ناراحت شدند. مادرم گفت: خدا رویت را سیاه کند. کافر شدی؟ گفتم: از بیماری چیزی می‌بینی؟ او گفت: این از سحر است و بالاخره مرا زدند، انیت کردند و خون‌آلود نمودند و گفتند: تو از دین ما خارج شده‌ای.

من به کاظمین برگشتم و خدمت شیخ عبدالحسین تهرانی رفتم و او اسلام و شهادتین را به من تلقین کرد و مسلمان شدم و چون خطر، مرا تهدید می‌کرد، او مخفیانه مرا به کربلا فرستاد و چون زیارت کردم و برگشتم مرا با مرد صالحی از اهل اصطهبانات به بلاد عجم فرستاد و یکسال در آن قریه - اصطهبانات - از توابع شیراز ماندم و بعد.... به عتبات برگشتم.

مرحوم محدث‌نوری می‌گوید: و باز به محل هجرت خود برگشت و در آنجا همسر گرفت و مشغول به قرائت (مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام شد و الآن در آنجاست و اهل و اولادی دارد... (55)

استاد ما در شیراز در قسمتی از سطوح، مرحوم آیت‌الله‌آقای حاج‌سیّد محمدباقر آیت‌اللهی معروف به حاج‌عالم رضوان‌الله‌علیه کرامتی را از حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها نقل کرده‌اند که خود در جریان آن بوده و مشاهده کرده‌اند و آن این است که می‌فرماید:

در سال 1349 هجری قمری به قصد تشرّف به قم از شیراز مسافرت نمودم. در اصفهان برای پیدا کردن وسیله برای قم به گاراژ رفتم. یک ماشین سواری آماده بود. من و یک نفر دیگر که اصفهانی و مرد باوقاری بود سوار شدیم. جوان دیگری هم آمد که سوار شود، مادرش که به بدرقه او آمده بود با چشم‌گریان روی به حقیر نموده و گفت: آقا! دعاکن فرزندم به سلامت برسد.

ما سه نفر عقب ماشین جاگرفتیم و راننده، جلوی ماشین را برای دیگری در نظر داشت. راه افتادیم. چندین کوچه و خیابان گردش کردیم تا درب خانه‌ای نگه‌داشت و شخصی را سوار نموده و به سمت قم به راه افتادیم.

ضمناً معلوم شد آن جوان از ارامنه و کارمند بانک تهران است و آن شخص آخر اهل کردستان و رئیس دخانیات اصفهان است. رفتیم تا به مورچه‌خورت که حدود چند فرسنگی اصفهان می‌باشد، رسیدیم.

در اینجا مأمور تفتیش اثاثیه مسافرین آمد و چون شب تاریک بود چراغ دستی را گرفت و نگاه به داخل ماشین کرد. از من پرسید آقا اسباب شما کجاست؟ گفتم جلوی ماشین روی کاپوت بسته‌اند، برو نگاه کن.

از آن جوان پرسید: این صندوقچه که روی رکاب ماشین است چیست؟ گفت: مشروب است.

از آقای رئیس پرسید: صندوقچه بسته شده چیست؟ آن هم گفت: مشروب است و ما هم می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم، ولی مجبور بودیم خود را به نفهمی بزنیم. بعد مأمور تفتیش آمد و از اینکه سوال از اثاثیه اینجانب کرده بود، معذرت خواست.

به هر حال بدون تفتیش از آنجا گذشتیم. هوا بسیار سرد بود. آقای رئیس - شاید برای رفاه از سرما - بطری را سر می‌کشید. بوی آن بلند می‌شد و به مشام آن جوان ارمنی که عقب سوار بود، می‌رسید و او برای طعنه به اینجانب جناب رئیس! بوی خوشی می‌آید و قاه قاه می‌خندید و چند مرتبه‌ای این جریان تکرار شد و هر چه که: صدا می‌زد تملق جناب رئیس را گفت، او جرعه‌ای هم به او نداد و حتی تعارفی هم به او نکرد. به همین ترتیب رفتیم تا از حدود دلیجان گذشتیم.

جوان ارمنی دم به دم می‌گفت: در این هنگام ماشین پنجر شد. برای پنجرگیری بیرون آمدیم و در سرما نشستیم البته ماشینی که در آن خلاف شرع بشود، پنجر می‌گردد و ما را به باد مسخره می‌گرفت و صدای قاه‌قاه او و نیز آقای رئیس بلند می‌شد.

عاقبت این حقیر نزدیک رئیس شدم و خود را به دوستی با آقای صدیقی‌وزیری از اهل کردستان که در دارایی شیراز بود، برای او معرفی کردم و دم و دود رئیس را با این بهانه بستم و از تکرار سرکشیدن بطری بازداشتیم و فیمابین او و جوان ارمنی جدایی افکندم.

پس از اتمام پنجرگیری سوار شده و به طرف قم حرکت کردیم. این حقیر به توجّه قلبی متوسّل به ساحت محترم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها شدم و از جریان جوان و رئیس شکایت نمودم تا به قم رسیدیم. ماشین درب گاراژ سوت زد که درب بسته باز شود و وارد گردد.

درب باز شد و ماشین خواست وارد شود، ناگهان صندوق‌های آن جوان و رئیس که در یک ردیف روی رکاب ماشین بسته بود، اصطکاک با آستانه درب گاراژ پیدا کرد و حساب هر دو صاف شد و از درب گاراژ تا وسط حیاط یک جدول مشروف به راه افتاد و صدای مسخره حملهای گاراژ برخاست.

این حقیر هم فوراً اثاثیه خود را به شخصی دادم که بیاورد و حسابم را با راننده تصفیه کردم و بیرون آمدم و آنها را (به حرمان از مقصد و اگذار کردم و از عنایت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها سپاسگزاری نمودم. (56)

آیت‌الله شبزنده‌دار راجع به عمومی محترمشان، عبدصالح مرحوم آقای حاج‌قنبر رحمة‌الله‌علیه نقل کردند که: همسرشان حمل پیدا کرده بود و بعد از مدتی متوجّه می‌شوند که جنین حرکت ندارد. مراجعه به دکتر می‌شود و او می‌گوید: بچه در شکم مادر مرده و باید عمل جراحی انجام شود و بچه مرده را بیرون بیاورند. آن زمان - شصت سال قبل - هم که هنوز عمل جراحی شایع نبود و امکانات و وسایل امروز را نداشته‌اند و از این‌رو عمل برای آن خانم و بستگانش گران تمام می‌شود و بالاخره تصمیم می‌گیرند که برای استشفای به مشهد مقدّس مشرف شوند. لذا حرکت می‌کنند تا به قم می‌رسند، خود آن محترمه گفته است: برای زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها رو به این جریان. سوی حرم رفتیم و به مجرد اینکه پا را داخل حرم گذاشتیم بچه شروع به حرکت کرد و به جنبش آمد موجب شادی آنان می‌شود و مرحوم حاج‌قنبر از قم نامه‌ای به جهرم می‌فرستد و جریان را اطلاع می‌دهد و می‌گوید: ما پیش از آنکه به مشهد برسیم، خداوند لطف کرده و شفا داد.

## آثار توسل به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

توسل به خاندان عصمت و طهارت راهگشای انسان‌ها در مواضع تحیر و حلال مشکلات آنان در دشواریها و سختیهای زندگی است و این مطلب کاملاً تجربه شده و قابل تردید نیست و از جمله توسل به ذیل عنایت علیامعظمه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بنت موسی علیه السلام از ابواب نجات و از وسایل قضای حاجات، نیل به مقاصد، خواسته‌ها و رفع بلیات است. حتی بعضی از افراد بر اثر شدت اتصال روحی و معنوی با آن بانوی یگانه عالم رسماً با او حرف می‌زنند و به برکت عنایات و افاضات آن حضرت به سرعت به مطالب و خواسته‌های خویش دست می‌یابند که در این مجال مواردی را نمونه می‌دهیم و چه بسا که این خود یادآور موارد متعددی باشد که خوانندگان محترم دیده و تجربه کرده باشند.

1- مرحوم مغفور حجة الاسلام آقای سیدمحمدباقر موسوی گوگدی، والد ماجد مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله علیه، گاهی از گلپایگان به عزم زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به قم می‌آمده‌اند و فرزند گرانقدرشان رضوان الله علیه فرمودند: به یاد دارم که یک بار مرا هم با خود به قم آوردند و من با ایشان بودم.

در یکی از سفرهایی که آن سید جلیل و باخلاق به قم می‌کنند، منزلی را به مبلغی اجاره می‌کنند که مال‌الاجاره آن نسبتاً زیاد و گران بوده است. آن مرد باخلاق و صاحب مقام یقین فرموده بود: ای عجب من از عمه‌ام - حضرت معصومه سلام الله علیها خواستم که منزل خوبی برایم فراهم کنند و ایشان اجابت کردند، ولی از یادم رفت که از ایشان بخواهم که ارزان هم باشد.

2- مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مهدی بروجردی رحمه الله علیه، اب الزوجه آیت الله العظمی گلپایگانی که در ماه جمادی الاخری سال 1388 هـ ق درگذشت، راجع به دفن ایشان در حول و حوش حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها از ناحیه عوامل طاغوت سختگیری و اشکال‌تراشی می‌شد و با آنکه خود ایشان قبری را برای خود پیش‌بینی کرده و یا آن را از قبل خریداری کرده بودند، بعد از فوتشان مورد مخالفت مسئولان دولتی قرار گرفت. آقا فرمودند: من به حضرت معصومه سلام الله علیها عرض کردم: ایشان يك عمر پناهنده به شما بود و به این مکان مقدس رفت و آمد داشت. اکنون او را از جوار خودتان محروم نسازید. و بحمد الله خداوند اصلاح کرد و رفع مانع شد و آن عالم محترم را در آن مرکز مقدس دفن کردند.

3- برای خود اینجانب هم شرایطی پیش آمد که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفتم و مخارج تمام شد و مرا که در دوران تجرد به سر می‌بردم، مضطرب و ناراحت کرد. وقت عصری بود که از فرط ناراحتی و دل‌تنگی از مدرسه مبارکه رضویه که محل سکونت بود، بیرون آمدم و به حسب ظاهر به سوی حرم رفتم. دیگر یاد ندارم که چه گفتم و چه کردم، ولی به خوبی در ذهنم مانده است که در بیرون حرم، در خیابان موزه که دو در از درهای صحن و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها از آنجا باز می‌شود و نیز در اصلی مسجد اعظم در آن قسمت است. در نزدیکی درب مسجد، میان رفت و آمد مردم کسی رسید و مراسم تعارفات مختصری انجام شد و او دست داد و وجهی در دستم گذاشت و رفت و من او را نشناختم و آن وجه هر چند زیاد نبود، ولی برای دو سه روز یا یکی دو روز در آن شرایط کارگشا بود. اینجانب مدعی نیستم که آن شخص از رجال غیبی و اولیاء الله بوده و با شناخت از بنده این لطف را کرده ولی این مقدار برایم تقریباً روشن است که عنایت معظمه دوران، دخت موسی‌الکاظم علیه السلام موجب شده به دل آن مرد بیفتد که در میان آن رفت و آمد این وجه را خیلی محترمانه در دست من بگذارد و زود هم برود که البته احتمال اول هم بعدی ندارد، ولی بنده شاهد و مؤیدی برای آن ندارم که موجب اطمینان باشد.

جوان محترم تحصیل‌کرده‌ای از دوستان می‌گفت: من هر وقت برای حاجتی به ویژه تشرّف به مشهد، متوسل به حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شدم موفق گردیده و مشرف شدم و راستی که حضرت معصومه سلام الله علیها اخت الرضاست.

بالاخره توسل به آن مکرمه یگانه، یکی از مایه‌های سعادت و رفع مشکلات و نیل به مقاصد است و مقام رفیع و شأن منبع او هم ایجاب می‌کند که اگر مضطر گرفتاری رو به آن بزرگوار بیلورد، به اذن الله به خواسته خود برسد و به حاجتش دست یابد.

بله ممکن است در موردی آنچه را که انسان درخواست می‌کند به صلاح او نباشد یا کلاً مصلحت نظامات مقرره الهی نباشد، در این مورد البته توسل بی اثر می‌ماند و یا به کلی حال دعا و توسل از آدمی گرفته خواهد شد.

چنانکه مرحوم آقای گلپایگانی نقل فرمود که: در زمان مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخصی از اهل علم از من درخواست کرد که از آقای حاج شیخ وجهی برای مخارج او بگیرم. من این را به ایشان عرض کردم ولی مؤثر واقع نشد و چیزی ندادند. من با خود گفتم: اکنون که چنین شد من به حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بروم و برای آن شخص دعا کنم، شاید کار او بدینوسیله حل شود. به این عزم به حرم مشرف شدم و بسیار دعا کردم ولی همین مطلب که به خاطر آن رفته بودم بکلی از یادم رفت و راجع به آن اصلاً دعا نکردم!

## حل مشکلات علمی

آنچه که راجع به تأثیر فراوان به ذیل عنایت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ذکر شد، منحصر به جنبه مادی و اقتصادی و ظواهر زندگی نیست و در این محدوده خلاصه نمی‌شود بلکه آنانی که تشنه کام مقامات معنوی و یا زلال علم‌اند و به دنبال حل مشکلات علمی، گام برمی‌دارند نیز از رهگذر توسل و روی آوردن به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌توانند، مشکلات خود را رفع کرده و حجابها را از روی چهره مطالب علمی بردارند و به مقصد عالی و هدف والای خود نایل گردند، بلکه از نقطه نظر اینکه سازمان وجودی آن مکرّمه و کلاً خاندان پیغمبر با علم و معرفت صورت گرفته و خاندان علم و فضیلت‌اند، طلب نیل به علم و کمال از آنان زمینه مساعدتری برای پذیرش و اجابت دارد.

تاریخ نشان می‌دهد که افرادی با استمداد از انفاس قدسیه حضرت معصومه سلام الله علیها و در پرتو توسل به ذیل عنایت آن مکرّمه، حجابهای علمی را کنار زده، حقایق و نکاتی برای آنان از این رهگذر روشن شده است و بالاخره حوایج و درخواستهای علمی حاجتمندان نیز در این جایگاه با عظمت رواشده و درخواست‌کنندگان به حاجت خود رسیده‌اند.

مرحوم محدّث قمی اعلی الله مقامه الشریف در شرح حال صدر المتألّهین شیرازی نوشته‌اند: از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملاصدرا به واسطه بعضی از ابتانات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم که عَشَّ آن محمّد و حرم اهل بیت صلی الله علیه و آله وسلم است، مهاجرت کرد و به حکم إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ تَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛ (57) هنگامی که فتنه‌ها و ابتانات شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه‌ها از آنجا رفع گردیده است. به قریه‌ای از قرای قم که در چهارفرسخی آن شهر واقع و موسوم به "کهک" است، پناه برد و گاهگاهی که بعضی مطالب علمیه بر او مشکل می‌گردید، از کهک به زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها تشرّف می‌یافت و از آن حرم فیض آثار بر او افاضه می‌شد.

سپس محدّث بزرگوار در تأیید این جریان می‌گویند:

فاضل اشکوری لاهیجی، در کتاب محبوب القلوب، در احوال خاتم‌الحکماء الیونانیین، ارسطاطالیس فرموده است: چون ارسطو در بلده اسطاغیرا از دنیا رحلت کرد، اهل آنجا استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شده بود در ظرفی از مس گزاردند و آن را در موضعی دفن کردند و آن مکان را مجمع خود قرار داده، از برای مشورت در کارهای بزرگ و امور جلیله در آنجا جمع می‌شدند و هر وقت مطلبی از فنون علم و حکمت برایشان مشکل می‌شد، قصد آنجا را نموده، بر سر قبر او نشسته، مشغول به مناظره و مباحثه می‌گردیدند، تا آنکه مشکل ایشان حلّ و مطلبشان واضح و روشن می‌شد و چنان اعتقاد داشتند، که آمدن بر سر قبر ارسطوطالیس بر عقل و ذکاء آنان می‌افزاید و اذهاتشان را پاک و تلطیف می‌نماید.

محدث بزرگ در اینجا اضافه می‌کند: پس هرگاه حکمای یونان، این نحو اعتقاد به استخوانهای پوسیده ارسطاطالیس داشته باشند، عجبی نیست که حکیم الهی و فیلسوف امامی، صدر‌المتألهین، هرگاه مسأله‌ای علمی بر او مشکل شود، از چهارفرسخی قم به قصد تشرّف به آستان ملک‌پاسبان حضرت سیدتنا فاطمه سلام‌الله‌علیها که مهبط فیوضات ربانیه و تجلیات سبحانیّه است حرکت کند، برای آنکه علوم بر او افاضه شده و مطالب عویصه برایش کشف و حلّ گردد. (58)

کسان دیگری نیز در همین موضوع حلّ مشکلات علمی توسّل به آن بانوی زمانه پیدا کرده، خداوند قادر متعال به برکت آن وجود پاک و آن گوهر تابناک و بی‌همتای هستی افاضه مطالب کرده و حلّ قضیه و مشکل علمی و جواب مسأله غامض را به ذهن توسّل جویان القا و الهام فرموده است.

یکی از علمای برجسته و پرهیزکار در حاشیه کتاب مکاسبی که از روی آن تدریس می‌کرده‌اند در صفحه 143 (بحث ترتب عقود متعدده بر مال مجیز) نوشته‌اند:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. دیروز هرچه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برایم روشن نشد و موقع مباحثه شد، با بناء بر اینکه با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل با توسّل به حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، خزینه غیرمنقوصه الهی سلام‌الله‌علیها، دعانمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی فکر مطلب هم نبودم. اما همینکه نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: "وللعقود اللاحقه..." تا "على المعوض ابتداء" به ذهنم، به اذن الله تعالی و برکت سیدتنا فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها القا شد و روشن گردید.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ آلِهِ وَنِعْمِهِ، إِلَهِي بِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْنَا كُلِّ خَيْرٍ وَوَقَفْنَا لِمَا تُحِبُّ  
وَ تَرْضَىٰ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. 21 شوال المکرم 1411





ولی معروف و مسلم است که برای ماندن در قم، پس از اصرار عده‌ای از علما و اهالی قم و اهالی تهران، بالای سر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها برای ماندن در قم استخاره کرده بودند و این آیه آمده بوده است: وَأَثُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ؛ (59)

این آیه خطاب حضرت یوسف به برادران است، که به آنان فرمود: همه اهل و بستگان خود را نزد من بیاورید.

این استخاره در کنار قبر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها بدون هیچگونه اجمال و ابهامی مرحوم آیت الله حایری را به اقامت و آوردن اهل و بستگان خود بدان سرزمین مقدس فرامی‌خواند. و از این رو آن زعیم بزرگوار، بستگان و حواریون خود را به آمدن به قم از اراک که قبلاً آنجا بر گرد شمع وجودش اجتماع کرده بودند، فرامی‌خواند، در نتیجه عزم بر ماندن و پیدا کرده و بالاخره چنین حوزه علمیه با عظمتی را تشکیل می‌دهند.

آری، تشکیل حوزه در شهرستان اراک قبلاً به وسیله همین شخصیت بزرگ علمی، یعنی مرحوم آیت‌الله‌العظمی حایری اعلی‌الله‌مقامه صورت گرفت و دلدادگان علم و فضیلت نیز در آن حوزه جمع شده، گردآمدند و حوزه اراک تحرک و رونقی پیدا کرد.

نیز تشکیل حوزه علمیه در قم با دست توانای همان عالم ربّانی و فقیه با اخلاص صورت گرفت و حوزه‌ای قوی و نیرومند و با برکت شد و رجال بزرگ و کم‌نظیری را تربیت کرده، تحویل جهانیان داد و برکات و آثار آن چشمگیر و مستمر گردید و اکنون متجاوز از چهار ربع قرن است که در جهان اسلام تالّوئی خاص دارد، به طوری که نه تنها ممالک اسلامی بدان توجّه دارند، بلکه ممالک بیگانه و دور از اسلام چه کشورهای شرقی و چه غربی برای این حوزه اهمیت ویژه قایل بوده مرکزیت و محوریت دینی برای آن قائلند و خائنان و ابرقدرتهای خودسر، از آن بیمناک می‌باشند.

بالاخره هر دو حوزه به دست يك نفر احداث و تأسیس شده است، ولی یکی از آن‌دو، دچار رکود و رفته شده و یا به قهقرا برمی‌گردد و دیگری روز به روز تالّو بیشتر پیدا کرد، نور داد و روشنی آفرید و آثار و ثمرات خود را به نقطه نقطه جهان صادر کرد و ندای شیعه را به اقطار عالم رسانید. این چه سرّی است و چه رمز نهانی دارد؟!

جز اینکه قم چیزی دارد که اراک و اصفهان و سایر بلاد ندارند و آن بضعه موسی، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها می‌باشد.

مضجع و مرقد مطهر این بانوی بزرگ و با عظمت، روحانیتی خاص و قداست و معنویتی مخصوص و خلل‌ناپذیر به این شهر داده است که با وجود آنکه از نظر جغرافیایی، محیطی مساعد نبوده و از آب و هوای مطلوب و مطبوعی برخوردار نیست، اینچنین مورد توجّه نفوس واقع شده، دلها مجذوب آن گردیده است و جمع کثیری از هیأت علمیه، علما، فضلا و طلاب با محرومیت‌های گوناگون مادی روی به اینجا آورده و اقامت در این کویر برای اشتغال و فراگیری علوم و معارف آل محمد علیهم‌السلام را بر انواع رفاه‌ها و راحتیا در سایر بلاد ترجیح می‌دهند.

و جان کلام اینکه آمدن مرحوم آیت الله العظمی حایری و تأسیس حوزه و اقبال نفوس، مخصوصاً فضلا و علما، همه از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است.

2- جریان اقامت سید الطائفه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی‌آقای بروجردی اعلی‌الله‌مقامه نیز مستند به عنایات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها است، بدین ترتیب که ایشان در اواخر سال 1361 ه‌ق مبتلا به بیماری فتق می‌شوند و قرار می‌شود که در تهران عمل کنند، هنگامی که به مقصد معالجه از بروجرد خارج می‌شوند، وضع مزاجشان رضایت‌بخش نبوده و تقریباً در بیهوشی بوده‌اند و این حال ادامه داشته تا يك مرتبه در دل شب، چشم گشوده و چراغ‌های قم را مشاهده می‌کنند. از همراهان استفسار می‌فرمایند، اینجا کجاست؟ عرض می‌کنند: قم است.

جذبه‌ای روحانی و کششی معنوی ایشان را به خود مشغول می‌کند و در آن حالت تصمیم می‌گیرند که پس از بهبودی، بقیه عمر را در این آستان مقدس بگذرانند.

در عبارت دیگری آمده که: هنگام حرکت از بروجرد، وضع مزاجی ایشان سخت بوده و در حالت بیهوشی می‌گذرانیدند ولی ناگهان در وقت شب از خواب بیدار و از داخل اتومبیل نظرشان به چراغ‌های شهر قم می‌افتد، می‌پرسند اینجا کجاست؟ همراهان به عرض می‌رسانند: اینجا قم است. منظره چراغ‌های شهر قم در آن دل‌شب اثر عمیقی در دل ایشان می‌گذارد و قصد می‌کنند که اگر از این بیماری شفا یافتند، بقیه عمر را در کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها به سر ببرند.

بالاخره خداوند به برکت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها آن بزرگوار را شفا می‌دهد و از این‌رو بعد از علاج بیماری به قم می‌آیند و آن تحول عظیم علمی و فرهنگی را در حوزه به وجود می‌آورند. و علما و مجتهدین بسیاری را پرورش داده، صدای روحبخش اسلام و تشیع را به گوش جهانیان رسانیدند.

قابل توجه است که نکته‌ای را که در مورد آمدن مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری اعلی‌المقامه ذکر کردیم، در مورد مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی اعلی‌المقامه نیز صادق است. آن بزرگوار پس از بازگشت از نجف اشرف، حوزه بروجرد را پس از انطماس و رکود احیا کرد و رونقی داد و جماعتی دور وجود مبارکش جمع شدند و آن مرد بزرگ، حدود چهل سال در آنجا اقامت فرمود - بعد از آنکه بروجرد زادگاهشان هم بود - و فیض‌بخشی فراوانی کرد، سپس به قم آمد، حوزه مبارکه قم دستاورد مرحوم حایری بزرگ را توسعه داد و آبیاری کرد. از ابعاد مختلف آن را گسترش داد و نام قم را عالمگیر کرد. از اکثر شهرها و بلاد ایران، بلکه از قسمتی از روستاهای آن جوانانی با شور و شوق را به سوی این مرکز علمی جذب نمود تا بالاخره حوزه یگانه و بی‌نظیر جهان تشیع گردید، در حالی که حوزه بروجرد رو به توقف و رکود گذارد و تحرک و پویایی خود را از دست داد.

شگفتا شخصیتی بزرگ و کم‌نظیر مانند آیت‌الله‌العظمی بروجردی در رأس دو حوزه قرار می‌گیرد و یکی را در خلال مدت چهل سال رشد نسبی و زودگذر می‌دهد و دیگری را خلال مدت حدود پانزده سال رشد مطلق می‌بخشد و آن را جهانی کرده و به اوج عظمت و سربلندی می‌رساند.

این چه سر نهفته و راز نهانی است، جز اینکه قم گوهری دارد که بروجرد با همه سوابق درخشانش ندارد، چنانکه در جریان مرحوم حایری اراک نداشت و آن مرقد منور دختر بلندآختر حضرت موسی بن جعفر سلام‌الله‌علیها می‌باشد. آری، قم، حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها دارد و اراک و بروجرد ندارند.

این بانوی بزرگ و سرافراز، پشتوانه عظیمی است که شخصیت‌های وزین را بدین سو و سمت می‌کشد و متفکران و اندیشمندان را از هر نقطه‌ای جذب می‌نماید و دلها همه در هوای اوست، از این رو تأسیس حوزه به دست مرحوم آقای حایری از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است و تجدید و تحکیم اساس آن مرکز عظیم و گسترش چشمگیر آن به دست مرحوم آقای بروجردی نیز از برکات آن معظمه دوران است.

## کانون هدایت و فیض دایم

حرم مطهر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مرکز افاضه فیوضات ربّانیه است. انوار هدایت از این کانون نور پی در پی ساطع بوده و همه جا را روشن و تابناک می‌گرداند و پیوسته امواج علم، معرفت و فضیلت از آن محور فضیلت و کمال به اطراف و اکناف جهان می‌رسد و اینک ما در این مجال گوشه‌هایی از این فیض لاینقطع و هدایت مستمر و برکتهای بیشمار را عرضه می‌کنیم.

## 1- تدریس و تدرّس:

یکی از پایگاه‌های اصلی برای تدریس آقایان اساتید حوزه مبارکه علمیه، محدوده حرم شریف و مسجد بالاسر و صحن مقدّس و حجرات آن است. این جریان از دیرزمان تا کنون ادامه داده و برنامه‌ای رایج و دایر بوده است، هرچند مراکز مجهّزی برای تدریس - مخصوصاً به لحاظ عدم مزاحمت سروصدا آماده گردیده و در این سالها دروس بسیار مهم و پرجمعیت به آن مراکز سه گانه (60) منتقل شده، لیکن درس گفتن و درس خواندن از محدوده حرم شریف منقطع نگردیده و همواره درس‌هایی برقرار است. در سابق که مهمترین درسها در همین مرکز باقداست برگزار می‌شده است، مثلاً درس مؤسس حوزه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی‌حائری اعلی‌الله‌مقامه در مسجد بالاسر و قبه‌العلماء بوده که بعد هم در همانجا دفن شدند.

نیز محل تدریس مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای سید محمدحجت کوه‌کمری رضوان‌الله‌علیه، در صحن شریف و مسجد بالاسر بوده است و هم‌اکنون عکسی موجود است که آن بزرگوار را بر کرسی تدریس در صحن مطهر و کنار ایوان ساعت، نشان می‌دهد.

مرکز درسی ز عیم‌بزرگ اسلام، مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای بروجردی، بدو تا سالیان سال در مسجد بالاسر و در تابستان، صحن شریف بوده است. عکس آن بزرگ مرد در حال تدریس، برفراز منبر درس، در کنار ایوان ساعت، موجود و در کتابهای منعکس شده است، البته در سال‌های آخر عمر شریفشان که شبستان عالی مسجد خودشان آماده شده در سشان را بدانجا منتقل کردند.

مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بعد از ارتحال سیدالطائفه آقای بروجردی قدس سره درس خارج خود را از منزل و از مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام به مسجد بالاسر در زمستان و به صحن مطهر در تابستان منتقل کردند و عکس‌های متنوع، آن بزرگمرد را در کنار ایوان ساعت بر کرسی درس و در حال تدریس، نشان می‌دهد و در بعضی از این تصویرها صورت سنگ قبرهای صحن نیز که قبل از بازسازی صحن شریف بوده، پیداست و به خوبی مشخص است.

باری، این جریان ادامه داشت تا وقتی که بر اثر ازدحام طلاب و فضلا و شاگردان و جهات‌دیگر، درس خود را منتقل به سالن بزرگ غربی مسجد اعظم کردند. مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای مرعشی رضوان‌الله‌علیه در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها تدریس می‌کردند و تا پایان عمر، این برنامه را ادامه دادند و عکس‌های موجود است که ایشان را در حال تدریس در آن مکان مقدّس، نشان می‌دهد.

## 2- مباحثه‌ها:

مواضع مختلف مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و مسجد طباطبائی - مسجد موزه - و صحن شریف و برخی از حجرات آن غالباً جایگاه مباحثه آقایان طلاب و فضلا است که هر دو نقر، سه نفر یا بیشتر در آن مواضع نورانی سرگرم بحثهای علمی و دینی و مرور و بازگرددن و تکرار نمودن درسهایی که خوانده‌اند، می‌باشند.

## 3- اذان در مقاطع سه‌گانه:

از برنامه‌های نشاطانگیز حرم مطهر، پخش اذان در مقاطع سه‌گانه، یعنی طلوع فجر و مقارن زوال یعنی ظهر و دیگر اول مغرب از بلندگوهای حرم است. صدای روحبخش اذان به وسیله مؤذنان خوش آهنگ، طنین خاصی

دارد، به ویژه هنگام اذان صبح که صوت اذان در سکوت و آرامش محیط و فضا، تا مسافتی دور می‌رود و مردم باایمان را به اقامه نماز دعوت می‌کند و اثر مخصوصی در دل و جان اهل ایمان دارد.

#### 4- پخش مناجات قبل از اذان صبح:

لحظاتی قبل از طلوع فجر و اذان صبح، بلندگوهای حرم مطهر مناجاتی را پخش می‌کند که به وسیله یکی از آقایان خوش‌صدا برگزار شده است. صدای دلنواز مناجات حرم، در آن ساعت اثر معنوی ویژه‌ای دارد و روحانیت خاصی را ایجاد می‌کند و شاید مسافران و زائران کریمه اهل بیت، بیشتر لذت و صفناپذیر این مناجات سحرگامی را درک کنند.

جای تأسف است که به نظر ما این برنامه روحبخش از جهت کم و کیف، کاهش یافته و وضع بسیار عالی سالیان سال قبل از ده یا بیست سال اخیر، رو به ضعف گذاشته است، آنچنان که بنده می‌فهمم وقت آن کمتر و صدای بلندگوها هم ضعیف‌تر است و گاهی در غیر حول و حوش حرم، به گوش نمی‌رسد.

#### 5- نمازهای جماعت در مقاطع سه‌گانه:

یکی از برنامه‌های شکوهمند حرم مطهر، نمازهای جماعت متعددی است که صبح و ظهر و شب در آن مکان مقدس و اطراف و جوانب آن برگزار می‌شود. آنچه برای خود بنده به صورت یک خاطره شیرین از دوران تجرد در ذهنم باقی مانده است، منظره نماز صبح است که اول طلوع صبح، نخست مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی رحمة‌الله‌علیه نماز صبح را برگزار می‌کردند. (61) و با فاصله‌ای اندک می‌رفتند و سپس اذان دیگری گفته می‌شد و نماز جماعت توسط مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای گلپایگانی قدس‌سره برگزار می‌شد و بعد از فراغت ایشان از نماز و خروجشان از مسجد بالاسر، جماعت سوم توسط مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید احمد زنجانی رضوان‌الله‌علیه برگزار می‌شد و در هر جماعتی عده‌ای که تازه آمده بودند شرکت می‌کردند و گاهی بعضی از مؤمنین موفق به شرکت در دو جماعت نیز می‌شدند.

راستی آن صحنه بسیار باشکوه و دیدنی بود و از روحانیت خاصی برخوردار بود، یاد آن ایام و ساعات و لحظات عطرآگین بخیر.

#### 6- دعا:

از فیوضات عالیه حرم مطهر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مراسم مختلف در اوقات مناسب آنهاست که گروه کثیری از ساکنان محترم قم و نیز از زائران حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در آن مراسم روحانی و معنوی شرکت می‌کنند و دعاهای مبارکه و مأثوره، مانند دعای شریف کمیل در شب‌های جمعه و دعای مبارک ندبه در

صبح جمعه و در مواقعی دعای شریف توسل را می‌خوانند و از باشکوه‌ترین مظاهر این برنامه، مراسم دعای عرفه امام حسین علیه‌السلام در عصر روز عرفه است که جمعیت عظیمی با شور فراوان در آن شرکت می‌کنند.

## 7- جشن‌ها:

از جمله فیوضات و برکات این مرکز نور، برپاداشتن مراسم اعیاد مذهبی و اقامه‌جشن‌ها در مسجدبالاسر و احیاناً رواق‌ها و صحن‌هاست. در این مراسم، جمعیت بسیار از زوار و غیر زوار شرکت می‌کنند و به شادی و سرور پرداخته، مداحان آل عصمت، مدیحه‌سرایی نموده، شعرا اشعار نغز خود را ارایه می‌کنند و سخنرانان مذهبی ایراد خطابه کرده و مطالب مربوط به روز خاص و جریان آن روز را ارایه می‌نمایند.

## 8- سوگواری‌ها:

در همه سوگواری‌های امامان معصوم و کلاً خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، مجالس سوگواری و عزاداری برای عزیزان خدا برگزار می‌شود. در ماه محرم و صفر، مجالس عزاداری در آن روضه منوره منعقد است. نوحه‌خوانان، نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی، مرثیه‌سرایی می‌کنند و گاهی تهییجی در مستمعین ایجاد می‌شود که صدای گریه و زاری فضا را می‌گیرد و بالاخره خطبا و وعاظ بر فراز منبر قرار گرفته، پیرامون خاندان رسالت و نبوت با مردم سخن می‌گویند و فضایل و مناقب آن معصومین پاک را برای مستمعین تبیین کرده و ذکر می‌نمایند. در بسیاری از این مراسم یا قسمتی از آنها جمعیت‌های مترکم از مجاورین و مسافریین جمع می‌شوند و آن را به صورت مطلوبی برگزار می‌نمایند.

## 9- زیارت مقابر علما:

زیارت قبور مبارک علمای اعلام و زعمای دینی و رجال بزرگ مذهبی که در حول و حوش قبر مطهر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفونند، از برکات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها و از فیوضات این حرم شریف

است. و شاید این خصوصیات در حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها بیش از حرم‌های شریف امامان بزرگوار، معمول و مرسوم است، زیرا این همه علما و مجتهدین و مراجع بزرگ شیعه در حرم‌های دیگر در کنار هم، آن هم با فاصله مختصری از حرم مطهر به صورت مشخص مدفون نمی‌باشند و این خصوصیات در حرم قم می‌باشد.

و از این رو غالباً کسانی که قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها را زیارت می‌کنند، بلافاصله کنار قبور علمای بزرگوار حضور یافته و فاتحه می‌خوانند و عرض ادب به آن رجال بزرگ علمی می‌کنند. بالاخره زیارت مقابر رجال بزرگ علمی و زعمای گرانقدری که در اطراف و جوانب مضجع منور فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها مدفونند، یادآور زحمات آن بزرگواران در مقاطع خطرناک برای حفظ اصول دینت و صیانت احکام، مقررات و مقدسات دینی است و خود، نوعی قدردانی و حق‌شناسی نسبت به خدمات بی‌دریغ آن عزیزان، تجدید عهد دائمی مردم مسلمان با آن ارواح پاک و پاکیزه است و همه این‌ها در پرتو عنایات حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها می‌باشد.

10- و از برنامه‌هایی که مستقیم از ناحیه مردم در حرم مطهر صحن‌ها انجام می‌شود، آمدن هیأت‌های مذهبی و دسته جات سینه‌زن و زنجیرزن است که در ایام سوگواری خصوصاً در تاسوعا و عاشورا و اربعین و بیست و هشتم ماه صفر و دیگر مناسبات مربوط به امامان و معصومین علیهم‌السلام این مراسم بافروغ و شکوه مخصوص برگزار می‌شود و بالاخره صحن شریف حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و حرم مطهر آن بانوی سرفراز کانون علم و عمل و مرکز نور و هدایت به صور گوناگون است: تدریس، تدرّس، مباحثه، مناجات، دعا، اذان، نماز جماعت، اقامه عزا و سوگواری عزیزان خدا، مراسم جشن و سرور در اعیاد مذهبی، سخنرانی‌های سودمند مذهبی، ارشاد، وعظ و خطابه، قرائت قرآن کریم، ذکر مصیبت امام حسین علیه‌السلام، مدیحه و مرثیه سرایی خاندان عصمت، نشر معارف اهل بیت، آشنایی ملل مسمان جهان با یکدیگر و ده‌ها عناوین افتخارآمیز دیگر از فیوضات این کانون فیض لاینقطع و گسترده الهی است.

در کنار این برنامه‌ها مراسم دیگری می‌باشد که جنبی است و آنها نیز بالاخره بازگشت به الطاف و مرحمت‌های حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها می‌کند. مانند اطعامی که از ناحیه آستانه مقدسه می‌شود و علاقمندان خاندان علی و اولاد علی علیهم‌السلام بر سر سفره ضیافت بانوی عالم، سلام‌الله‌علیها می‌نشینند و بهره‌مند می‌شوند. طبعاً این برنامه هم خالی از مراسم معنوی نیست.

و مانند نذوراتی که تقدیم حرم مطهر می‌شود که ما در این باب سخنی داریم و مطالبی را ذکر خواهیم نمود.

و مانند اتفاقاتی که زائران و واداران نسبت به فقرا و ضعفا و مستمندان دارند که غالباً در خود حرم مطهر و رواق‌ها و صحن‌ها و مساجد متعلقه به نوعی صورت می‌گیرد.

## 11- نذورات و موقوفات:

از جمله مظاهر برازندگی و قداست حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها و موقعیت بسیار رفیع آن بانوی یگانه و پایگاه منبع او در اعماق جان مردم، موضوع نذرهایی است که برای آن مختّره می‌شود و در طول سال و هر روز و شبی به انواع مختلف، جریان دارد.

یکی از کانالهای این نذورات و شاید مهمترین و بیشترین آنها عبارت از نذورات مالی است که به وسیله طبقات مختلف از عالم و عامی و ثروتمند و یا مردم متوسط الحال و احياناً ضعفا و کسانی که خود مشکل مالی دارند، انجام می‌شود.

علاقمندان به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی الخصوص فاطمه معصومه سلام الله علیها احياناً نذورات مطلقه می‌کنند که نذرشان بدون قید و شرط است، ولی غالباً نذرهای مقید می‌نمایند؛ یعنی وجهی را مقید به رسیدن به حاجتشان - مثلاً پیدایش فرزند برای آنان یا مراجعت مسافرشان و یا پیشروی تجارت و کارشان و یا موفقیت در ازدواج و یا تحصیل، یا شفاگرفتن و درمان شدن بیمارانشان یا مرتفع شدن درد و بیماری خودشان و یا آزاد شدن گرفتاران و محبوسینشان و ده‌ها و صدها حاجت و خواسته به مناسبت زمان و مکان - نذر می‌کنند و در بسیاری از موارد به خواسته‌های خود می‌رسند و به برکت فاطمه معصومه سلام الله علیها و در پرتو الطاف بی‌دریغ آن مکرّمه حاجتشان برآورده می‌شود و لذا نذر خود را هم انجام می‌دهند.

و نحوه پرداخت و جوهی که نذر حضرت معصومه سلام الله علیها می‌شود، دو گونه است:

الف: مراجعه به دفتر مخصوص نذورات و صندوق ویژه آن نموده و نذر خود را ادا کرده، وجه مربوط را تحویل می‌دهند که در این مورد همراه با اخذ قبض رسید می‌باشد.

ب: خود نذرکنندگان وجه منذور را به داخل ضریح مبارک می‌اندازند و می‌ریزند و گاهی اگر مثل پارچه یا فرش کوچکی باشد به بالای ضریح می‌اندازند و روی همین جهت بعد از مدتی خدام محترم و یا اشخاص دیگری پس از مراسم خلوت کردن حرم، درب ضریح را؛ بشکاف باز کرده و جوه نذری را بیرون می‌آورند و تحت مراسم خاصی آن را به مصارف مقرر می‌رسانند.

کانال نذورات، کانال بسیار سرشار و پردرآمدی است و مقادیر زیادی مال و جوه از همین رهگذر در هر ماه و سالی در اختیار آستانه مبارک قرار می‌گیرد و این نذورات منحصر به خود مردم شریف قم نیست، بلکه از بلاد دیگر و حتی گاهی از بلاد بعیده و از ممالک خارج نیز این نمونه نذرها انجام می‌شود و مبالغی را تقدیم آستانه مبارک که حضرت معصومه سلام الله علیها و حرم شریف او می‌کنند و آن را با دست خود یا به وسیله دیگران تحویل می‌دهند.

ناگفته نماند که نذورات منحصر به پول و مال نیست و شعب و رشته‌های فراوانی دارد از جمله، گاهی نذر تعمیر حرم شریف می‌شود، که در سابق این جریان زیاده بوده و گاهی نذر نماز و تلاوت قرآن و تقدیم ثواب آن به روح منور حضرت معصومه سلام الله علیها است و احياناً نذر زیارت آن معظمه را می‌کنند و در جای خود انجام می‌دهند. چنانکه گاهی نذر اقامه عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام یا دیگر از معصومان پاک و یا ذکر مصایب خود حضرت معصومه سلام الله علیها می‌کنند و در حرم مطهر یا رواق‌های مجاور، انجام می‌دهند.

اخیراً ورقه‌ای به دست آمد که مربوط به دوران فتحعلی شاه است و حاکی از مرسوم بودند نذر زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در آن زمان بوده است و متن آن این است:

و بعد حاضر گردید عباد و اقل السادة خادم خدام و الامقام سرکار فیض آثار، حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها و علی آبائها آلاف التحية و الثناء "سید محمدبن سید علی الرضوی" در محکمه بندگان عیوقشان عالی جناب مقدس القاب فضائل و فواضل اکتساب حقایق و مارف انتساب، حاوی الفروع و الاصول، جامع المعقول و المنقول، مجتهد العصر و الزمان، میرزائی میرزا علیرضا دام فضلہ العالی، و به عنوان نذر بر خود واجب و لازم و متحتم نمود که از غره شهر رمضان المبارک هذا السنة و مابعدھا مادام الحیاة هر روزی يك زیارت، به جهت بندگان سکندر نشان، دارا دربان، ملايك پاسبان، آسمان مکان، سلطان الاعظم و خاقان الاکرم، السلطان العادل فتحعلی شاه، نیابتاً و دو زیارت که ثواب آنها عابد رضوان آشیانان والد و والده حضرت شاهنشاهی روحی فداه نماید و صیغه نذر را جاری ساخت که هرگاه العیاذ بالله بدون عذر شرعی خلاف نذر به عمل آمد، مبتلا به کفاره حنث نذر گردد.



و این چند کلمه به رسم یادداشت قلمی و تحریر شد و به نظر مبارك واقفان انجمن حضور معدلت دستور رسیده که به علاوه احتیاط از گرفتاری کفار چنانچه تساهل و مسامحه نماید، مورد مؤاخذه و عقوبت حضرت شهریار باشد.

## 7 رجب المرجب من شهر 1247

و در ذیل، مهر و امضائی است و بر بالای آن صفحه دو نفر از علما امضا و مهر کرده‌اند، یکی از آنها نوشته است: قَدْ جَرَّتِ الصَّيغَةُ عِنْدِي. و دیگری چنین نگاشته است: قَدْ تَقَوَّهَ صَيغَةَ النَّذْرِ بِمَحْضَرِي.

و اما موقوفات:

شدت نفوذ و قداست حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها چنان است که از دیرزمان، اموال فراوان از منقول و غیر منقول به وسیله اشخاص خیر و باایمان بر آن حضرت وقف شده است. اراضی بسیار و خانه‌های متعدّد، مغازه‌های بیشمار، باغ، بستان‌های عدیده امروز در قم و چه بسا در جاهای دیگر است که وقف بر آن بانوی بزرگ می‌باشد و وقفنامه‌های بسیار و صورتهای وقف فراوان با مهر و امضاهای بسیار مهم و معتبر در دسترس است، به طوری که می‌توان به صورت کتابهای بزرگ و متعدّد در آورد و قسمتهایی از آنها در کتابهای مربوطه چاپ شده است.

## محدثه آل محمد علیهم السلام

یکی از فضایل و مناقب بزرگ حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها محدثه بودن آن بانوی بزرگوار است. بضعه موسی بن جعفر علیه السلام روایاتی نقل فرموده و کلمات گرانبهای خاندان وحی را به علاقمندان منتقل کرده‌اند و از این رهگذر نیز اهل ایمان را متنعّم و بهرمند ساخته است و این هم خود یکی از جهاتی است که مار را رهین منت بانوی جهان، حضرت معصومه سلام الله علیها قرار می‌دهد.

و ما در این مقام چهار مورد را که حضرت فاطمه معصومه در سند روایت قرار گرفته و آن حضرت ناقل روایت می‌باشد ذکر می‌کنیم و آن چهار مورد، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث معراج و حدیث شهید بودن محبان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است.

2و1- علامه بزرگ و مجاهد و مورد تأیید الهی مرحوم علامه آقای میرزا عبدالخسین امینی اعلی الله مقامه به سند مفصّلی که همه سلسله سند از عامه و اهل سنت‌اند، از شخصی به نام بکر بن احمد قصری نقل کرده که او گفته است:

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَاتُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ رَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ أَنْسَبْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (62)

یعنی حدیث کردند برای ما دختران موسی بن جعفر، فاطمه و زینب و امّ کلثوم و آنان گفتند: فاطمه دختر امام صادق علیه السلام برای ما نقل نمود و او گفته است: که فاطمه دختر امام باقر نقل کرد که فاطمه دختر علی بن حسین از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و آنها از امّ کلثوم دختر فاطمه، دختر پیامبر و او از فاطمه دخت رسول الله بیان داشت که فرمود: آیا گفتار پیغمبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هرکس من مولای اویم علی مولای اوست. و از یاد بردید سخن پیامبر را که فرمود: تو - یا علی - نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی علیهما السلام می باشی؟!

3- علامه نامدار، مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه از کتاب مسلسلات، با ذکر سلسله سند از بکرین احنف نقل کرده که او نیز از فاطمه دختر حضرت رضا علیه السلام نقل نموده که گفته است: حدیث کرد مرا فاطمه و زینب و ام کلثوم، دختران موسی بن جعفر علیه السلام و آنان گفته اند که حدیث کرد ما را فاطمه دختر امام جعفر صادق علیه السلام و او می گوید: حدیث کرد مرا فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام و او نقل کرده از فاطمه دختر علی بن حسین علیه السلام و ایشان فرموده اند: حدیث کرد مرا فاطمه و سکینه دختران حسین بن علی علیه السلام از ام کلثوم دختر علی علیه السلام، از فاطمه دختر رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود:

شنیدم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند، داخل بهشت شدم. در آنجا قصری بود از درّ سفید و مجوّف و دری داشت مزین به درّ و یاقوت بود و بر آن در پرده ای بود. پس سر را بلند کردم، دیدم بر آن درب نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم و بر آن پرده مکتوب بود: بَحَّ بَحَّ مَنْ مَثَلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ؟ به به، چه کسی همچون شیعه علی خواهد بود؟!

آنگاه من داخل شدم قصری را دیدم از عقیق سرخ مجوّف و در آن از نقره مزین و زبرجد سبز بود و بر آن پرده ای بود. پرده را بالا زدم. بر آن نوشته بود: محمد رسول الله، علی وصی المصطفی: محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسول خداست و علی وصی پیامبر می باشد. و بر آن پرده نوشته بود: بَشْرُ شِيعَةِ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْوَلَادَةِ؛ بشارت ده شیعه علی را به پاکی ولادت!

من داخل آن قصر شدم. ناگهان قصر دیگری از زمرد سبز مجوّف نمودار شد که من نیکوتر از آن ندیده بودم و برای آن قصر دری بود از یاقوت سرخ مزین به لؤلؤ و بر آن در، پرده ای بود. پس سرم را بالا نموده، دیدم بر آن پرده نوشته بود: شیعه علی هم الفائزون؛ شیعیان علی علیه السلام سعادت مند و رستگارند.

من گفتم: حبیبم جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: یا محمد برای پسر عمّ و وصی تو علی بن ابی طالب علیه السلام، مردم همه در روز قیامت عربان و پابرهنه اند، جز شیعه علی و مردم به نامهای مادرانشان خوانده می شوند، جز شیعه علی علیه السلام که به نام پدرانشان خوانده می شوند.

گفتم: حبیبم جبرئیل! این مطلب چگونه است؟ گفت: زیرا آنان علی را دوست داشتند، پس ولادت آنان پاکیزه است و پدری معلوم و مشخص دارند، لذا به نام آنها خوانده می شوند. (63)

4- علامه محدث شیخ محمد بن محمد بن احمد داغستانی، در کتاب اللؤلؤة الثمینة فی الآثار المعنعة المرویة که در سال 1306 ه'ش در مصر چاپ شده از فاطمه بنت الحسین الرضوی نقل نموده است و او از فاطمه دختر محمد الرضوی از فاطمه دختر ابراهیم رضوی از فاطمه دختر حسن رضوی، از فاطمه دختر محمد موسوی، از فاطمه دختر عبدالله علوی، از فاطمه دختر حسن حسینی، از فاطمه بنت ابی هاشم حسینی، از فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع، از فاطمه دختر احمد بن مبرقع، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی الحسن الرضا

علیه‌السلام، از فاطمه دختر موسی بن جعفر، از فاطمه دختر جعفر بن محمد صادق، از فاطمه دختر محمدبن علی باقر، از فاطمه دختر علی بن الحسین سجّاد زین العابدین، از فاطمه دختر ابی عبدالله الحسین، از فاطمه دختر امیرالمؤمنین، از فاطمه بنت رسول الله علیه‌السلام که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: **أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا؛ (64)** آگاه باشید هرکس که بر محبت و دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

و طبق نقل، این روایت را فاطمیات خوانده‌اند؛ زیرا راویان آن جز یکی دو نفر، همه فاطمه‌نام می‌باشند.

باری، بر اساس مطالب این بخش، بضعه موسی، حضرت معصومه علیها‌السلام بانویی عالمه و محدثه از خاندان عصمت و طهارت محسوب می‌شوند و علاوه بر فضایل ذاتی و واسطه فیض ربوبی بودن، وساطت در رساندن اخبار و احادیث شریفه به دست شیعه نیز دارند و باید محدثین بزرگ و اهل روایت، فخر و مباهات کنند که همچون حضرت معصومه علیها‌السلام، حبیبه خدا، جزء محدثین و راویان اخبار و ناقلان روایات می‌باشند. چنانکه پیش از او فاطمه بنت الحسین علیها‌السلام و بعضی دیگر از فواطم خاندان پیامبر، افتخار بزرگ محدثه بودن را داشتند و از همه مهمتر جدّه گرانقدر حضرت فاطمه‌معصومه علیها‌السلام یعنی حضرت فاطمه زهرا صلوات‌الله‌علیها محدثه و اهل حدیث و روایت بودند و در این عمر کوتاه خود، مطالب و روایات بسیاری را از پدر بزرگوارش حضرت خاتم النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت فرموده‌اند که در کتب مربوطه ثبت و ضبط است.

آری، شیعه افتخار دارد که در بین طبقه بانوان، زنانی باجلالت‌قدر و فخامت‌شان، مانند حضرت زهرا و حضرت فاطمه‌معصومه علیهما‌السلام دارد که احادیث و کلماتشان، راهگشای زندگی انسانهاست.

## فاطمه‌معصومه سلام‌الله‌علیها شفیعه روز جزا

یکی از معتقدات شیعه و از مباحث کلامی، موضوع شفاعت است که اصل آن از قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود.

پیروان مکتب تشیع و دادادگان خاندان پیغمبر علیهم‌السلام با اتکای به آیات کریمه قرآنی و روایات شریفه، این موضوع را حتمی دانسته و بدان اعتقاد قلبی دارند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

**وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ (65)** پاسی از شب را از خواب برخیز و به قرآن و نماز بگذران. این یک وظیفه اختصاصی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی قابل ستایش برساند.

در تفسیر آیه از اهل بیت عصمت علیهم‌السلام آمده که مقصود از این مقام محمود، مقام شفاعت است. (66)

شفعاء یوم‌القیامه متعدّدند و در رأس همه، رسول خدا، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشند. چنانکه علاوه بر آیه فوق روایات متعدّد دلالت بر این موضوع دارد و نیز ائمه طاهرین، جزء شفعاى عندالله می‌باشند و این مقتضای آبرومندی آنان در نزد خدای تعالی و رافت آنان نسبت به بندگان خداست و در زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌خوانیم: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ... بارخدا! شفاعت حسین علیه‌السلام را در روز ورود بر خودت روزیم**

فرما.

بالاخره در طبقه مردان، انبیا و اوصیا و ائمه طاهریں و برخی دیگر شفاعت می‌کنند و نیز در میان زنان و طبقه بانوان کسانی هستند که دارای مقام والای شفاعتند و شخصیت‌های گرانقدری که به اذن‌الله‌تعالی در قیامت، شفاعت می‌کنند.

و آنچه که در اینجا مسلم است، اینست که دو معظمه دوران و افتخار بانوان جهان، دو شخصیت بی‌نظیر فاطمه نام، یکی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه‌زهره را صلوات‌الله‌علیها و علی‌اینها و بعلها و بنیها و دیگری کریمه آل محمد و بضعه حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام صاحب مقام شفاعتند.

آنچه که حکایت از مورد اول می‌کند، روایات بسیاری است که در ابواب معاد و قیامت و نیز در ابواب فضایل حضرت فاطمه‌زهره علیها‌السلام

رسیده است و از جمله روایت جابر از حضرت باقر علیه‌السلام است که در یکی از فقراتش آمده است: ای جابر! والله که فاطمه شیعیان و محبان خود را التقاط می‌کند آنگونه که مرغ دانه‌های خوب و سالم را از میان دانه‌های بد، جدا نموده و انتخاب می‌کند. (67)

و اما راجع به حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام بعضی از روایات که از خاندان پیغمبر نقل شده، صریح در این معناست. چنانکه سید عالم شهید مرحوم قاضی نورالله شوشتری رضوان‌الله‌علیه نقل فرموده است که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: "آگاه باشید که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حرمی است و آن مدینه است. آگاه باشید که برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان من، بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم کوفه کوچکی است. آگاه باشید که برای بهشت هشتاد است که ستهای آن به سوی قم مفتوح می‌باشد."

بعد فرمودند: تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي وَاسْمُهَا فَاطِمَةٌ بِنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ (68)

در سرزمین قم، زنی از فرزندان من که نام او فاطمه و دختر موسی بن جعفر است از دنیا خواهد رفت و شیعیان من همگی به برکت شفاعت او داخل بهشت خواند گردید.

و نیز در زیارت آن مکرّمه سلام‌الله‌علیها که خود از امام علیه‌السلام، مأثور است می‌خوانیم: يَا فَاطِمَةُ اِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ... ای فاطمه! برای من در مورد بهشت، شفاعت کن... بنابراین، حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها همچون جدّه معظمه‌اش فاطمه‌زهره را سلام‌الله‌علیها از شفعاى محشر است.

آنچه در اینجا بسیار قابل توجه است این است که برحسب ظاهر روایاتی که در دو مورد، ذکر شد، نه تنها آن دو حبیبه خداوند، صاحب مقام شفاعتند، بلکه شفاعت آنان در سطحی وسیع و گسترده می‌باشد. چنانکه در روایت مربوط به حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها کلمه "أَجْمَعِهِمْ" به کار رفته که کاملاً ظاهر در این است که همه شیعیان به شفاعت آن بزرگوار می‌رسند و عامّه شیعه از آن بهره‌مند و برخوردار خواهند گردید.

این تعبیر، بسیار ارزشمند است، زیرا از يك سو مقام والای حضرت فاطمه بنت موسی را ابراز می‌دارد که شفاعت آن حضرت نوع خاصی از شفاعت است؛ گروهی نیست و طایفی نمی‌باشد، بلکه فراگیر و عمومی است و به کافه شیعه خواهد رسید.

و از دیگر سو تعبیر امیدبخش و فرح‌انگیز است و نور امید در دل‌های همه شیعیان ایجاد می‌کند. شفاعت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها شعاع رحمت و اسعه الهیه است که همه را زیر پروبال خود خواهد گرفت.

بنابراین اگر در زیارت آن مکرمه بی‌بدیل می‌خوانیم: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنّة و درخواست شفاعت از آن خزینه رحمت الهی می‌کنیم، تقاضایی بجا و بمورد است که او صاحب شفاعت کبری و تامّه است و دامنه شفاعتش آن قدر گسترده و وسیع است که به هرکسی که در زیر لوای مقدّس تشیّع باشد خواهد رسید.

بله! در اینجا نباید يك مطلب را از یاد برد و آن این است که در همان روایت مخصوص، می‌فرماید: "شیعیان من به شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید" و اکنون باید همه در حال خود فرورویم و بنگریم که آیا در زمره شیعیان امام صادق علیه‌السلام هستیم؟ و آیا این عنوان و واژه درباره ما صادق است؟ و آیا آن امام بزرگوار، تشیّع ما را امضا می‌کند؟ اگر خدای نخواستہ این مطلب مورد تردید قرار گرفت یا این عنوان منتفی شد، حکم و اثر آن نیز در پی آن منتفی خواهد گردید. ملاک شیعه بودن را ما خود نمی‌توانیم تفسیر کنیم و به دست بدهیم، ملاک آن طبق تفسیر خاندان پیغمبر علیهم‌السلام باید در عمل روشن گردد و عمل ماست که معیار تشیّع ما خواهد بود.

بالاخره فیض، فیضی مستعدّ است و اقتضای شمول آن نسبت به همه افراد شیعه، محقق است. اکنون بکشیم که حداقل در ردیف ضعیف شیعه - از نظر فکر و عمل - باشیم تا مشمول لطف عمیم حضرت فاطمه‌معصومه سلام‌الله‌علیها قرار بگیریم.

## تکریم حریم قم و حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها

قم از آغاز امر و خصوصاً از هنگام ورود حضرت فاطمه بدان سرزمین و دفن بدن مطهر آن بانوی بزرگ در این خاک، قداستی خاصّ داشته و مورد احترام ویژه بوده است. چنانکه حرم مطهر، قبه سامیه، بقعه‌منوره و صحن شریف حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها از احترام خاصّ عموم طبقات برخوردار بوده است و چنین در ذهن دارم که در طول سالیانی که در قم مشرف می‌باشم، احياناً دیده‌ام مؤمنان پاکدلی را که برای ورود به صحن و تشرّف به حرم مطهر، از محلّ ورود خود را پابرنه کرده و برای زیارت، مشرف شده‌اند.

شهرستان قم مورد احترام طبقات و حتی سلاطین بوده است، چنانکه مسلم است که بعضی از فراریان از دستگاه‌های حکومتی در ادوار مختلف، رو به قم کرده و پناه به آن می‌آورده‌اند.

یکی از نویسندگان می‌نویسد: به پاس حرمت این سرزمین که حرم اهلبیت معصومین نامیده شده، حضانت آن مورد تأیید کلیه سلاطین گردیده بود، تا جایی که پادشاه متعصب و مقتدر حنفی، یعنی اتابک ستم‌زبان قائم از هم در نیمه قرن ششم، شهر قم را به عنوان مهد امنیت شناخته، حضانت آن را محترم می‌شناخت. از این روی، کمتر زمانی بود که قم مجمع وزرای مغضوب و امرای منکوب و رجال شکست خورده سیاسی نباشد. ولی در عصر صفویه، محیط بست به مرافق آستانه تخصیص یافت و عمارت ساروتقی به جای دارالشفای کنونی مرکز سکونت متحصنین گشته، در همانجا از مطبخ خیرات هم اطعام می‌شدند و از آن پس کلیه پادشاهان ایران هم در رعایت حرمت حرم فاطمه‌معصومه سلام‌الله‌علیها از نظر حفظ‌حضانت کوشا بودند. (69)

و هم او از قول بعضی از سیاحان خارجی نقل کرده است که این شهر ار معمولاً دارالامان می‌گویند، ولی این کلمه نسبت به عیسویان یا پیروان سایر مذاهب، صدق نمی‌کند، بلکه فقط دارالامان بزمکاران و جانیان است که برای فرار از مجازات به این شهر می‌آیند و در زیر دیوارهای مقبره، پناهنده می‌گردند. (70) و گویا مطلبی را که این نویسنده محترم از پادشاه حنفی نقل کرده است مستند به نوشته ملک الوعاط شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، دانشمند بزرگ قرن ششم هجری است. او کتابی ارزنده به نام "النقض" در ردّ نوشته گمراه‌کننده بعضی از علمای عامّه، به نام "بعض فضایح الروافض" نوشته و چون آن گمراه گفته است: در هر شهری که رافضیان (شیعیان) غلبه دارند، دین و شریعت را آنجا جمال رونقی نباشد و بعد به قم و بعضی از شهرهای شیعه مثال زده است. ایشان در جواب

او فصل مشبعی راجع به آثار فراوان و روشن دیانت در قم بحث کرده تا بدینجا که می‌گوید: در این تاریخ که این نقض را می‌نویسم، مثالی رسیده از قم که مُقطع قم: غازی عادل صائم‌بن‌فائم از الحرامی ضاعف الله دولته به قم فرستاده است اول این عبارت که اهل قم از خدای تعالی به نزدیک ما ودیعت‌اند. و ما را رعیتی مبارکند و تا قم نامزد و دیوان ما کرده‌اند هر روزه ما رامنزلتی و مرتبتی پدیده آمده است و ما ایشان را به فال کرده‌ایم.

بعد شیخ عبدالجلیل می‌گوید: چون چنین پادشاهی حنفی متعصب، ملحدکش در حق قم و قمیان چنین می‌نویسد، الا از سر بصیرت و حقیقت نباشد چه پادشاه از رعیت، تقیه نکند و هزل ننویسد... (71)

## هتک حریم قم و حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها

احترام مخصوص قم و اجلال ویژه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، از نظر معنوی و در نظر مردم و جوامع از بحث‌های گذشته، روشن گردید. اکنون یادآور می‌شویم که در مواردی شهر قم و یا حرم مطهر آن بانوی جهانی مورد هتک و بی‌حرمتی قرار گرفت.

از مواردی که شهر قم در معرض تعدی، تجاوز و تهاجم واقع شد حادثه هولناک حمله تیمور گورکان است که طبق نقل، این شهر را به کلی ویران ساخت، هر چند در این نقل چیزی راجع به قبه سامیه حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها نیامده است، کما اینکه اصل جریان، نیز مورد تردید واقع شده است.

و دیگر فتنه افغانهاست که در سال 1722 هـ ق این شهر را پس از آنکه رو به آبادی گذاشته بود مورد حمله قرار داده، آن را مجدداً خراب کردند و شقاوت و بی‌رحمی نسبت به ساکنان قم از تیمور بیشتر شد، به طوری که یکی از سیاحان اروپایی که یک قرن پس از حمله افغان‌ها از این شهر عبور کرده می‌نویسد: از شهر آباد قم فقط توده خاکی بر جای مانده است. (72)

و موارد دیگری نیز در تواریخ ذکر شده و گویا رمز این حملات وحشیانه و قتل‌عام مردم قم اشتهار آنان به تشیع و پیوند دل و جان آنان با خاندان علی علیه‌السلام بوده است.

و اما راجع به هتک حریم مقدس حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و شکستن احترام حرم شریف دو مورد را ذکر می‌کنیم:

1- هتک و سوء ادبی که به وسیله شخص رضاخان پهلوی صورت گرفت: بدین بیان که تحویل سال و نوروز سال 1346 شمسی که مصادف با ماه مبارک رمضان بوده، زنان و دختران فاسد او بدون ساتر و پوشش وارد آستانه مقدس شده، بی‌شرمانه در غرفه بالای ایوان آینه که در صحن بزرگ قرار دارد جای گرفته و مشغول تماشای مردم بودند و یکجا، حرمت ماه مبارک رمضان را شکستند و هم احترام مخصوص مکان مقدس و آستان ملک‌پاسبان بانوی اسلام را از بین بردند.

مردمان علاقمند به دین، از این ماجرا ناراحت شده و مطلب را به مرحوم شیخ محمدتقی بافقی رحمه‌الله‌علیه رساندند. او که انسانی بسیار غیرتمند بود، به آنان پیغام فرستاد که شما اگر بر غیر دین اسلامید، در این مکان شریف چه کار دارید و اگر مسلمانید چرا بی‌حجاب و با سر و موی باز در حضور چندین هزار نفر در غرفه نشسته‌اید؟ مردم هم سر و صدا کردند.

شیطان صفتان آتش افروزی نموده، خانواده سلطنتی را مرعوب ساخته اظهار داشتند که این آخوند، مردم را تحریک کرده که شما را اذیت کنند. آنها تحت تأثیر این تحریکات واقع شده تلگراف تحریک آمیزی به دربار کردند و در پی آن تلگراف پهلوی با عده زیادی از افراد ارتش حرکت کرده به قم آمد. اطراف صحن به فرمان او محاصره شد و خود برای گرفتن آن عالم محترم وارد صحن شد و با کفش وارد ایوان حرم مطهر گردید و به تیمورتاش فرمان داد که او را احضار کند.

آن خائن با کمال بی ادبی با کفش به مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها رفت و آقای بافقی که به رسم همه روزه مشغول موعظه بود را گرفته و او را بیرون کشید و در ایوان آینه نزد آن طاغوت از خدا بی خبر آورد و او تا چشمش به این روحانی پاک افتاد، با شدت بغضی که داشت شروع به فحش و جسارت و گفتن کلمات کفرآمیز کرد و عمامه او را به گردنش انداخت و با حربه‌ای که در دست داشت به سر و صورت او زد و با لگد وی را به زمین انداخت و لگدهای زیادی به شکم و پهلوی او زد و او پیوسته می‌گفت: یا صاحب الزمان!

آری، این هتک بزرگ را در جلو قبر مبارک حضرت معصومه سلام الله علیها کرد و آن عالم پرهیزکار را در آن مکان مقدس که جای امن بود، بدانگونه مورد ضرب و شتم و آزار قرار داد و آن وضع وحشت‌بار را در محل نزول فرشتگان آسمانی به وجود آورد.

و تازه دستور داد او را به تهران ببرند و مأموران خبیث آن روحانی محترم را با توهین فراوان و آزار بسیار به تهران بردند و در زندان شهربانی کل، زندانی کردند. شش ماه زندانی بود و بعد او را به حضرت عبدالعظیم بردند و او در آنجا به صورت اقامت اجباری، سکونت یافت تا در سال 1365 هـ.ق از جهان درگذشت و جنازه شریفش را به قم حمل داده و در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها و نزدیک مدفن مرحوم آیت الله العظمی آقای حایری دفن کردند.

نویسنده محترم شرح حال ایشان مرحوم آقای شیخ محمد رازی رحمه الله علیه دو خواب را نقل می‌کند که یکی راجع به حادثه هولناک ضرب و شتم و حبس کردن مرحوم بافقی است و دیگری راجع به آزاد شدن ایشان و چون از رؤیاهای صادقه است هر دو را نقل می‌کنیم:

الف - یکی از سادات عظام و اخیار قم، حکایت کرد که یک شب قبل از حادثه، خواب دیدم که در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها ایستاده و مشغول به گریه و زیارت می‌باشم. ناگاه دیدم جمعی به زی جباریه و فساق آمده، ضریح آن حضرت را برداشتند و بعد قبر مطهر حضرت معصومه را خراب و بدن او را بیرون آورده و بردند و من هر چه جزع کردم که بدن حضرت را کجا می‌برید التفاتی به من نمودند. صبح آن روز خواب خود را برای آقای شیخ مهدی مجتهد و جمعی دیگر نقل نمودم. آنان گفتند: پیش آمد بزرگی خواهد شد.

اتفاقاً شب بعد آن قضیه رخ داد و آقای بافقی را به تهران بردند و خواب من تعبیر شد و دانستم که ایشان چقدر ارتباط با حضرت معصومه سلام الله علیها دارند. (73)

ب - مرحوم سید مرتضی قمی معروف به ساعت‌ساز گفت: چون ایام زندان آقای بافقی به طول انجامید و خبری از او نبود، من بی‌اندازه مضطرب بودم. تا شبی در خواب دیدم که حضرت بقیة الله صاحب الامر صلوات الله علیه از سمت قبله می‌آید، در حالی که سوار اسب نجیب عربی است و خطی بر دست گرفته و نیزه خود را حرکت می‌دهد و از شدت سرعت، گویا در فضا راه می‌پیماید و به صدای بلند از جوزه فارسی می‌خواند و از ابیاتی که شنیدم می‌خواند این بود:

- باز آدمم موسی صفت از خود یدببضا کنم فرعون و قومش سر به سر مستغرق دریا کنم
- فرعون و قومش سر به سر مستغرق دریا کنم فرعون و قومش سر به سر مستغرق دریا کنم

آمد تا رسید روی پل یا محاذی پل رودخانه و رو را به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها گردانید و با حال گریه فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا عَمَّتَا الْمَظْلُومَةَ، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا هَتَّكُوا حُرْمَتَكُمْ وَ كَسَرُوا أَحْسَنَكُمْ

یعنی سلام بر تو ای عمه مظلومه من، خدا لعنت کند کسانی که هتک حرمت تو را کرده و قلعه محکم تو را شکستند - اشاره به آن ظالمین که با کفش، قدم جسارت در حرم او گذارده و دوست او را توهین و اذیت نمودند و پس از این سلام، مانند برق لامع، به طرف تهران رفت و من در خواب گمان می‌کردم که به شهر می‌آید، از دیدم این صحنه خوشحال از خواب بیدار شدم و به اهل خانه گفتم: ایشان از زندان خلاص شد، گفتند: تو از کجا می‌گویی؟ گفتم: خواب دیدم که امام زمان عجل الله فرجه به طرف تهران برای خلاصی او می‌رفت.

اتفاقاً روز دیگر خبر رسید که همان روز، از زندان بیرون آمده است. (74)

2- هتک حرمت و بی‌حرمتی که از سوی عمال محمدرضا شاه پهلوی صورت گرفت و آن جریان تأسفانگیز حمله اشرا و مزدوران رژیم به مدرسه فیضیه بود. اتفاقاً آن هم دوّم فروردین 1342 و مصادف با روز شهادت حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بود. آن روز از سوی مرجع بزرگ، مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی رضوان الله علیه مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه برقرار بود، جمعیتی بسیار عظیم در آنجا گرد آمده و جلوی منبر یعنی مابین حوض بزرگ سابق تا جلو درب کتابخانه را کماندوها و مأمورین شاه اشغال کرده بودند. در اثنای سخنرانی واعظ شهیر مرحوم آقای حاج انصاری قمی رضوان الله علیه آن جنایتکاران شروع به اخلاص گری و به هم زدن نظم مجلس کردند، گاهی با صلوات‌های بی‌مورد و زمانی با سردادن شعار، ایجاد اغتشاش کردند تا بالاخره کنترل مجلس را از دست گوینده گرفتند، ایستادند و شعارهای شرک‌آلود خود را علیه علمای دین و به نفع شاه و خاندان پهلوی سردادند و بعد دیوانه‌وار به جان طلاب، علما، محصلین و مردم مسلمان افتاده هرکس را که به دستشان می‌افتاد محکم می‌زدند، صحنه چنان بود که قابل توصیف نیست و آنچه بنده خود دیدم به وصف نمی‌آید. و بالاخره عده زیادی را مجروح و مصدوم ساختند و آن ماجرا کشته‌ای نیز بر جای گذاشت.

قابل توجه است که مدرسه فیضیه متّصل به صحن عتیق حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است و بالاتر آنکه دری از درهای مدرسه به آن صحن مبارک باز می‌شود و اتفاقاً آن در درست محاذی با ایوان طلا و حرم مطهر و قبر منور حضرت فاطمه بنت موسی علیهما السلام است.

و بعضی از نویسندگان محترم و اهل تحقیق گفته‌اند: این مدرسه تا قرن یازدهم به نام مدرسه آستانه، موسوم بوده و تا این اواخر هم مردم قم، آن را مدرسه صحن نیز می‌گفتند. (75)

بنابر این جنایت مزبور درست پیش چشمان حضرت معصومه سلام الله علیها و در حرم امن و امان آن بانوی بهشتی به دست عمال پهلوی، صورت گرفت و حرمت آن حرم محترم را شکستند و در حریم صفیة الله، دختر موسی بن جعفر سلام الله علیها، مرتکب شتم، سب، ضرب و قتل که بزرگترین جنایات است شدند و این حادثه نفرت مردم مسلمان را از آن سفاکان بی‌رحم برانگیخت و مقدمات زوال و اضمحلال آن رژیم منحط را فراهم آورده، زمینه‌ای مساعد برای انقراض آنان گردید و صدق آن حدیث شریف ظاهر شد که فرمود: هر جباری که قصد سوء درباره قم کرد، خداوند او را در هم شکست و نابود گردانید.

آری، هتک مستقیم و سوء ادب آشکار به قبر منور فاطمه معصومه سلام الله علیها و شکستن حرمت مسلم آن بانوی دو سرا به وسیله پدر و پسر بی‌ایمان صورت گرفت. یکبار پدر این اقدام غیر انسانی را کرد و بار دوّم، پسر این برنامه ننگین را انجام داد و بالنتیجه این پدر و پسر ننگ هتک حرمت بانوی بهشتی و بی‌احترامی به مهبط انوار الهی و فرشتگان آسمانی را برای خود کسب کردند و علاوه بر عذاب الیم و دردناک پروردگار فصاحت و رسوایی این عمل را برای خود خریدند و به جای آن همه اجلال، احترام، بنا، تعمیر و تقدیسی که از سلاطین صفوی و قاجار نسبت به آن بانوی بهشتی صورت گرفت، این دو موجود بخت‌برگشته دست به چنین اقدام زشتی زدند و لعن و



نفرین مردم مسلمان و دلدادگان حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها برای ابد متوجه آنان گردید و این است عاقبت ستمگرانی که به حریم قدس ناموس خدا و دخترگر انقدر حضرت موسی بن جعفر علیها السلام اهانت کنند.

## بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم

برای قم و مردم قم افتخارات فراوانی است.

از جمله افتخارات آنان این است که اول کسانی که برای امامان معصوم، خمس فرستاده‌اند و از جمله آن‌ها اینکه بعضی از آنان مورد اکرام و احترام خاص ائمه علیهم السلام قرار گرفته، انگشتر یا خلعتی از ناحیه آن بزرگواران به آنها عطا شده است.

و از جمله اینکه بعضی از امامان علیهم السلام جماعت بسیاری از آنان را اکرام کرده، هدایا و تحفی به آنها عطا فرموده‌اند و به بعضی از آنان کفن داده، یا کفن بری آنها فرستاده‌اند.

به طور کلی شهرستان قم سابقه‌ای بسیار درخشان در ارتباط با علی و آل علی علیهم السلام دارد و در این باب، داستانها نقل شده است که از جمله آنها قضیه دعبل خزاعی است. وی اشعار جالبی راجع به اهلبیت سرود که در حدود صدوبیست بیت است و طبق نقلی، او از حضرت رضا علیه السلام جامه‌ای خواست که آقا پوشیده باشند تا آن را جزء کفن خود قرار دهد. حضرت رضا علیه السلام پیراهنی که در تن داشتند را در آورده، به او مرحمت فرمودند. مردم قم از این جریان آگاه شدند و از دعبل درخواست کردند که آن را به سی هزار درهم به آنان بفروشد و دعبل نپذیرفت. آنان آمدند و راهی را که او عبور می‌کرد، بستند و به زور آن جبه را از او گرفتند و به او گفتند: اگر می‌خواهی این پول را بگیر و اگر نه خودت بهتر می‌دانی. (76)

او گفت: به خدا سوگند که من از روی رضا و رغبت آن را به شما نخواهم داد و به صورت غصب هم که نفعی از برای شما ندارد و من شکایت شما را به حضرت رضا علیه السلام خواهم کرد. بالاخره با او مصالحه کردند که سی هزار درهم و یک آستین پیراهن از ناحیه آستر به او بدهند و بر این مطلب توافق کردند و به او دادند و او راضی گردید و دعبل آن آستین پیراهن حضرت رضا علیه السلام را در کفن خود قرار داد. (77)

و اینک به ذکر اسامی چند نفر از مفاخر و رجال بزرگ علمی و مذهبی قم از قدما و متأخرین می‌پردازیم و شرح حال مختصری از آنان را ارائه می‌دهیم.

## 1- زکریابن آدم قمی

او از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام است و حضرت رضا علیه السلام نکاتی راجع به او فرموده‌اند که حاکی از اوج مقامات علمی و معنوی اوست.

علی بن مسیب می‌گوید: "به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: مسافت من بسیار زیاد و راه من دور است و برایم فراهم نیست که هر زمان بخواهم به حضور شما برسم. بنابراین از چه کسی معالم دین خود را فراگیرم؟ فرمود: از زکریابن آدم قمی که مورد اعتماد بر دین و دنیا است. علی بن مسیب می‌گوید: چون به وطن خود بازگشتم به حضور زکریابن آدم رسیده و همه مسائلی که مورد نیازم بود از او پرسش کردم. (78)

محمد بن اسحاق و حسن بن محمد می‌گویند: "سه ماه بعد از درگذشت زکریابن آدم به سوی حج رفتیم، در اثنای راه نامه حضرت رضا علیه السلام به دستمان رسید و در آن نوشته بودند: یاد جریانی کرده بودید که از قضای الهی در مورد آن مرد از دنیا رفته - زکریا - صورت گرفت. رحمت خدا بر او باد که در آن روز که به دنیا آمد و روزی که از دنیا رفت و روزی که زنده شده و مبعوث می‌گردد! پس به حقیقت که او ایام زندگی خود را گذرانید، در حالی که عارف به حق و قایل به آن و صابر بود و مشکلات را به پای حق حساب می‌کرد. به هر چه خدا و رسول واجب گردانیده بود قیام می‌نمود. رحمت خدا بر او باد که درگذشت، در حالی که نقض احکام نکرد و آن را تبدیل نموده و تغییر نداد. پس خداوند پاداش نیت او را بدهد و مهمترین آرزوی او را به وی عطا کند." (79)

زکریابن آدم خود می‌گوید: "به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: من تصمیم دارد که از میان بستگان و خانوادهام بیرون روم. چه آنکه سفها و اهل‌گناه در آنها زیاد شده‌اند. حضرت فرمودند: نه این کار را مکن، زیرا بلا به سبب تو از اهل بیت و بستگان دفع می‌شود، آنچنان که از اهل بغداد به برکت موسی بن جعفر علیه السلام دفع بلا می‌شد." (80)

و در نقلی آمده است که حضرت رضا علیه السلام به زکریابن آدم فرمودند:

"إِنَّ اللَّهَ يَذْفَعُ الْبَلَاءَ بِكَ عَنْ أَهْلِ قَوْمٍ كَمَا يَذْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِقَبْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ راستی که خداوند به وسیله تو از اهل قم بلا را دفع می‌کند، چنانکه از اهل بغداد با قبر موسی بن جعفر علیه السلام بلا را دفع می‌فرماید.

سالی حضرت رضا علیه السلام از مدینه به حج رفتند که زکریابن آدم زمیل؛ یعنی هم محمل حضرت بود تا به مکه رسیدند. (81)

و بالاخره از این روایات استفاده می‌شود که آن بزرگوار در اعلالدرجه وثاقت و اطمینان است.

قبر شریف او در مقبره مبارک شیخان قم، نزدیکی قبر مرحوم میرزای قمی است و در زیر بقعه‌ای قرار دارد که آن بقعه، تجدید بنا شده، نمای خارجی آن را کاشیکاری کرده‌اند.

## 2- زکریابن ادریس یا ابو جریر قمی

گفته شده است که او از حضرت صادق، حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام روایت کرده و کتابی نیز داشته است. (82)

و از زکریابن آدم نقل شده که گفته است: "اول شب وارد بر حضرت رضا علیه السلام شدم و تازه جریان درگذشت ابی جریر واقع شده بود. آقا راجع به او از من پرسش کردند و آنگاه بر او ترحم فرموده و طلب رحمت کردند و همچنان با من سخن گفتند و من با ایشان تا صبح شد و حضرت برخاستند و نماز صبح به جای آوردند." (83)

قبر شریف او در مقبرة الشیوخ، یعنی شیخان قم و نزدیکی قبر زکریابن آدم و میرزای قمی است و گفته شده است که سال رحلتش سال 201، پس از رحلت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بوده است. (84)

## 3- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعید اشعری قمی

او از محدثین اهل قم است. از حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام روایت کرده است و از خواص حضرت عسکری علیه السلام به شمار می رفته و از ایشان نیز روایت دارد. او علاوه بر اینکه از اصحاب سه امام معصومه بوده، به عنوان شیخ القمیین نیز اشتهار کرده است.

دو جریان راجع به این مرد بزرگ نقل شده که هر کدام برای بیان مقام رفیع و شأن والای او کافی است.

1- تشرّف او به حضور امام عسکری علیه السلام و دیدار امام زمان حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله ن بزرگوار:

شیخ صدوق نقل کرده که احمد بن اسحاق گفته است: وارد بر امام عسکری علیه السلام شدم و تصمیم داشتم که راجع به جانشین پس از وفات آن حضرت از وی پرسش کنم. ابتدا به سخن کرده و فرمودند: ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی زمین را از آغاز خلقت آدم از حجت خود بر خلق، خالی نگذاشت و تا قیام قیامت هم خالی نخواهد گذاشت، به برکت آن حجت بلا را از اهل زمین دفع کرده و باران نازل می نماید و برکات زمین را به وسیله او بیرون می آورد.

عرض کردم: ای زاده پیامبر! پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟

حضرت با سرعت برخاسته، داخل اتاق شدند و چون بیرون آمدند، پسر بچه ای بر دوش گرفته بودند که صورتش همانند ماه شب چهارده بود و به کودکان سه ساله می برد. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر به خاطر آن احترام و بزرگداشتی که از طرف خدا و حجت های او داری نبود، من این فرزند خود را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است که زمین را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمدبن اسحاق، مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و مثل ذوالقرنین است. به خدا سوگند چنان غیبتی داشته باشد که در آن غیبت کسی از هلاکت نجات پیدا نکند، مگر کسی که خداوند او را بر عقیده امامت وی ثابت گردانیده او را به دعای تعجیل فرج موفق بدارد.

احمدبن اسحاق می‌گوید: عرض کردم: از مولای من آیا نشانه‌ای هست که قلب من بدان مطمئن شود؟ ناگهان آن پسر بچه به زبان آمد و با زبان عربی فصیح گفت: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ آثَرَ بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ؛ (85)** منم بقیة الله در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، پس بعد از مشاهده عین، در پی اثر نباشد از احمدبن اسحاق!

احمد می‌گوید: من با فرح و شادمانی از نزد حضرت عسکری علیه السلام بیرون آمدم.

2- شیخ صدوق قدس سره حدیث مبسوطی را نقل کرده که در آخر آن آمده است: احمدبن اسحاق در سرمن رأی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پارچه‌ای به جهت کفن خود خواست.

حضرت سیزده درهم به او داده و فرمودند: این را خرج مکن مگر برای مصارف خودت و آنچه را که خواستی هم به تو می‌رسد.

سعدبن عبدالله واری خبر می‌گوید: "چون از خدمت مولایمان مراجعت کردیم و به سه فرسخی حلوان - سرپل ذهاب - رسیدیم، احمدبن اسحاق تب کرد و سخت بیمار شد، به طوری که از او مأیوس گردیدیم و چون وارد حلوان شدیم در کاروانسرای منزل کردیم. احمد فرمود: امشب مرا تنها بگذارید و از این رو هرکس به خوابگاه خود رفت.

نزدیک صبح در فکر افتادم، پس چشم باز کردم که ناگاه کافور، خادم مولایم امام عسکری علیه السلام را دیدم که می‌گوید: **أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمْ وَ جَبَرَ بِالْمَحْبُوبِ رَزِيَّتَكُمْ؛** خداوند، سوگ و عزای شما را به خیر و خوبی قرار دهد و مصیبت شما را با آنچه که محبوب است جبران فرماید و بعد گفت: غسل و کفن رفیق شما، احمد، فارغ شد. اکنون برخیزید و او را دفن کنید، راستی که او عزیزترین شما در نزد آقایان - امام عسکری علیه السلام - است، آنگاه از چشم ما غایب شد." (86)

آری، امام عسکری علیه السلام کافور خادم را با کفن از سامرا به آنجا فرستاده بود تا او را غسل دهد و کفن کند.

#### 4- علی بن ابراهیم قمی

او از جمله روایت امامیه و معاصر با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. مرحوم شیخ کلینی اعلی الله مقامه در کتاب شریف کافی روایات بسیاری را از او نقل کرده و این حکایت از کمال وثوق و اعتماد شیخ کلینی بر آن بزرگوار می‌کند.

آثار متعدد علمی و روایتی از آن بزرگوار باقی مانده و نام برده شده است. (87) لیکن شاید معروفترین آنها کتاب تفسیر اوست که در دو جلد، طبع شده و متکی بر روایات شریفه‌ای است که از طریق پدر بزرگوارش ابراهیم بن هاشم از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام نقل کرده است و چون وسایط بین ایشان و امام معصوم

علیه‌السلام کم است، از ارزش بالایی برخوردار خواهد بود. ضمناً پدر او از اصحاب حضرت رضا علیه‌السلام بوده است.

او در قم از دنیا رفت و دارای قبه شریفی است و نزدیک مقبره شیخان قرار دارد و محل زیارت اهل ایمان و علاقمندان به اهلبیت است.

## 5- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی

آن بزرگوار معروف به ابن بابویه است و از او به عنوان صدوق اول نامبرده می‌شود. رجالی بزرگ و مشهور، نجاشی راجع به او می‌گوید: شیخ القمیین در زمان خودش و متقدم و فقیه و ثقه آنان. او به عراق آمد و با حسین بن روح - وکیل ناحیه مبارکه - ملاقات کرد و مسایلی از او پرسش نمود. سپس با او به وسیله علی بن جعفر اسود، مکاتبه کرد و از او خواست که عریضه‌ای را که به حضرت صاحب علیه‌السلام نوشته بود، به آن حضرت برساند و در آن نامه از آقا خواسته بود که از خدا بخواهند پسری به او عطا فرماید و بعد، جواب از ناحیه مقدسه آمد که ما دعا کرده و خدا را در مورد حاجت تو خواندیم و به زودی دو پسر نیکوکار به تو عطا خواهد شد. و آنگاه دو پسر، یکی ابوجعفر، صدوق معروف و دیگری ابو عبدالله برای او متولد شدند. (88)

و همو حدود بیست کتاب را از آن بزرگوار اسم می‌برد. ولیکن از کلام فرزند برومندش صدوق معروف - بنا بر آنچه که از فهرست ابن ندیم نقل شده - استفاده می‌شود که او دویست کتاب و تألیف داشته است. (89)

ولی مع الاسف آن آثار ضایع شده و چیزی از آنها در دست نیست.

مرحوم علامه اعلی‌الله‌مقامه در مختلف فتاوی او را نقل کرده است و یکی از افاضل حوزه علمیه قم، حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ عبدالرحیم بروجردی رحمه‌الله‌علیه فتاوی او را جمع آوری کرده و به ضمیمه فتاوی ابن ابی عقیل به نام "فتاوی‌العلمین" چاپ و منتشر ساخته است.

فتاوی این بزرگوار از اعتبار خاصی برخوردار بوده و هست به طوری که طبق نقل فقیه طراز اول شیعه، مرحوم شهید اول اعلی‌الله‌مقامه، اصحاب به آنچه که در کتاب شرایع شیخ ابن بابویه رحمه‌الله‌علیه بود، به هنگامی که نصی را در مسأله‌ای نمی‌یافتند، تمسک کرده، فتاوی او را مانند روایت وی به حساب می‌آوردند و این به خاطر حسن ظنی بود که به او داشتند. (90)

در جلالت قدر آن بزرگوار همین بس که حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام در توفیق شریفی که برای او فرستاده در خطاب به او مرقوم فرموده‌اند: یا شیخی و مُعْتَمَدی و فقیهی: ای شیخ من و محل اعتماد من و فقیه من!

گروهی از اهل قم می‌گویند: ما در سال وفات ابن بابویه در بغداد بودیم و علی بن محمد سمری - از وکلای ناحیه مقدسه - پیوسته از ما راجع به ابن بابویه سؤال می‌کرد و ما می‌گفتیم: نامه رسیده و او سالم است و کارهای خود را تدبیر می‌کند. گذشت تا روزی از ما همان پرسش را کرد و ما هم بدانگونه جواب دادیم. او گفت: خداوند در مورد علی بن الحسین - ابن بابویه - به شما اجر و پاداش دهد، چه آنکه او در همین ساعت قبض روح شد.

آنان می‌گویند: ما آن تاریخ را از نظر ماه و روز و ساعت، ثبت کردیم و بعد از هفده یا هجده روز که نامه آمد، خبر داده بودند که آن بزرگوار در همان ساعت از دنیا رفته بوده است. (91)

باری آن عالم جلیل القدر و متقدم در قم که زادگاه و پایگاه اصلی وی بوده، از دنیا رفت و دارای بقعه و بارگاهی است و قبر شریفش زیارتگاه اهل دل و حاجتمندان و علاقمندان است.

## 6- محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق

او در شهرستان قم، تولد یافت و وجود او به برکت دعای حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بود، که به درخواست پدر محترم او از امام علیه السلام صورت گرفت.

و در شرح حالات شیخ صدوق اول، جریان دعای امام زمان را ذکر کردیم و دنبال همان قضیه دارد که شخصی به نام حسین بن عبیدالله گفته است: "من شنیدم که ابوجعفر - شیخ صدوق - می فرمود: من به دعای صاحب الامر علیه السلام ولادت یافتم و بدین مطلب افتخار می کرد." (92)

آن بزرگوار در قم، رشد یافت و از علما و مشایخ عصر خود در قم استفاده وافر برد و به درخواست اهل ری به آنجا مهاجرت کرد، تاریخ مهاجرتشان به صورت مشخص ذکر نشده است، اما طبق استظهاری که محقق جلیل مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی رحمه الله علیه از مواضعی از کتابهای عیون اخبار الرضا و خصال و امالی - که هر سه از تألیفات شیخ صدوق است - کرده اند، مهاجرت ایشان به ری بعد از ماه رجب سال 339 هـ ق و قبل از رجب 347 هـ ق بوده است. (93)

آثار و تألیفات آن مرد بزرگ بسیار زیاد است و ظاهراً در میان علمای امامیه کسی مانند ایشان در کثرت تألیف نداریم.

نجاشی در حدود دو ورق اسامی کتابهای شیخ صدوق را ذکر کرده است.

و در حالات او آمده است که در سال 355 هـ ق وارد بغداد شد. شیوخ طایفه از او استماع حدیث و مطالب می کردند و حال آنکه او خود تازه سال بود. مصنفات او بسیار است و در میان قمیین کسی مانند او در حفظ حدیث و روایت و مطالب و کثرت علم دیده نشده است. (94) مباحثات و مناظرات او بسیار ارزنده است و در مقام مناظره بسیار قوی و نیرومند بوده است.

بر اثر شدت اعتماد علما بر روایات و نقلهایش، اشتها به صدوق پیدا کرد و او را رییس المحدثین خوانده اند.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در جواب یکی از علمای سنی که شیعه را متهم کرده که ایشان را درسی نباشد، می گوید: "... و فضل و بزرگی شیخ کبیر، ابوجعفر بابویه، رحمه الله علیه، را خرد چگونه انکار توان کرد از تصانیف و وعظ و درس و از ری تا بلاد ترکستان و ایلان، اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت او پوشیده نیست." (95)

و در جای دیگر در جواب سخن دیگری از آن منحرف می گوید: " و ابوجعفر بابویه، شیخی بزرگوار است و استناد همه طایفه." (96)

و نیز می گوید: " ابوجعفر الکبیر بابویه، مصنف سیصد مجلد از اصول و فروع." (95)

و بالاخره آن بزرگوار در سال 381 هجری قمری در حالی که عمر شریفش به هفتاد و چندسال رسیده بود از دنیا رفت و قبر شریفش در شهر ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم حسنی می‌باشد و دارای قبّه و بارگاه و حرم و صحن است و دلدادگان مکتب علی آل علی علیهم‌السلام به زیارتش می‌روند و بدان تبرک می‌جویند.

## 7- آخوند ملا محمدطاهر قمی رضوان‌الله‌علیه

او از علمای بزرگ قم در زمان صفویه بوده است.

شیخ حر جبل عاملی او را با عناوین: عالم، محقق، مدقق، ثقة، فقیه، متکلم، محدث، جلیل‌القدر، عظیم‌الشان یاد کرده است. او صاحب تألیفات متعددی بوده است، از قبیل:

1- شرح تهذیب الحدیث

2- حکمة‌العارفین فی ردّ شبه‌المخالفین

3- الاربعین فی فضایل امیرالمؤمنین

4- رساله‌الجمعة

5- الفوائدالدینیة در ردّ بر حکما و صوفیه

6- حجة‌الاسلام و کتابهای دیگر. (98) (98)

و بنا بر نقلی که کرده‌اند، میان این بزرگوار و مفسر نامی، فیض کاشانی رحمة‌الله‌علیه اختلاف در عقیده و نظر بوده و بر او خرده می‌گرفته است.

صاحب کتاب روضات، بعد از نقل این جریان می‌گوید: "گفته شده که او در آخر عمر از عقیده و روش خود برگشت و نسبت به فیض کاشانی خوش‌بین گردید. و بالاخره از قم به عزم کاشان بیرون رفت تا حضوراً از او اعتذار بجوید و تمام این مسافت را با قدم پیمود تا به کاشان رسید و بر در خانه او آمد و ناداد داد: یا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسِيءُ - نام مرحوم فیض، محسن بوده است - ای محسن و نیکوکار، آدم بدکار به در خانه تو آمده است. ملامحسن فیض بیرون آمد و با هم مصافحه و معانقه کردند و هرکدام از دیگری حلّیت می‌طلبید و بعد از آن ملا محمدطاهر بدون درنگ برگشت و فرمود: من از آمدنم از قم بدینجا خواستم هضم نفس و تداخ خود را و اینکه ضوان اللّ بنمایم. (99)

بالاخره این بزرگوار در قم، پایگاه خود از دنیا رفت و در نزدیکی قبر زکریا بن آدم و در بقعه او مدفون گردید.

## 8- شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند

آن بزرگوار، فرزند حاج رجب‌علی قمی از اهل قم بوده و اشتهار به حاج آخوند داشته است. مرحوم آقای شیخ آقابزرگ تهرانی از او به "عالم محقق و فقیه متبحر از اعظم" یاد کرده است.

او از قم برای تکمیل مراتب علمی به نجف می‌رود و دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرده است. بعد از آن در درس مرحوم میرزای شیرازی شرکت نمود و در آخر دو سال هم دورانی که میرزای شیرازی در سامرا تشکیل حوزه داده بود، به سامرا رفت و آنگاه به قم برگشت و مرجع امور مردم گردید و مشغول تدریس و وعظ و اقامه جماعت گردید، تا در شانزدهم ذی الحجه سال 1332 هجری قمری از دنیا رفت (100) و در ایوان آئینه در صحن بزرگ اتابکی، مدفون گردید.

البته در عصر ما علامتی برای قبر شریف او نیست.

آن بزرگوار دارای آثار علمی متعددی است؛ از قبیل:

1- صلاة،

2- صلاة المسافر،

3- اجتماع امر و نهی،

4- مسأله ضد،

5- کتاب قضاء،

6- قلاندالفراند.

در میان این آثار، کتاب اخیر که حاشیه بر فرایند استادش شیخ مرتضی انصاری است، چاپ شده و چندسال قبل به همت نوادگان محترمش به صورت افست، مجدداً چاپ شد و منتشر گردید.

کتاب مزبور، حاشیه‌ای ارزشمند است که در بعضی از مواضع، به تبیین کلمات شیخ پرداخته است و از خاطرات اینجانب در ایام تحصیل و دوران جوانی در مدرسه رضویه، این است که نسخه‌ای از چاپ قدیمی این کتاب در کتابخانه آن مدرسه بود و ما هنگام اشتغال به رسایل، پیوسته بدان مراجعه می‌کردیم و قسمتی از مطالب آن را در حاشیه کتاب رسالتم یادداشت کرده‌ام.

قابل ذکر است که نسخه‌ای از بحث قضای آن بزرگوار در نزد یکی از فضلا بود و بنا بود توسط نوادگان مرحوم آخوند چاپ شود.

مع‌الاسف آنقدر تسویف و تأخیر شد تا آن آقا از دنیا رفت و به کلی قضیه منتفی گردید. آری و فی التأخیر آفات.



## 9- حاج میرزا محمد ارباب

مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا محمد ارباب، فرزند محمدتقی بیگ ارباب در سال 1273 هـ ق در قم و در يك خانواده کشاورز تولد یافت. پس از تعلم مقدمات و سطح، به عتبات عالیات رفت. از محضر مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آقای آخوند خراسانی استفاده کرد و مدتی از محضر افادات مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بهره‌مند گردید.

مرحوم علامه تهرانی او را از تلامذه میرزای شیرازی می‌شمارد و می‌گوید: "حاج میرزا محمد ارباب قمی، با آقا حسن قمی و مولا عبدالله قمی به سامرا آمد و سالهای کمی در آنجا بود، بعد با مولا عبدالله به نجف رفت و سالیانی در نجف بود. آنگاه به قم بازگشت و امروز او در قم از مروّجین و محققین و مصنفین است." (101)

آن بزرگوار دارای تألیف ارزنده‌ای است به نام اربعین حسینی یا چهل حدیث حسینی و آن کتابی است در مقتل و تحقیقات فراوانی پیرامون فضایل و مناقب و مصایب حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و روایات وارده درباره آن حضرت دارند و تا کنون دو بار چاپ شده است و مرحوم تهرانی می‌گوید: "آن را در سال 1328 به نام متولی‌باشی، سید محمدباقر حسینی، که از اولاد علی بن الحسین علیهما‌السلام است، نگاشت."

از خصوصیات و مزایای آن بزرگوار این است که در بزرگداشت مقام ارجمند مرحوم آیت الله العظمی حایری چیزی نگذاشته است، زیرا او به هنگامی که آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم آمده و رحل اقامت افکنده‌اند، خود از علمای برجسته، نافذالکلمه و محترم شهر به شمار می‌رفته است، مع ذلك زعامت آن مرد بزرگ را پذیرفته و با او همکاری نموده و بسیار نسبت به وی تواضع می‌کرده است.

او هر وقت می‌خواست به جایی برود سوار مرکب متداول آن عصر می‌شده است، گاهی که در مسیر خود به آقای حاج شیخ عبدالکریم برخورد می‌کرده، از حیوان سواری خود پیاده می‌شده و ادای احترام می‌نموده است، دوباره سوار می‌شده و به راه خود ادامه می‌داده است.

و نیز مرحوم آقای ارباب منبر نمی‌رفته‌اند، جز در مجلس روضه‌ای که از سول مرحوم آیت الله العظمی حایری به مناسبت سوگواری حضرت زهرا اطهر سلام الله علیها در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها منعقد می‌شده است که استثناء در این مجلس به احترام آقای حاج شیخ عبدالکریم، منبر می‌رفته‌اند. (102)

آن بزرگوار طبع لطیفی داشته و اشعار در مدایح و مراثی اهل بیت علیهم‌السلام می‌گفته است و از جمله اشعارشان قطعه شعر معروفی است در خطاب به حضرت ولی عصر و یادآوری مصایب کربلا که مطلع آن این است:

• چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسند امیدواران  
• به امیدی رسند امیدواران به امیدی رسند امیدواران

و این شعر در بسیاری از مجالس خوانده می‌شود و وعاظ و خطبا و گاهی مداحان، آن را با سوز مخصوص می‌خوانند و اثر خاصی در مستمعین دارد.

آن روحانی بزرگوار و موجه در ماه جمادی الاولی سال 1341 هجری، يك سال بعد از مهاجرت مرحوم حایری به قم، در سن 68 سالگی درگذشت و در قبرستان شیخان قم که مدفن بسیاری از علمای بلندپایه است دفن گردید. رحمة الله و رضوانه علیه.

## 10- مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی

آن بزرگوار فرزند ملامحمدتقی قمی، از اعظام علمای بلده طیبه قم بوده‌اند. او در سال 1281 هجری قمری در قم تولد یافت. مقدمات را در نزد علمای قم مانند شیخ محمدجواد و شیخ محمدحسن قمی فرا گرفت. مدتی نیز در تهران از محضر مرحوم حاج میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده کرد و سپس به عتبات عالیات رفت و از درس بزرگانی مانند میرزا حسن خلیلی و حاج آقارضا همدانی و مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی و مرحوم آقای آخوند خراسانی، اعلی‌المقامهم جمیعاً بهره‌های فراوان گرفت.

از عبارت علامه تهرانی استفاده می‌شود که او در دوران تحصیل در نجف در کمال فقر و تنگدستی بوه و با این وضع ادامه تحصیل داده است تا از علمای بزرگ و برجسته گردیده و به مقام والای اجتهاد نایل شده است. او در سال 1322 ه'ق به زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت نفوس و افتا و امامت جماعت گردید.

او علاوه بر مراتب عالییه علمی، صاحب مقامات معنوی بالایی بوده و عمل وی در تربیت نفوس اثر بسزایی داشته است و این مطلب مسلم است که هنگام ورود مرحوم آیت الله العظمی حایری به قم او رییس مطلق و شخصیت یگانه علمی و دینی قم بوده و حداقل از رؤسا و علمای طراز اول شهر به شمار می‌رفته و با این وصف، با اخلاص عجیبی در برابر آن مرد بزرگ تواضع می‌کرده و در حمایت و پیشبرد زعامت او فروگذار نمی‌کرده است تا بالاخره ریاست و زعامت برای آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری محرز می‌گردد و علی التّحقیق یکی از عوامل مهم در پیشروی مرحوم آقای حایری فداکاری کم‌نظیر آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی بوده است.

شگفتا! او خود مرجع تقلید بوده و چنانکه نقل شده است اکثر مردم قم و نواحی - یا حداقل گروهی از آنان - از او تقلید می‌کرده‌اند و محبوب و مقبول عموم طبقات از مردمان عادی و طبقه فضلاء علما بوده است. به طوری که نقل شده است گروهی او را بر مرحوم آیت الله العظمی حایری ترجیح می‌داده‌اند، علاوه که خود قمی الاصل و اهل این سرزمین بوده است، مع ذلك نه تنها از آمدن آیت الله العظمی حایری به قم و اقامت او باکی نداشته، بلکه ترویج می‌کرده و زمینه استقرار ایشان را فراهم می‌آورده است.

نقل شده که یکی از شاگردان آن بزرگوار پای درس ایشان مطلبی را گفت و برای اینکه بتواند مطلب خود را به ایشان برساند، گفت: حضرت آیت الله! ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

و در نقلی خواندم که در مجلسی شرکت کردند. واعظ با تعبیر حضرت آیت الله... از ایشان تجلیل کرد. ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

از یکی از اعظام و مراجع در گذشته نقل شده که فرمودند: روزی همچنان که پای درس آقای حاج شیخ عبدالکریم نشسته بودیم. ناگهان ایشان از منبر پائین آمدند. همه متحیر شدند که چه شد. بعد دیدیم که آقای حاج شیخ ابوالقاسم آمده‌اند و در درس آقای حاج شیخ به عنوان احترام از ایشان شرکت کرده‌اند و آقای حاج شیخ به احترام ایشان درس را قطع کرده و از منبر پائین آمده بودند.

اجازه و تصدیق اجتهادی از آن بزرگوار برای مرحوم آیت الله آقای میرزا احمدسلطانی جهرمی صادر شده که صورت آن نزد اینجانب موجود است و مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم در ذیل آن نوشته‌اند، آنچه مرقوم فرموده‌اند صحیح است، الاحقر عبدالکریم الحایری.

باری، آن بزرگوار در سال 1353 هجری قمری مطابق با سال 1313 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر، نزدیکی موضعی که بعداً قبر مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم واقع شد، مدفون گردید.

## 11- حاج شیخ مهدی حکمی قمی

او که فرزند آخوند ملاعلی اکبر حکمی است در شهرستان قم و در سال 1280 یا 1281 ه'ق تولد یافته است. مقدمات را در قم و تهران فراگرفته و سپس در سال 1310 ه'ق به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزای بزرگ شیرازی و پس از وفات او در درس مرحوم سیدمحمد فشارکی، حاضر شد و استفاده کرد. سپس به نجف آمد و از درس مرحوم آقای آخوند خراسانی و مرحوم میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود، چنانکه قبلاً علوم عقیده را در تهران از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه فراگرفته بود. بالاخره در سال 1322 ه'ق بازگشت به قم کرد و بر اثر علمیت بالا و مقامات زهد و تقوای معنوی ای که داشت، در نزد عموم طبقات از احترام خاصی برخوردار بود و محل وثوق و اعتماد مردم قرار داشت. در مسجد جامع قم که در قسمت پائین شهر قم واقع است، اقامه جماعت می نمود و عهده دار قضا و فصل خصومات و منازعات بین مردم بود.

و از چیزهایی که راجع به ایشان معروف و مشهور است، جریان عقرب گزیدگان است که به آن بزرگوار رجوع کرده اند و او دعایی می داده یا انگشت بر موضعی که عقرب گزیده بوده می گذاشته و به اذن الله در اسرع وقت درد برطرف می شده است.

ضمناً آن مرد بزرگ در سامرا و در درس مرحوم فشارکی یا میرزای شیرازی با مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه آشنا می شوند و مصاحبت و صمیمیت بین آن دو بزرگوار برقرار می گردد.

و این خود از عوامل زمینه ساز برای مهاجرت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم به قم می شود و نقل شده که در ورود ایشان به قم، نخستین بار آقای شیخ مهدی حکمی پائین شهری، رضوان الله علیه بر اثر سوابق مصاحبت از حوزه سامرا ه میزبانی ایشان پرداختند و خلاصه برای اقامت آقای حاج شیخ عبدالکریم اقدام و همکاری می کرده است و این نکته از افتخارات خاصه است که خداوند نصیب ایشان فرموده و ان شاء الله در اجر و ثواب های حوزه و آثار آن شریکند.

بالاخره آن بزرگوار در مسافرت تابستانی که به محلات داشته اند، در سال 1360 ه'ق از دنیا رفتند و جنازه شریفشان به قم حمل داه شد و ضمن تشییع باشکوهی در رواق حرم، نزدیکی قبر مرحوم آقای حایری مدفون گردید. (103)

## 12- حاج میرزا محمد فیض قمی

مرحوم آقای فیض، رضوان الله علیه فرزند آقامیرزا علی اکبر - از ادبای قم - و از احفای مرحوم ملامحسن فیض کاشانی رحمه الله علیه بوده است. وی در سال 1293 ه'ق در قم به دنیا آمد. مقدمات را در نزد علمای قم، مانند مرحوم آقامیرزا محمدارباب خواند و مدتی در تهران اشتغال پیدا کرد و از محضر مرحوم آشتیانی و دیگران بهره مند گردید و در سال 1317 ه'ق به نجف مشرف گردیده، از محضر مرحوم سید محمدکاظم یزدی، صاحب عروة و مرحوم آقای آخوند خراسانی و نیز شیخ الشریعه اصفهان و محدث بزرگ، حاجی نوری استفاده کرد و در سال 1303 ه'ق به سامرا رفت و مورد توجه و عنایت میرزای دوم آقا میرزا محمدتقی شیرازی قرار گرفت. بعد به قم، زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت طلاب و افتا و امامت جماعت و ارشاد مردم گردید و نسخه ای از مناسک حج ایشان، در نزد اینجانب موجود است.

او در مهاجرت مرحوم آیت الله حایری به قم اقداماتی داشته است که شرح آن در کتاب نفیس گنجینه آثار قم، که اثر فرزند آن مرحوم نویسنده محقق آقای عباس فیض رحمه الله علیه می باشد، آمده است و بالاخره آن بزرگوار در 25 ماه جمادی الاولی سال 1370 هجری قمری، اول اسفند 1329 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و مرحوم آیت

اللّه العظمیٰ آقای بروجردی اعلیٰ اللہ مقامه بر او نماز خواند و در ایوان طلا، صحن کهنه، محاذی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

این نکته، جالب است که فرزند ایشان نقل کرده که وفات ایشان در موقع ادای فریضه و در قنوت، در حالی اتفاق افتاد که جمله *إِلَهِنَا عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ* را به زبان می‌راند. (104)

### 13- حاج آقا حسین قمی

مرحوم آیت اللّه العظمیٰ آقای حاج آقا حسین طباطبایی قمی اعلیٰ اللہ مقامه فرزند مرحوم حاج سید محمود، از علمای اعلام و رجال علمی قم در اعصار اخیر است.

پدر ایشان مرحوم حاج سید محمود از تجار محترم قم بوده است. فرزندان او که همگی از صلحا و اخیار و اکثر آنها از علمای اعلام بوده‌اند، عبارتند از: حاج آقا احمد، حاج سید ابوالقاسم، حاج سید ابراهیم، حاج سید فخرالدین، آقای حاج آقا حسین اعلیٰ اللہ مقامه. لیکن حاج آقا حسین از همه آنان در مقامات علم و فضل برتر و بالاتر بلکه سرآمد بسیاری از علمای عصر خود بوده است.

آن بزرگوار علوم مقدماتی را در قم فراگرفته و سپس به نجف اشرف رفته، از محضر درس مرحوم آقای سید محمدکاظم یزدی در فقه و آقای آخوند ملا محمدکاظم خراسانی در اصول و آقای حاج میرزا حسین نوری در روایه و درایه بهره‌مند شده و سپس به سوی مرحوم میرزای دوم آقای حاج میرزا محمدتقی شیرازی شتافته و از محضر وی استفاده کرده، بیست و چند سال به تدریس و وظایف مقرر سرگرم بود و مقبول عموم و مورد توجه علما و فضلا و مردم مشهد قرار داشت و بعد علیه رضاخان و حرکات ناشایست او قیام کرد، به تهران آمد و بالاخره غائله خراسان پیش آمد و منجر به تبعید ایشان به کربلا شد. ده سال در کربلا اقامت کرد تا در سال 1363 قمری به عزم زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمد و استقبال بسیار گرم و باشکوهی در شهرهای مختلف از قصر شیرین تا قم و تهران از ایشان به عمل آمد و به مشهد رفته، یکماه توقف کرده به تهران برگشت و بار دیگر دنبال مطالب قبلی خود را گرفت و با کمک مرحوم آیت اللّه العظمیٰ بروجردی و ملت مسلمان، موفق شد که کشف حجاب اجباری را بردارد و بعد به کربلا برگشت.

درباره مقامات علم و کمال و تقوای ایشان بسیار مطلب گفته شده است که در این میان مرحوم محدث قمی اعلیٰ اللہ مقامه که نمونه صدق و عدالت بوده کلامی دارد که ما به همان اکتفا می‌کنیم. او می‌گوید: "از الطافی که خداوند به برکت حضرت رضا علیه السلام درباره من - در مشهد مقدس - کرد این بود که مرا فرود در منزل السید الاجلّ و الکهف الاطلّ، العالم المحقق و الفاضل المدقق الورع البارِع، التقی الرّکی، ثقة الاسلام، ملاذالانام، ابی المکارم و المحاسن، حجة الاسلام و سیدنا الحاج آقا حسین قمی.

و راجع به پدر آن بزرگوار می‌فرماید: السید الحسیب الجلیل، ذی الشرف الاصلیل، غرّة ناصیة العزّة و الجلال و قدوة ارباب الشرف و الکمال و الواصل الی رحمة ربّه الودود، المرحوم المغفور السید محمود عطر اللّه مرقدّه و نور مضجعه.

بعد می‌گویند: "و از این سید سعادت مند این است که فرزندان به او عطا شد که علما و فقها و اتقیاءند."

بار دیگر به ذکر آیت الله قمی می‌پردازند و می‌گویند: "از جمله فرزندان سید محمود، سید اجل یاد شده - آقای حاج آقا حسین - است؛ الّذی هو من اعظم فضلائنا المتأهلین للثناء بکلّ جمیل عامد العدیل و فاقد الزمیل، مسلماً تحقیقه فی الاصول، بل ما هراً فی المعقول و المنقول حسین الاسم، حسن الرسم و الاخلاق جید الخلق طیّب الخلق و الاعراق.

و در اینجا می‌گوید: من در قدسیّت ذات، دومی برای او ندیدم و در ملکات و صفات انسانی کسی را که حتی نزدیک به او باشد نیافتم. گویا وجودش سرشته به رضا و تسلیم است و به سوی خدا نیامده است، جز با قلب سلیم." (105)

باری، زعیم بزرگ شیعه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای سیدابوالحسن اصفهانی قدس سره در نهم ذی الحجة سال 1365 هجری قمری دارفانی را وداع گفت و بعد از وفات او مرجعیت مرحوم حاج آقا حسین قمی رسمی و عمومی گردید، به خصوص که از قبل مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مردم مشهد را در احتیاطات خود ارجاع به آن بزرگوار فرموده بود و خلاصه چند نفر از اعظم بودند که در این هنگام در مقام مرجعیت عامه واقع شدند و دو نفر از آنان دو سید جلیل طباطبایی و الامقام و بلندپایه، هر دو حسین نام، یکی حاج آقا حسین بروجردی و دیگری حاج آقا حسین قمی، بیشتر در معرض فرار گرفتند؛ هر چند عده زیادی آقای بروجردی را بالخصوص برای مرجعیت نام می‌بردند، ولی گروهی هم آقای قمی را مقدم می‌دانستند و رسماً ایشان را می‌گفته‌اند. ولی بالاخره مرجعیت ایشان دوامی نیافت، زیرا حدود سه ماه و ده روز بعد از وفات مرحوم اصفهانی، آقای قمی هم در بیمارستان بغداد در 14 ربیع‌الاول سال 1366 هجری قمری از دنیا رفت و جنازه شریفش را از کاظمین به نجف آوردند و در صحن مقدس در حجره مرحوم شریعت اصفهانی مدفون گردید.

آن بزرگوار از علمای کثیر الاولاد بوده‌اند که مشهورترینشان حضرت آیت الله حاج آقا حسن قمی، ساکن مشهد مقدس از مراجع عالیقدرند که یک بار در چندسال قبل توفیق زیارتشان را در رواق حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام پیدا کردم.

در پایان این بحث دو مطلب که یکی مربوط به زندگی بی‌آلایش و سراسر صداقت و یکرنگی آن بزرگوار است و دیگری مربوط به حال احتضار ایشان می‌باشد را ذکر می‌کنیم:

#### 1- مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای گلپایگانی قدس سره فرمودند:

روزی برای صرف ناهار از مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی و از مرحوم آقای صدر، دعوت کرده بودیم. اتفاقاً آن روز آقای صدر روزه گرفته بودند و نیامدند. آقای حاج آقا حسین قمی آمدند و ما آش پخته بودیم و ایشان میل کردند، بعد که رفتند فرستاده مرحوم آقای صدر آمد و گفت ایشان می‌فرمایند: یک مقداری از آن آش برای من بدهید که از بس آقای حاج آقا حسین از آش منزل شما تعریف کردند، من هم میلم کشیدم.

سبحان الله! از این پاکی و بزرگواری و یکرنگی مرحوم آقای قمی و صفا و صمیمیت آقای صدر و دوستی این سه شخصیت علمی با هم!!

2- آن بزرگوار در آخر عمر، دچار سرطان شده و در بیمارستان بغداد بستری گردیده و از دنیا رفتند. در روزهای واپسین عمر در حالت اغما بودند، یکی از بزرگان از قول حاضران کنار بستر ایشان نقل می‌کردند که: "آن بزرگوار در ساعات آخر و در همان حالات، ناگهان فرموده بودند: مرا بنشانید. حاضران خیال کردند که این سخن از عوارض حالت بیهوشی و اغمای اوست. بار دیگر به طور جدی فرمود: مرا بنشانید که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده‌اند.

ایشان را نشانند، در این حالت به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام سلام کرد و سپس خوابیده و از دنیا رفت.

## 14- محدث قمی

محدث بزرگوار، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی اعلی‌المقامه الشریف از ارکان علم حدیث و روایت در اعصار اخیر، بلکه خود رکن اصلی در این موضوع به شمار می‌رود. او در سال 1249 هجری قمری در شهرستان قم پا به دایره موجود نهاد و چون ایام کودکی را پشت سر نهاد، شروع به تحصیل علوم دینی کرد و تا سال 1316 هجری قمری همچنان در قم سرگرم اندوختن علوم اهلبیت علیهم‌السلام بود. در آن سال به عراق رفت و در نجف به مرحوم حاج میرزا حسین نوری اعلی‌المقامه متصل شد و شدت پیوند و رابطه بین این استاد و شاگرد پیدا شد و محدث قمی استفاده فراوان از آن بزرگوار کرد، تا در سال 1320 هجری قمری که استادش از دنیا رفت او هم به قم مراجعت کرد و سرگرم تحقیق و تألیف شد. در سال 1332 هجری قمری به مشهد مقدس رفت و در آن ارض اقدس، ساکن گردید و به کار تألیف و تصنیف و درس اخلاق و موعظه اشتغال داشت و در مدرسه میرزا جعفر که در مجاورت بقعه مبارکه است، برای طلاب درس اخلاق می‌گفت. در حالاتشان نوشته‌اند که: حدود هزار نفر در محضر شریف او حضور می‌یافتند و آن بزرگوار، نزدیک سه ساعت یکسره به افادات خود ادامه می‌داد و مستمعین با اقبال تام و توجه کامل، سخنان او را استماع می‌کردند. رسم او این بود که کتاب حدیث را با خود می‌آورد و عین عبارت مبارك روایت را با سلسله سند آن از روی کتاب می‌خواند و به شرح آن می‌پرداخت.

چند موضوع در زندگی این مرد بزرگ بسیار قابل توجه است:

- 1- استقامت و پشتکار او در زندگی. او چنان اهتمام به امر تألیف و تصنیف داشت که تمام عمر خود را وقف آن کرده بود و هیچ‌گاه در کار خود سستی نکرد و حتی در سفرهای خود و در بین راه‌ها هر جا اندک فرصتی پیدا می‌شد، او سرگرم کار خود می‌گردید و یکی از بزرگان گفته است: "در بیابان او را دیدم که وقتی ماشین حامل ایشان خراب شده بود و مشغول اصلاح و تعمیر آن بودند، او مشغول نوشتن بود."
- 2- موفقیت ایشان. او به راستی از موفق‌ترین علما و محدثین اعصار اخیر است، زیرا در عمر شصت و پنج ساله خود علاوه بر تربیت نفوس بسیار 33 جلد کتاب ارزشمند مطبوع و چاپ شده دارد، که بعضی از آنها خود دو جلد یا سه جلد است، چنانکه کتاب گرانسنگ "سفینه البحار" دو جلد قطور است و کتاب پرارزش "الکفی و الالقاب" او سه جلد می‌باشد، و 17 کتاب تمام شده دارد که چاپ نشده و 11 کتاب دارد که موفق به اتمام آنها نشده و ناتمام مانده است. ضمناً کتابهای این روحانی بزرگوار از اتقان و استحکام خاصی برخوردار است و عموم طبقات از آثار قلمی او بهره‌مند و برخوردارند.
- 3- اخلاص او. محدث اعلی‌المقامه، به مرتبه عالی یقین و اخلاص واصل شده بود و در این موضوع، حکایت‌هایی نقل شده است، از جمله مطلبی که مرحوم دکتر شهابی در مقدمه کتاب "الفوائد الرضویه محدث قمی" نقل کرده است، هر چند که در بعضی از چاپهای آن کتاب، مقدمه مزبور اسقاط گردیده است. در هر حال ایشان می‌گویند: "ماه رمضان فرارسید، طلاب و مؤمنین از وی درخواست می‌کنند که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت کنند. او هم پذیرفت و در آن مسجد حضور می‌یافت و اقامه جماعت می‌کرد و جمعیتی انبوه در آن جماعت شرکت می‌کردند. يك روز پس از پایان نماز ظهر برمی‌خیزد و می‌گوید: "من نمی‌توانم نماز عصر بخوانم" و بیرون می‌رود و دیگر به کلی آن جماعت را ترك می‌کند و بعد که علت را از او می‌پرسند، می‌گوید: در رکوع رکعت چهارم بودم که همچنان صدای "یاالله" و "ان الله مع الصابرين" از اقتداکنندگان به گوشم رسید و به ذهنم آمد که جمعیت بسیاری در نماز شرکت کرده‌اند و نوعی انبساط برآیم دست داد و من که اینچنین باشم، شایستگی اقامه جماعت ندارم و از این رو آن جماعت را ترك کردم.

داستان دیگری را فرزند برومند آن بزرگوار، خطیب و واعظ پاك و پرهیزگار، مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا محدث‌زاده رضوان‌الله‌علیه نقل کرده است و طبق آنچه در دفتر یادداشت‌های آمده و با يك واسطه نقل کرده‌ام این است: ایشان از پدرشان - محدث قمی - نقل کرده‌اند که مرحوم کربلایی محمدرضا - پدر محدث قمی - روزی در

صحن شریف حضرت معصومه علیها السلام، پای منبر مرحوم شیخ عبدالرزاق نشسته بوده و از او احادیثی را از روی کتاب منازل الاخره می‌خوانده است که بسیار برای ایشان جالب بوده و تحت تأثیر مطالب و روایات آن کتاب که پیرامون قبر و قیامت است واقع می‌شود و نمی‌دانسته که کتاب منازل الاخره یکی از تألیفات فرزند خودش حاج شیخ عباس است و چون به خانه می‌آید و می‌بیند فرزندش محدث قمی مشغول نوشتن است به او می‌گوید: ... مثل آقا شیخ عبدالرزاق هم نشدی، چه روایتی از کتاب منازل الاخره می‌خواند! محدث قمی فرموده‌اند: من آمدم بگویم که این کتاب، نوشته و تألیف من است، ولی دیدم که اگر بگویم اولاً شاید منافات با اخلاص داشته باشد و ثانیاً ممکن است موجب شرمندگی پدرم بشود و از اظهار این موضوع خودداری کردم!

4- او شدت احترام به کتب اخبار و نیز برای علمای اعلام قائل بوده است.

مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا فرزند آن بزرگوار نقل کرده‌اند که: شبی در تهران در منبر، آن حدیث را خواند که امام صادق علیه السلام شبانه غذا برای گروهی از مستمندان می‌برد که در مکانی خوابیده بودند و شخصی که همراه حضرت بوده پرسیده است که آیا اینها از دوستان شما هستند؟ حضرت فرموده: اگر از موالیان ما بودند لو اسیناهم بالدقة، در نمک طعام هم به آنان مساوات می‌کردیم.

و چون مرحوم مجلسی با کسر دال ضبط کرده (الدقة) من گفتم: مجلسی اشتباه کرده و این کلمه مضموم است به معنی "نمک".

مجلس تمام شد و من به منزل رفته و استراحت کردم، همان شب در عالم رؤیا دیدم پدرم را که به من فرمود: پسرک به تو چه که مجلسی اشتباه کرده؟! او در صدر علمای اسلام است، زود برو و از او عذر بخواه! من بیدار شدم و صبر کردم تا صبح فردا رسید و فقط به مادرم گفتم: من رفتم و زود حرکت کردم و به اصفهان آمدم و سر قبر علامه مجلسی رفته و از سخن خود اعتذار جستم.

باری مرحوم محدث قمی در اواخر عمر، مشهد را به قصد عتبات عالیات ترک کرد و در نجف اشرف مقیم شد و در شب 23 ذی الحجة سال 1359 هجری قمری از دنیا رفت و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره بر او نماز خواند و در کنار استادش حاجنوری دفن گردید. (106)

قم / حوزه علمیه

علی‌اکبر کریمی جهرمی

---

(1) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 211، ح 18 و کتبی، محمد، اختیار معرفة الرجال، ص 333

(2) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 212-213

(3) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 213، ح 23.

(4) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 213، ح 24.

(5) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 214، ح 26.

(6) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 214، ح 27.

(7) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 214، ح 31.

- (8) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 214-215، ح 32.
- (9) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 215، ح 33.
- (10) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 215، ح 35.
- (11) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 216، ح 38.
- (12) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 216، ح 38.
- (13) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 216، ح 39.
- (14) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 216-217، ح 41.
- (15) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 217، ح 42.
- (16) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 217، ح 44.
- (17) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 217، ح 46.
- (18) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 218-219، ح 49.
- (19) صدوق، محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 21.
- (20) صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 22.
- (21) قمی، حاج شیخ عباس، سفینة البحار، ج 2، ص 447، ماده "قَمَمَ".
- (22) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 82.
- (23) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 217، ح 42.
- (24) سوره هود، آیه 45.
- (25) سوره هود، آیه 46.
- (26) ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج 5، ص 547.
- (27) مفید، محمد، ارشاد، ج 1، ص 355.
- (28) توسی، محمد، امالی، ج 2، ص 249-251، با تلخیص.
- (29) مفید، محمد، ارشاد، ج 2، ص 244.
- (30) این جمله در زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، نیز ذکر شده است.



(31) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: لا یُقاسُ بألِّ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدًا وَ لَا یُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ  
نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ آسَاسُ الدِّینِ وَ عِمَادُ الْیَقِینِ ، نهج البلاغه، خطبه 2

یعنی احدی از این امت را با آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، مقایسه نتوان کرد و کسانی که ریزه خوار نعمت آل  
محمدند، با آنان برابر نخواهند شد. آنان اساس دین و پایه‌های یقین‌اند.

(32) به اعیان الشیعة، اثر سید محسن امین جبل عاملی، طبع بیروت، ج 8، ص 391 مراجعه شود.

(33) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 219.

(34) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 22، ص 373 و 380.

(35) ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 291-292.

(36) تمام روایت و روایات دیگری را در بحث زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها ذکر خواهیم کرد.

(37) قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الثنات، ج 2، ص 786: واضح است که مقصود میرزای قمی از آخوند  
ملا محمدباقر مجلسی است و اما اینکه فرمود: سه روایت مورد اشکال است زیرا مجلسی، شش روایت را در این  
باب ذکر فرموده است.

(38) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 99، ص 267، و از این پیش در بحث روایات آن را از ج 57 نقل  
کردیم.

(39) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، طبع بیروت، ج 99، ص 267.

(40) ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 324، و مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمه در عیون اخبار الرضا علیه السلام ،  
ج 2، ص 267، و در ثواب الاعمال، ص 124 به سند معتبر این روایت را نقل کرده است.

(41) همان.

(42) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، طبع بیروت، ج 99، ص 265-266.

(43) استنقآت مخلوط.

(44) بدین ترتیب: عبدالعظیم (بن عبدالله)، (بن علی)، (بن الحسن)، (بن زید)، بن السبط الاکبر الامام حسن المجتبی  
علیهم السلام.

(45) یادداشت‌های مرحوم آقای حایری، ص 118.

(46) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 219.

(47) قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الامال، ج 2، ص 162.

(48) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 2، ص 70.

(49) کاظمینی، میرزا محمد، تندیس پارسایی، ص 86-82.

(50) مرحومه مادریز رگم، یعنی مادر مادرم رحمة الله عليها، خداوند اموات همه اهل ایمان و آن مرحومه مغفوره را در عالم آخرت با حضرت معصومه سلام الله عليها محشور فرماید.

(51) فاطمی، سید حسین، جامع الدرر، ج 2، ص 228.

(52) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 643.

(53) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، اقامة البرهان على اصول دين الاسلام، ص 289.

(54) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، اقامة البرهان على اصول دين الاسلام، ص 478-479.

(55) نوری، میرزا حسین، دار السلام فی الرؤیا و المنام، ج 2، ص 169-171، با تلخیص.

(56) آیت اللهی، سید محمدباقر، سرگذشت نیکان، ص 184-186.

(57) حدیث شریف و مدرک آن در بخش اخبار و روایات، گذشت.

(58) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویة، ص 380.

(59) سوره یوسف، آیه 93، یادداشت‌های مرحوم آیت الله حایری، ص 134.

(60) این مراکز سه گانه عبارتند از: الف: مسجد اعظم، ب: مدرسه آقای گلپایگانی، ج: دار الشفا و فیضیه.

(61) البته آن بزرگوار نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را نیز در حرم می خواندند و نیز مرحوم آیه الله العظمی اراکی نماز ظهر و عصر را در آن مکان مقدس می خواندند.

(62) امینی، عبدالحسین، الغدير، ج 1، ص 197.

(63) مجلسی 7 محمدباقر، بحار الانوار، ج 65، ص 76-77 و سفینه البحار، محدث قمی، ج 1، ماده شیع، ص 729.

(64) گنجینه دانشمندان، مرحوم آقای رازی رحمة الله عليه، ج 1، ص 16-17.

(65) سوره اسراء، آیه 79.

(66) تفسیر عیاشی، ج 2، ص 314، تفسیر برهان، ج 2، ص 440، تفسیر صافی، ج 1، ص 585.

(67) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 8، ص 52.

(68) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 83.

(69) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 58.

(70) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 425.

(71) قزوینی رازی، عبدالجلیل، المنتقض، ص 167-168 و در پاورقی آمده که یا مراد به مقطع در اینجا کسی است که سلطان، منافع و عایدات قصبه‌ای یا شهری را به یکی از درباریان خود واگذار کند در مقابل اینکه او نیز پیوسته یا در موقع لزوم، عده‌ای حاضر در رکاب را تحت اختیار سلطان بگذارد.

(72) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 424-425.

(73) رازی، محمدشریف، مجاهد شهید آیه‌الله بافقی، ص 94.

(74) رازی، محمدشریف، مجاهد شهید آیه‌الله بافقی، ص 101.

(75) فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، پاورقی 194.

(76) معلوم می‌شود که آن زمان هم مثل زمان ما دوستیها گاهی با طغیانگری همراه بوده است.

(77) امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج 2، ص 351 و در نقلی هزار دینار طلا؛ ططكك به جای سی هزار درهم آمده است.

(78) توسی، محمد، اختیار المعرفة الرجال، ص 595.

(79) توسی، محمد، اختیار المعرفة الرجال، ص 595.

(80) توسی، محمد، اختیار المعرفة الرجال، ص 594.

(81) اردبیلی، محمد، جامع الرواة، ج 1، ص 330.

(82) رجال کتبی، ص 173.

(83) توسی، محمد، اختیار المعرفة الرجال، ص 616.

(84) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 223.

(85) صدوق، محمد، کمال الدین، ص 384.

(86) صدوق، محمد، کمال الدین، ص 264-265.

(87) کسانی که طالبند به رجال نجاشی، ص 260 مراجعه کنند.

(88) رجال نجاشی، ص 261.

(89) مقدمه معانی الاخبار، به قلم مرحوم ربّانی شیرازی، ص 82-83.

(90) محمدبن مکی (شهید اول)، ذکر الشیعة، ص 4.

(91) به کتاب غیبت شیخ طوسی، ص 257 مراجعه شود.

(92) رجال نجاشی، ص 261.

(93) مقدّمه معانی الاخبار، ص 18-19.

(94) مقدّمه معانی الاخبار، ص 10.

(95) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 51.

(96) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 159.

(97) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 179.

(98) حر عاملی، محمدبن حسن، امل الأمل، ج 2، ص 277.

(99) موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنّات، طبع قدیم، ص 517.

(100) تهرانی، آقابزرگ، نقباء البشر، ج 4، ص 1657.

(101) تهرانی، آقا بزرگ، هدیه الرازی الی الامام الشیرازی، ص 147-148.

(102) دو مطلب اخیر را خطیب بزرگ اسلام مرحوم آقای فلسفی رحمه الله علیه در جلسه فاتحه مرحوم آقای اشراقی - نوه مرحوم آیت الله ارباب و داماد مرحوم امام - و مرحوم شهید مدنی که در فیضیه از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی منعقد بود و در سخنرانی خود، از قول معظم له نقل کردند.

(103) به کتاب مسلسلات، اثر آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، ج 2، ص 343-344، گنجینه دانشمندان، آیینہ دانشوران و تاریخ مذهبی قم، مراجعه شود.

(104) به آیینہ دانشوران، ص 352-353، و گنجینه آثار قم، ج 1، ص 328-337 مراجعه شود.

(105) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویه، ص 3 و برای مطلب قبلی به کتابهای گنجینه آثار قم و نیز گنجینه دانشمندان رجوع فرمایید.

(106) به مقدّمه کتاب الانوار البهیة مراجعه شود.